

در صفحات دیگر این شماره:

- در تظاهرات ۷۰ هزار نفری کرمان شعارهای انقلابی و کمونیستی طنین افکن بود
صفحه ۹
- قیام ۲۹ بهمن تبریز، پیش درآمد قهر انقلابی زحمتکشان علیه سرمایه داری وابسته
صفحه ۱۳
- پیرامون جنبش زنان زحمتکش
صفحه ۱۹
- خسرو گل سرخی: سرود جوان انقلاب تا آخرین قطره خون
صفحه ۲۳

بزرگداشت سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن زیر پرچم سرخ کمونیست‌ها

صفحه ۱۳



الهام مقاله

بر آلترناتیو کمونیستی

پافشاری کنیم!

در پی دعوت سازمان ما و سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر و با پشتیبانی رفقای "گومله" جهت برگزاری مراسم دومین سالگرد قیام خونین بهمن در تهران و شهرستانها تظاهرات با شکوهی در تهران با شرکت هزاران نفر از توده های آگاه و انقلابی، ابتدا در میدان انقلاب و سپس از حمله و یورش وحشیانه مزدوران و اوباشان رژیم جمهوری اسلامی، در مسیر خیابان خوش - آذربایجان - رودکی صورت گرفت. توضیحات و گزارشات مربوط به این تظاهرات و راهبیمانی در جای خود به تفصیل آمده است و آنچه در این منظور نظرات، توضیح درباره هدفها و مجموعه وظایفی است که در ارتباط و براساس آنها، این تظاهرات و راهبیمانی های مشابه بقیه در صفحه ۲

کنفرانس "غیر متعهدها" یا استعده به امپریالیسم؟

صفحه ۲۱

تداوم انحلال طلبی در پوشش نوین! نقدی بر مبارزه ایدئولوژیک علنی "وحدت انقلابی"

صفحه ۱۱

موضع مادر قبال "قانون سود ویژه"

صفحه ۲۷

باز هم درباره مصاحبه مجاهد با قاسملو

صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

شبهه از صفحه ۱ سر مقاله ***

آن در شرایط فعلی و در آینده ضرورت قطع می پیدا می کند.

همانگونه که پیش از این توضیح داده ایم جامعه ما در شرایط بحرانی قرار دارد، بحرانی عمیق و همه جانبه که از یک سو توده های عظیم خلق - یعنی همانها که قیام کردند و با قدرت اسلحه رژیم سلطنتی را به زباله دانی تاریخ سپردند - را علیه رژیم ما می توهمان نشان نسبت به قدرت - مندان جدید، به ما رزوه ای گسترده علیه رژیم حاکم واداشته و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی را از پایه شکنجه به اساسی ترین خواسته های دمکراتیک و انقلابی توده ها که به خاطر آن قیام کردند، عاجز و ناتوان ساخته است. این بحران در تداوم خود بویژه پس از شروع جنگ ایران و عراق، ابعاد گسترده یافته و در پی آمد خود گسترش با زهم بیشتر مبارزات توده ای و متقابلاً تشدید تظاهراتی درونی هیئت حاکمه و عاجز و ناتوانی هر چه بیشتر اوراق در تخفیف و حل بحران، تثبیت قدرت خود و سرکوب متمرکز جنبش توده ای و انقلابی، به دنبال داشته است. در متن چنین شرایطی از بحران نمایندگان سیاسی اشرار و طبقات مختلف جامعه میکوشند تا از زاویه دیدگاهها و منافع طبقاتی خویش راه حل خاص خود را برای غلبه یافتن بر این بحران ارائه داده و در همین رابطه به تحکیم مواضع خود در قدرت سیاسی و با کوشش برای تصرف آن بپردازند. نیروهای فدا انقلابی ای چون حزب جمهوری، لیبرالها، رویزیونیستها، دارودسته، بختیار مزدور، از یکسو از سوی دیگر دمکراتهای ناپیکری چون مجاهدین و انقلابیونی چون کمونیستها، آن نیروهای سیاسی و آلترنا تیبو-ها می هستند که موبیش در صحنه مبارزه طبقاتی حضور فعال دارند و هر یک به فراخور حال خود در صدد آنند که با طرح برنامه سیاسی و اقتصادی خویش، توده ها را بزرگوار و پرخود کشیده و هژمونی و حاکمیت سیاسی خود را حفظ و با تأمین نمایند.

از نیروهای سیاسی ای چون حزبها و لیبرالها که قدرت راهم اکنون در اختیار دارند بگذریم، هم اکنون رویزیونیستها و مجاهدین فعالیت وسیعی را در تمامی عرصه ها آغاز کرده - اند و می کوشند در ظل آلترنا تیبو انقلابی پیکری توده های هر چه وسیعتری را که از رژیم جمهوری اسلامی کنده میشوند، بسوی خود جذب کنند. رویزیونیستها "توده ای" و "اکثریتی" - با تمام نیرو و امکانات خود در کارخانه، مدرسه، اداره، در کوچه و خیابان و در شهر و روستا بسیج شده اند و با تبلیغات زهر آکنده و اقدامات ضد انقلابی خود اذهان توده ها و جنبش آنها را دچار انحراف ساخته، آنها را به تریا نگاه سوز و آری روانه می سازند. اینان بیش از خود سوز و آری

سوز و آری خدمت میکنند و آنقدر که سوز و آری از انجام آن عاجز و ناتوان است، آن کربکهای میث نما با عوام فریبی هر چه مترا متر در انجام آن حاضر و آماده اند. از پیوی دیگر، مجاهدین خلق به پیشنهاد مبارزات انقلابی گذشته و مواضع دمکراتیک خود و به نگاه کوشش وسیع در میان توده ها می که پیش از این از رژیم جمهوری اسلامی و بویژه از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی کنده میشوند، توانسته اند خود را به عنوان یک نیروی قابل توجه در سطح جامعه مطرح نمایند. عواملی چند نظیر باین بودن سطح آگاهی کارگران و دیگر زحمتکشان، ضعف نیروهای کمونیستی و محدودیت فعالیت سیاسی و تبلیغی آنها، عقب ماندگی و ناتوانی رژیم حاکم و بویژه حزب جمهوری از پاسخ گوئی به خواسته های دمکراتیک توده ها و در همین رابطه نادیده گرفتن ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک و سرکوب و حشیا نه جنبش توده ای از سوی رژیم... عواملی هستند که در قدرت گیری و مطرح شدن مجاهدین به عنوان یک نیروی مهم سیاسی نقش داشته اند و در آینده نیز مجاهدین با توجه به عملکرد همین عوامل و با استفاده حداکثر از آنها خواهند کوشید تا خود را بیش از آنچه در حال حاضر هستند برای توده ها مطرح کنند. اما قدرت گیری مجاهدین خلق به همان اندازه که بسیار نگرانیست صفا انقلاب و تضعیف ارتجاع و صف ضد انقلاب است، در عین حال میتواند در شرایطی که پهلوانان و نمایندگان آن کمونیستها نتوانند نقش خود را به عنوان پیگیرترین طبقه و نیروی سیاسی در جذب نیروهای چون مجاهدین سمت خود ایفا کنند، بعنوان یک عامل منفی عمل کرده و با دامن زدن به توهمات که امکان فرو ریختن آن وجود داشت، جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما را دچار راضیات و شکستهای دیگری بنماید. این خطر هنگامی افزایش می - یابد که مجاهدین خلق با سرعتی روز افزون و با گرایش قوی بسمت لیبرالها در حرکتند. وی - روندنا نیروی خود را در خدمت لیبرالها و سکو پرتاب آنها قرار دهند. ما حبه روزنا مه "مجاهد" با قاسملو و شرکت مجاهدین در روز ۲۲ بهمن در میخان آزادی و در زیر چتر لیبرالها، رنگ خطر را بصدا در آورده است و این کمونیستها هستند که با بدین ظرو و نیز تها می خطرات ناشی از قدرت - گیری روز افزون لیبرالها و رویزیونیستها را نه در حرح بلکه در عمل جدی بگیرند.

این جدی گرفتن چیزی جز کوشش برای کسب قدرت سیاسی توسط پهلوانان و فزایا هم خشن تمام مقدمات ملزومات آن نیست. این جدی گرفتن به مفهوم کوشش مداوم کمونیستها در تبلیغ و ترویج سوسیالیسم در میان طبقه کارگر، کار و وسیع و آگاهان سیاسی در میان توده ها، افشای همه جانبه جناحهای حاکم و دیگر نیروهای

مذاقنای و توضیح بر آن مدح و تadel و جدا کسیر پهلوانان است. این جدی گرفتن بمعنی شرکت فعال در مبارزات توده ها، ارتقا سطح آن و تسخیر و سازماندهی توده ها حول شعارها و خواسته های انقلابی و سرولتری است. این جدی گرفتن به مفهوم مبارزه با دشمنان و همکاران همه جانبه علیه رویزیونیسم و مبارزه علیه انحرافات موجود در جنبش کمونیستی و در همین رابطه کوشش برای تدوین تئوری انقلاب ایران و تأمین وحدت ایدئولوژیک - سیاسی و تکنیکال جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست - این مبارزه جسم عالی و با رزاین وحدت است. این جدی گرفتن بمعنی درک صحیح از شرایط و وضعیت سیاسی جامعه و ما هیت قدرت سیاسی، درک صحیح از شرایط اعلام کنونی جنبش توده ای و اتخاذ تاکتیک تفرقی در قبال سیاست سرکوب رژیم و تمام قید و بندها و محدودیتها است که در برابر فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست بوجود آورده است. این جدی گرفتن بمعنی استفاده حداکثر از شرایط و امکانات فعالیت علنی و عینی اتحاد عمل و همکارای نیروهای انقلابی و کمونیستی و شرکت یکپارچه آنان در فعالیتها و مراسم است که میتواند با بردت تبلیغی وسیع و توده ای، موجب مطرح شدن هر چه بیشتر آلترنا تیبو کمونیستی در سطح جامعه و شناختن آن در قبال آلترنا تیبوهای ارتجاعی و ناپیکری توده ها گردد.

بدون انجام این وظایف در مجموع خود در ارتباط منطقی با یکدیگر، کوچکترین سختی از یک طرف قدرت سیاسی توسط پهلوانان و نمایندگان سیاسی آن کمونیستها نمی تواند در میان باشد. از اینرو هنگامی که ما از بزرگداشت دومین سالگرد قیام بهمن و تظاهرات و راهپیمایی های مشابه آن سخن میکشیم و روی ضرورت شرکت فعال نیروهای کمونیستی و انقلابی تاکیدی ورزیم، در ارتباط با مجموعه وظایفی است که در بالا از آن سخن گفتیم و باز با چنین درکی از مضمون بزرگداشت قیام خونین بهمن است که باید بر خورد در قیام سازمان جریکهای فداش خلق را در جاسا ختن صیف خود از سایر نیروهای کمونیستی در برکرای این مراسم و با عدم شرکت رفقای "کومه له" را در کمیته بزرگداشت مراسم (علیرغم حمایت و پشتیبانی این رفقا از این مراسم) مورد انتقاد قرار داد به عقیده ما نحوه برخورد رفقا به این مسئله بهیچوجه از مجموعه دیدگاهها ای آنها در زمینه مسائل سیاسی و ایدئولوژیک و از آنجمله - مسا له وحدت جنبش کمونیستی جدا نبوده و از همین روی باید در جای خود در رابطه با آن مسائل مورد بررسی و نقد قرار گیرد. روشن است که این رفقا نیز بسوی خود طبیعه آید، دلایل خود را در این شبهه در صفحه ۲۷

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

اهواز.

بندسال اخراج یبایی کارگران مناطق مختلف کده به بهانه جنگ صورت میگیرد، حدود ۹۰ نفر از کارگران دفتر فنی دانشگاه اهواز را به بهانه غیبت دادن اخراج میکنند. اخبار نیز حقوق کارگران را به نصف تقلیل داده اند و این در شرایطی است که خانواده‌های اغلب این کارگران بعلت جنگ ارتجاعی کنونی آواره روستاها و سیاحتی اطراف شده‌اند. و در فقر و تنگدستی بسیار میروند.

بسیار از این طرح ضدکارگری جدید اداره بهره برداری شرکت نفت اهواز مبنی بر ۱۴ روز کار (روزی ۹ ساعت) و ۷ روز استراحت (علاوه بر جمعه کاری) و محدود کردن سروس‌یابی و دهاب، کارکنان اداره تعمیرات شرق اهواز در روزهای ۲۰ تا ۲۲ دیماه دست به اعتصاب زده و در مقابل ۲۵ اداره بهره برداری تجمع میکنند. لازم به تذکر است که کارگران سابقاً بعلت شرایط دشوار کارشان بکفایت کار و یک هفته استراحت داشتند. اعتراضات کارگران بعلت خودبخودی بودن و نداشتن شکل شان به نتیجه ای نرسید و کارگران سرکارها میگردند

در تاریخ ۵۹/۹/۱۶ عده ای از کارگران سازمان آب که بطور روزمره کار میکنند در جلوی اداره سازمان آب دست به تحصن زدند. علت تحصن اعتراض به اخراج آنها از کارشان بود. سازمان آب به بهانه نداشتن بودجه دست به اخراج آنها زده است. در این تجمع ابتدا کارگران تنها خواهان پرداخت حقوق و حقوقهای عقب افتاده بودند. اما با برخوردی آگاهانه اعلام داشتند که خواهان استراحت و زکشت بسر کار خود هستند.

(بمنقل از خبرنا مه جنگ ۱۴ کمیته خورستان)

تهران:

کارفرمای شرکت صنعتی یونان که تولیدکننده مخازن گاز است، امسال بجای وارد کردن آهن گورد، اقدام به وارد کردن آهن چهار گوش می نماید و بدین ترتیب سعی میکند کارافعی بدون مزد به کارگران تحمیل نماید. این عمل موجب اعتراض کارگران میشود. آنها مدتی دست از کار میکشند. کارفرما که سود خود را در خطر می بیند تصمیم به کرد کردن آنها در کارخانه دیگری میگیرد و با خواست کارگران که خواهان دریافت مزد کارافعی و انجام آن توسط خودشان بودند، مخالفت میکند کارگران هم تولید را می نمایند و در نتیجه محصول ماهانه از ۳۰۰ الی ۴۰۰ عدد مخزن به ۴۵ عدد میرسد.

کارگران نمایندگان خود را به مجمع شرفی سالانه هات مدیره شرکت در روز ۱۰/۲۷ وارد

از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

طی یک سلسله معاللات تحت عنوان فون در جنبش تحققی این هدف کام برداشته و در نتیجه های مختلف صنعتی را مورد بررسی قرار دهم.

الف - رشته اتومبیل سازی

۱- کارخانه ایران تا سیوا از در شهر پور ماه امسال در این کارخانه دردی بزرگی صورت گرفت که بنا بکفایت خود مقامات رژیم "دهیبا" میلیون سو، استفاده "صورت گرفته است" و "۳۰۸ قلم قطعات بدکی اتومبیل را که در بازار کماب است بعنوان ضایعات به مزایده فروختند." (اطلاعات ۵۹/۶/۲۵) مدیریت کارخانه که شخصی بنام "مخلمی" است برای توجیه این دزدی و برای آنکه با رژیم بنا نهادن کامل دسترنج کارگران و زحمتکاران را غارت کند اعلام کرد که: "اینها ضایعات شخصی داده شده بودند و به مزایده گذاشته و بفروشن رسیدند."

این دزدی بزرگ که توسط عوامل خود رژیم یعنی مدیریت کارخانه و ادارات روسته اش صورت گرفت، ساعت براه افغانان بحث زیادی در میان بخشه در صفحه ۸

جنگ ارتجاعی ایران و عراق موجب حادث شدن بحران اقتصادی جامعه گردید. که اگر چه با دست زدن به توهمات شوونیستی بوده ها، مدت کوتاهی ست مبارزه طبقاتی را به انحسراف گشاید، ولی اثرات ربا نیا را این جنگ برای توده ها موجب ریزش بیشتر توهمشان و آشکار شدن ماهیت جنگ برآنان گردید. بدین ترتیب ما اکنون شاهد و جبری جنبش توفنده انقلابی توده ها میباشیم. که جلایه های آن با گسترش امواج نارضایتی عمومی از رژیم جمهوری اسلامی بخوبی آشکار گردیده است. این جنبش تنها در صورتی از ناکامی مجدد مضمون مانده و به پیوسته روزی انقلاب دمکراتیک - فدا میریایستی خلقهای ایران خواهد انجامید، که از رهبری طبقه کارگر و ستاد رزمنده اش، حزب کمونیست برخوردار گردد. بدین جهت بررسی وضعیت طبقه کارگر بعد از جنگ تا عا دلانه کنونی و مشاوره چگونگی مبارزات این طبقه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

بنابراین ماسعی خواهیم کرد که از این پس

اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکتریک بخاطر سوز ویژه

سرپرستها به انواع حیلها متوسل شدند تا اعتصاب را بشکنند. آنها جنگ را بهانه میاورند. بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی، لحن پراکنی میکردند و حتی شورای فلابی کارخانه مجمع عمومی تشکیل دادند که کارگران را از آزاد آسبه مبارزه منحرف نمایند. اما کارگران که در تجربه خود به یوج بودن این عوامفریبها از یک سو و وعده وعیدهای مقامات از سوی دیگری برده بودند، منت محکمی برده ان سرمایه داران و عوام ملتان رده و وسعاً ز دوروزا اعتصاب، مانع خروج تولید کارخانه میشوند.

کارگران مبارز پارس الکتریک با پس از تجربات مبارزاتی طبقه کارگر در این گرفته و به این نکته مهمی بر ند که بدون ایجاد تشکلات

روز ۱۳/۱۱/۵۹ اطلاعیه ای مبنی بر لغو سوز ویژه و عیدی کارگران برتابلوی اعلانات کارخانه پارس الکتریک نصب گردید. بر طبق این اطلاعیه بجای سوز ویژه مبلغی معادل دو ماه حقوق بعنوان پاداش (مشرط بر آنکه از ۸۵۰۰ تومان بیشتر نشود) بکارگران پرداخت خواهد شد. کارگران که در زمان رژیم سفاک شاه بخاطر دریافت سوز ویژه که در واقع قسمتی از دستمزدشان است، سالها مبارزه کرده اند، دست به اعتراض زدند. ابتدا کارگران بخیر درودگری و سپس سایر بخشهای کارخانه دست به اعتصاب زدند. حتی کارگران کارخانه پارس الکتریک کرج نیز به اعتصاب پیوستند

از فردای روزا اعتصاب، عوامل سرمایه داران در کارخانه، یعنی اعمای شورای اسلامی و

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



کرده و در آن خواسته‌های زیر را مطرح میکنند:

- ۱- نظارت کارگران بر ورود مواد اولیه
- ۲- نظارت بر فروش محصولات
- ۳- نظارت بر میزان تولید

رسیدگی به این خواسته‌ها به جلسات بعدی هیات مدیره موکول میشود.

اهواز:

در خالی که بیش از سه ماه از زبردخت دستمزد کارگران کارخانه ایزتصفیه قند و شکر خودداری کرده بودند، روز ۵۹/۱۰/۲۵ کارگران این کارخانه دست به اعتراض زده و مانع خروج مدیرعامل میگرددند. کارگران مصرا نه خواهان دریافت دستمزد خویش میشوند و در مقابل با سادارانی که به همراه نماینده فرما ندار به محل میا بندیکیا رجه و استوارا بستادگی میکنند. بدین خاطر کارفرما مجبور میشود در مقابل اراده کارگران عقب نشینی کند و بابت هر ماه بطور قطعی الحساب به هر کارگر مبلغ ۲۵۰۰ تومان پرداخت نماید.

زاهدان:

حدود ۲۰۰ نفر در شرکت راهازی "اسکاپانوس" که کارفرمای پیش بونانی است، کار میکردند، اول دیماه کارمندان بدو کارفرما ترسیدن سوخت و مواد اولیه را به نهار قرار میدهند و زبردخت حقوق عقب افتاده کارگران نیز به بهانه نداشتن بودجه خودداری میکنند. این امر موجب اعتراض کارگران میشود. آنها روز ۵۹/۱۰/۱۴ اجتماع کرده و نمایندگان خود را برای مطرح کردن خواسته‌های کارگران نزد استاندار میفرستند. استاندار هم قول رسیدگی به خواسته‌های کارگران را میدهد. خواسته‌های کارگران عبارتند از:

- ۱- پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲- ایجاد کار
- ۳- حق بیمه
- ۴- سپردن کار به کارگران اخراجی
- ۵- پرداخت حق کار

(بمنقل از "تبریز بلوچ" شماره ۵۷)

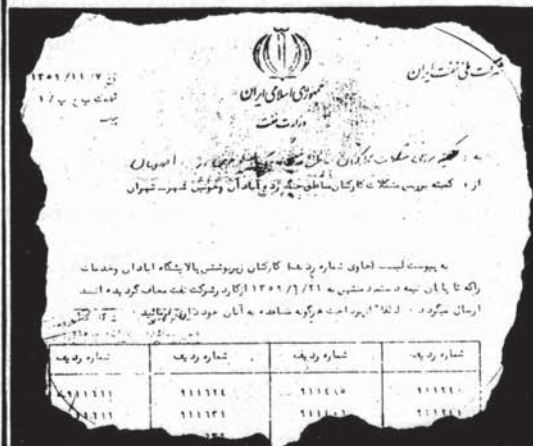
تهران:

کارگران بازنشسته شرکت واحد بعلت پانیمال شدن حقتان توسط رژیم، روزهای ۷ و ۸ بهمن ماه در محل ساختمان نارمک شرکت واحد متحصن میشوند. طبق مقررات میبایست به ازای هر سال سابقه خدمت مبلغی برابر با ۱۵ روز حقوق به کسانی که از تاریخ ۵۸/۲/۲۰ بازنشسته شده اند، پرداخت گردد اما تاکنون به بهانه نداشتن بودجه از پرداخت این مبلغ بهماز - نشستان خودداری کرده اند.

اخراج صدها تن از نفتگران جنوب

روز ۵۹/۱۱/۷ شرکت ملی نفت ایران اقدام به اخراج ۴۰۲ نفر از کارگران زیربوشی مناطق آبادان و خرمشهر نموده است. رژیم که از مدتها قبل سدارک اخراج کارکنان زحمکش صنعت نفت را دیده بود، به اخراج این عده اکتفا کرده و در صدد اخراج باز هم بیشتر کارگران و کارکنان جنگ زده است. این اخراجیها در شرایطی انجام میگردد که گران و قحطی و

بیکاری روز افزون، کمزور حمتکشان را زیر بار خود ختم کرده است از رژیم جمهوری اسلامی که بیادار سیستم سرمایه داری وابسته است جز این نمیتوان انتظار داشت. کارگران و زحمتمکان از جمله



کارگران اخراج شده زیربوش تنها با فشارده کردن صفوف خود بیس بردن مبارزه ای متحد و یکپارچه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی میتوانند، توطئه های ضد کارگری آن را خنثی نمایند.

بابرپاساختن مجامع عمومی در کارخانجات پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی

ظلمه ناشی خویش را پیش بسوی صفوف خود را منهدم سازیم، گرفتار سود ویژه شب عبده نزدیک می - باشد، تنها و تنها با ایجاد شوراهای انقلابی کارگری میسر است، بخصوص اینکه رژیم سرمایه - داری جمهوری اسلامی سود ویژه را لغو کرده است.

چگونه شوراها را ایجاد کنیم!

با تشکیل مجمع عمومی در کارخانه، بهترین و شریفترین کارگران را که مبارز بودن و آشنایی با پذیر بودن خود را در دفاع از کارگران با رها و بارها نشان داده اند، به نمایندگی شورا انتخاب نمائیم و با تمام قوا از آنها حمایت کنیم. سپس با متحد شدن این شوراها با یکدیگر اتحادیه های شوراهای انقلابی کارگران را برپا سازیم.

کارگران مبارز و آگاه!

مسئولیت شما برای آگاه کردن کارگران و شناساندن نقش شوراها و لزوم ایجاد آن و شناساندن نمایندگان واقعبینان و همچنین معرفی مزدوران و خائسین و افشا و طرد آنها، سنگین است. بکوشید که این مسئولیت شریف کارگری و مقدس خود را با طر آلمان طبقه کارگر بنحوا حسن انجام دهید.

با تشکیل مجمع عمومی شوراهای انقلابی کارگری را برپا سازیم! شوراهای انقلابی کارگری، اسلحه قدرتمند کارگران در مقابل سرمایه داران! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! به نقل از علامه کمیته گیلان با کمی تغییر

کارگران مبارز!
هم اکنون مدتی است که شوراهای کارگری توسط رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران سرمایه منحل شده اند.

هم اکنون مدتی است که مدیران سرسپرده و کارفرمای خونخوار در پناه بی تشکیلاتی کارگران جوخقان در کارخانجات برقرار نموده و به بهره کشی وحشیانه از کارگران میپردازند. در این مدت آنها توانسته اند که با جنگ نا عا دلانه سرمایه داران ایران و عراق را سر دوش کارگران بیاندازند. فقر، گران، کمبود مواد اولیه زندگی و فلاکت، کم کردن حقوق، بیکاری، اخراج کارگران و بستن بعضی از کارخانجات و... آری اینهاست آن نتایج شوم این جنگ نامعادلانه که به کارگران تحمیل شده است.

اما چرا آنها نمیتوانند این جنایات را بر ما وارد سازند؟ بچا طرا اینکه کارگران شورا های انقلابی ندارند که در مقابل اینبهمه زورگویی و ستم و بهره کشی مقاومت نمایند. اگر هم زودتر دست بکارشوم و شوراهای برپا سازیم، روز بروز در گرداب فقر و بدبختی بیشتر فرو خواهیم رفت.

رفقای کارگر!

برای مقابله با حمله سرمایه داران خونخوار و حتی به زندگی فقیرانه خود، برای جلوگیری از بی خانمانی خانواده و بچه های گرسنه خود، اولین قدم ایجاد شوراهای انقلابی کارگری میباشد که با انکابدان بتوانیم مبارزات حق -

نان، مسکن، آزادی



خلق ها و مسئله ملی

جانبه ضد انقلاب برای سرکوب مؤید همین امر و شکست رژیم در برهه گیری ازها هوئی "توبه" و "امان نامه" می باشد.

۲- ایجاد اغتشاش در اذهان عمومی زحمتکشان کردستان:

از سدا زبیا خمینی، روزنامه های مزدور رژیم، هر روز دروغهای شادخاری از تسلیم شدن و تحویل اسلحه به پشمگان می یافتند. این سلاح کهنه شده جمهوری اسلامی اگر جنبش مقاومت خلق کرد، جنبش جدا رتوده می بود، شاید البته می توانست موثر واقع گردد. اما با توجه به اینکه جنبش مقاومت خلق کرد جنبش انقلابی و توده ای و اساسا متکی به دهقانان و زحمتکشان آگاه و مسلح گردادت بهمن خاطر نمی تواند در معرض تاثیرات فریبکارانه های رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرد.

رژیم ضد خلقی حاکم با توسل به این حیل در بی ایجاد اغتشاش در اذهان توده های زحمتکشان شهری و روستایی کردستان و از بین بردن اعتماد اطمینان و حمايت آنها از پشمگان جنبش است تا در پشم زحمتکشان کردستان، باس و بدبینی ایجاد نموده و از این طریق پشمگان را از پشتوانه عظیم توده ای محروم کرده و آنها را بشدت هرچه تمامتر سرکوب نماید.

۳- تضعیف روحیه تعرضی و انقلابی پشمگان توأم با تشدید حملات نظامی به آنها:

میدانسیم که به لحاظ پراکندگی قوای پشمگه در دهات و شهرهای مختلف و تسلط نیروهای ضد خلق اعم از ارتش و پاسداران و جانشینان سرخپوش از شهرها به پشمگان جنبش مقاومت از نظر ارتباط گیری با یکدیگر در نقاط مختلف، اطلاق از وضعیت جبهه، کیفیت مبارزه و روحیه پشمگان در نقاط مختلف محدود میباشند. رژیم با بهره گیری از این محدودیت در رادیو و تلویزیون و مطبوعات خود، شایعات دروغین از "توبه" و "تسلیم شدن" و "دریافت" "امان نامه" توسط پشمگان می - پراکند. این تبلیغات بمثابه تیری است که رژیم در تاریکی برتاب میکند تا به لحاظ محدودیت ارتباط و اطلاع پشمگان از مناطق مختلف کردستان جنین وانمود کند که جنبش مقاومت خلق کرد در شهرهای درجهت سقوط به پیش می رود و از این طریق بین دهقانان و زحمتکشانی که تحت نام پشمگه اسلحه بدست میجنگند، احساس ناامیدی ایجاد نموده و آنها را از ادامه سرخستانه مبارزه مسلحانه بازدارد.

۴- انفراد کمونیستها در کردستان، خلق سلاح و سرکوب و حشانه آنها:

هما نظور که از مضمون پیام اول بهمن خمینی بر میآید بدستی میتوان گفت که هدف رژیم از یکا بردن حیل در "امان نامه" و "خلق سلاح کمونیستها و سرکوب و کشتار و حشانه آنها بویژه در کردستان است. وجود کمونیستها در کردستان و رهبری با لئنه آنها بر جنبش مقاومت خلق کرده، اساسا مانع تداوم پیگیرانه و سازشناپذیر این جنبش و پیوند دادن با جنبش خلقهای سراسر ایران میباشد. رشد و گسترش با بگاه توده ای کمونیستها و قطب بندی کمونیستی در

مقابل رژیم و نوکران رژیونستش بر سر وحدت مبارزه طبقاتی در ایران و تشدید مبارزه سیاسی نظامی خلق کرد نمی تواند موجب وحدت ارتجاع نگردد. بدینی است که جذب شدن روزافزون توده های زحمتکش با وحکیری جنبش های توده ای به سازمانهای کمونیستی تا نیر مسقیم ویلا و اسطفا در ارتقاء و رشد و تشدید مبارزات خلق گردد. بر اساس همان هراسی بی پایان ارتجاع از رشد کمونیست - هاست که مسئله خلق سلاح کمونیستها و نیرو - های انقلابی در پیام تجرأ میر خمینی در دستور کار رفتار میگرد و جمهوری اسلامی را تهدید کمونیستها بویژه در کردستان، جریان "توبه کردن"، "تحویل سلاح" و "دریافت" "امان نامه" را مطرح میکند. جدا ر آنجا که کردستان بمثابه عرصه نبرد طبقاتی کمونیستها با رژیم در عالی - ترین شکل مبارزه، از موقعیت حساسی در جنبش خلقهای ایران از نظر شرکت فعال کمونیستها در آن سرخوردار است علاوه بر آنجا که اکثریت هدایت و رهبری بخش وسیعی از نیروهای مسلح خلق کرد توسط کمونیستها، جنبش مقاومت را هر چه آشتی نا پذیر تر به پیش میبرد تا بر اساس - برای جمهوری اسلامی انفراد خلق - سلاح کمونیستها در این منطقه اهمیت فراوانی دارد

از این روست که هم آبت الله خمینی در پیام اول بهمن بطور سید آ میزی کمونیستها را در کردستان به کنار گذاشتن و در واقع خلق سلاح دعوت میکند و هم دستکاهای تبلیغاتی رژیم جنبش ایجاد اغتشاش و روحیه تسلیم طلبی در پشمگان و جدا شدن آنها از سازمانها، تسلیم و توبه و دریافت "امان نامه" عمدتا توسط پشمگان سازمانهای کمونیست شایع میکنند

سوطه "امان دادن" و "امان نامه" و دروغ تسلیم شدن تدریجی پشمگان که رژیم تبلیغ میکند از جمله سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در کشتار خلق پشمگان کرد و در مجموع انقلاب است. هتیار ی کمونیست - ها در قبال این سیاست با توضیح دروغ بودن ادعاهای رژیم مانع خفتی کردن نقشه های رژیم در تضعیف روحیه خلق کرد و پشمگان جنبش مقاومت است. کمونیستها با بدمن افشای اهداف رژیم از این سیاست بین زحمتکشان کردستان بویژه پشمگان قهرمان، روحیه سلخو رانه و تلاورا نه آنها را تقویت و ارتقا داده و سرخشتی و شایسته نا پذیر ترا زهر زمان در راه آرمانهای انقلابی خلق کرد بسکارتما بند.



پیروز باد
جنبش مقاومت
خلق کرد

موضعگیری درست ما و حمایت توده‌ها، پشتوانه مبارزه ما است

جها رشنه اول بهمن من به اتفاق رفیعی دیگر سراغ عتاساطمان را برپا کردم. اوزالند - هائی که در مورد "ما و اکی ها در زندا سهای رژیم چه میکنند؟"، "آزادی کروکاسها و..." به همراه جید شعار "علیه حزب جمهوری علیسه لیسرالیها و..." و "امیرالیمو و..." بدنیوار نصب کردیم. از همان آغاز کار در دوروبر مسکن سلوغ شد، ونحت در گرفت، سرزن رحمکنسی که از آنجا در میسدا لجه شیرین ترکی، آمد کنار ما، بر صحبت را با ز کردیم، میرسدنوی این کا غذا (اوزالیندا) جی نوشته شده، برایش بومسج دادیم رژیمی که انقلابیون و فرزندان انقلابی رحمکنسان را در زندا تنها تنگنه میکند به اعتراف خودش جاسوسان آمریکا را در کاخها نگاه می دارد و... در این موقع فالانژی سر رسید و یکی از شعارهای افشاگرانه در مورد آزادی کروکاسها حمله برد، این عمل او فرصت مناسبی به مزدوران ارتجاع فراهم نمودن حزب جمهوری اسلامی که مدتی در کمین بودند دادنا سباط ما را بهم بریزند و ما هویگیری و وحشیگری مردم را بر سر اندویرا کنده کنند. اما ما سبقت در مقابل او مقابلهت میکردیم و مردم به حمایت از ما برخاستند، توده‌های ها و اکثریتی هائی که آنجا بودند به طرفداری از مردوران ارتجاع برآمدند، اما قدرت بوده‌ها همه آنها را همچون زباله‌ای به دور انداخت و با لآخره محبور شدند با پس گردنی مردم محل را ترک کنند و ما همچنان نگارمان ادا می دادیم، آنچه در این میان ما سر و میدا دستله دفاع انقلابی مردم را فعلالیت سیاسی کمونیست - ها بود آری انقلابیون و کمونیستها تنها با نکیه به قدرت بوده و در میان توده‌ها میتوانستند به فعلالیت انقلابی خود ادا می دهند، بیوزنی که در ابتدای گزارش از او حرف زدیم در تمام مدت درگیری با شورفروانی از ما دفاع میکرد او با فریاد از جفا بقی که با او در میان نهاده بودیم و او خود با پوست و گوشت خویش به صحبت آن ایمان داشت حرف میزد، و آنجان برشور صحبت میکرد که کوبی این مادر رحمکنش از فرزندانش دفاع میکند.

با ردیکرا طرفمان کا ملا سلوغ شد و دیگری بگذشت که سر و کله مزدوری ریشوکه را بسن "مکنسی" ها بود پیدا شد. ما او را میشناخیم و میدانستیم از یادای رژیم است روزهای بیسن هم علامه‌های ما را پاره کرده بود. این بار هم میخواست اوزالینداها را ارسین سیردولی ساز



با مقاومت ما رو بروند، کمکن مدنی ادا می یافت مردم از هر طرف او را میکشیدند و ما با هم نمی گذاشتیم که دست کشیدن به اوزالینداها و شعارها برسد و این از مدتی سیرک نسا زهای سبت کشیدند سترما گرفت و گفت اصلا من از شما نکات دارم ما هم به زندان اوین برویم ساسیم این حرفها درست است یا نه آبا کنجه هست یا نه!؟

السته در این فاصله آنها دو نفر شده بودند و مطابق معمول اکثریتی ها و توده‌های های خاص هم نقش با مسیری ارتجاع را ایفا می کردند.

این سده با قمار می کرد که ما بد سباط را جمع کنید و کوره با ره میکسیم، اما ما مدافع میگردیم و میکسیم جرئت دار بدیا ره کندها همه مردم جوانان را بدهند آنها از ترس مردم محبوس به عقب نشینی شدند کارگزاران که از آنجا در میسدا جوعالی به ما نزدیک شد و با نحسن گفت اسم شما بیکاری ها را گذاشته ایم "پوست کلفت ها" شما همیشه همه جا هستنید و می از مبارزه دست بر نمی دارید. بعد چند سوال در مورد هبات ها که وقتا ده های درونی حبه ارتجاع نمود. و موقع رفتن گفت حقا که حرفهای تان همه درست از آب در آمده، او با آرزوی پیروزی، از ما دورت سباط برپا ما بده بود. مردم کوره کوره بحث میکردند، و ما همچنان افشاکری میکردیم، جدا سبت از ظهر گذشته بود سباطمان آمدناها را خورده ایم، تان و سترمان را از کیف ما ن در آوردیم و در کوشه‌ای متعول خوردن شدیم، تان و سترتی که طعم پیروزی میداد.

با آرزوی پیروزی انقلاب
زنده باد سکا روده‌ها!



از مبارزات دانش آموزان دبیرستان شریعتی یا خچی آباد

حدی بیسن در دبیرستان شریعتی یا خچی - آباد، مبارزات اعتراضی وسیعی برای جلو - گیری از اخراج محصلین مبارز و کسب فعالیت سیاسی برای نیروهای انقلابی روی داد. قصه بدین ترتیب بود که چندتن از دانش آموزان انقلابی در مدرسه بطور علنی ستره می فروختند در این موقع در پی جاسوسی افراد انجمن اسلامی، مدیر مدرسه آن دانش آموز را به دفتر احضار کرد و سبت حکم اخراج او را دادند.

دانش آموزان به محض اطلاع از خبر، به سرعت جلوی دفتر جمع شده و پیروزی اعتراضات تبدیل به نظاراتند محصلین مبارز یکصد نفری در مدرسه؛ اخراج محصل مبارز، سوطنسه ارتجاع، علیه رحمکنسان، اخراج محصل مبارز محکوم است، محصل مبارز مدارتجاع سملرزد، فعالیت سیاسی حق مسلم ما است.

کار بجه‌ها به نحص میکشید و اکثریت دانش آموزان به حمایت بر میخیزند، چندتن از دانش آموزان انقلابی در جمع دوسان به افشاکری دست میزنند.

روز بعد نحص جده‌ها ادا میسدا بدستول امور سترستی میکشید با حمله کسری وظا هر سازی مبارزات دانش آموزان را به نکت بکنا ندا و یک سخنرانی مفصل را شروع می کند و می گوید "آلسه با بد فعلالیت سیاسی آزادنا سدا مانوظنه هرگز سنا بدنا سدا" اوزالیندا دانش آموزان مخواهد به کلاسی بروندا ما نحص ادا میسدا بدنا سنا - آموزان سترستی رویه ما زده می آوردنا ادا مبارزات دانش آموزان ارتجاع را او می دارد که سنا بنده آموزش و پرورش را به مدرسه بفرستد او هم همان حرفهای متعول امور سترستی را تکرار میکند، و می خواهد که جده‌ها به کلاسی بروند و از رحمت دانش آموزان انقلابی جلو - گیری میکشند در این زمان شعار دستجمع می "مرک بر آمریکا، مرک بر ارتجاع" بر میخیزد و سنا بنده آموزش و پرورش محبور میسود که بلسد - کورا به جده‌ها سیردنا سنده ما هدین و سنا بنده کمینه سترک (هواداران سنا کار، رزمندگان، اقلیت، راه کارگر) سبت به افشاکری می - بردارند و بر نحص رالیند کوی امیرالیمو معرفی میکشند سنا بده آموزش و پرورش حون می سند سنا اول او نکت جور دفا با رچیره بر میدا رد میگویند: امل حرف ایست که فعلالیت سیاسی آزاد سبت و آن محصل هم اخراج اسب و سنا هم کرده نحص ادا می دهد همه ما را اخراج میکسیم، اومی رود جده‌ها با شعار مرک بر ارتجاع محصل مبارز مدارتجاع سنده در صفحه ۲۹

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!



بقیه از صفحه ۳ از شروع ...

کارگران گردیده که با فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست (از جمله پخش دوشماره نشریه پیکان در اینمنورده)، موجبات بالا رفتن آگاهایی کارگران را فراهم میگرد. در چنین شرایطی بود که جنگ ایران و عراق آغاز گردید و مسائلی درونی کارخانها را تحت الشعاع خود قرار داد.

رژیم جمهوری اسلامی از تمام موانع تبلیغاتی خود استفاده نمیکرد تا با سوء استفاده از آگاهایی شده ها، آنها را بعنوان گوشت دم نوب به جنگ ارتجاعی بفرستند. بدین لحاظ انجمن اسلامی کارخانه های هوی بسیار موجب گردید که تعداد قابل توجهی از کارگران برای رفتن به جبهه ثبت نام کنند. در میان این کارگران کسانی بودند که حتی دوره سربازی را نیز طی نکرده بودند و پرواضح است که تنها بعنوان گوشت دم نوب مورد استفاده قرار نمیگرفتند.

در شرایطی که در روستا انجمن اسلامی میدان را برای خوش خدمتی هر چه بیشتر به سرمایه داران خالی میدیدند، خبرگشته شدن یکی از کارگران از جبهه رسید و جدا و راه تهران آورده و تشییع کردند. پس از آن بود که هوا بیامد های رژیم ارتجاعی عراق کارخانه ایران ناسیونال را بمباران کرده و موجب کشته شدن ۲ نفر و زخمی شدن چند نفر گردید. کارگران که تحت تأثیر این وقایع نسبت به جنگ احساس تنفر می نمودند بدستی مطرح میگردید که "این کارگزار است که همه جا کشته میشود، ولی سرمایه دارها در بهترین جا های امن زندگی میکنند!"

در همین زمان انجمن اسلامی که قدرتش افزایش یافته بود، روز بروز بیشتر مدبریت را مورد حمله قرار میداد. انجمن اسلامی بخوبی میدانست که مدبریت نیز مانند خودش دشمن طبقه کارگزار است، اما تلاش میکرد تا تمامی قدرت را خود در دست داشته باشد. از طرف دیگر ادامه جنگ رفته رفته کارگران را متوجهی فایده بودن آن مینمود. چرا که جنگ موجب حادث شدن بحران اقتصادی و فشار حاصل از آن بر کارگران و زحمتکشان، گردیده بود. عوامل رژیم برای جلوگیری از فروپاشی توهم کارگران نسبت به جنگ و بهره برداری هر چه بیشتر از آن بر شدت تبلیغات خود در کارخانها افزوده و از جمله "فلسفی" خود در باره ی مزدور را به کارخانه آوردند تا درباره "قوا" "جنگ برای کارگران صحبت کند. همچنین مزدوران رژیم در کارخانه کارگران را تحت فشار قرار میدادند که تولید را افزایش دهند و کارگران مبارز، کم کار و پخش کنندگان نشریه "پیکان" را معرفی نمایند.

آنها کارگران را به قناعت (!؟) و تولید بیشتر دعوت میکردند. اما به دولت موفق به پیشبرد این هدف ضد کارگری خود نشدند: نخست کمبود مواد اولیه و لوازم یدکی و دوم مقاومت کارگران در مقابل افزایش تولید. اکثر کارگران میگفتند: ما تولید میکنیم که "مخلص" و امثال او حاصل کار ما را بزدند؟!

پس از آن رژیم برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران به حیلله های جدیدی دست زد. از جمله به بهانه کم به جنگزدگان قسمتی از حقوق کارگران را کم کردند. این عمل بسیار مخالفت و اعتراض کارگران مواجه گردید. بطوریکه انجمن اسلامی را وادار به عقب نشینی نمود. آنها روز ۹/۲/۹۲ طی اطلاعیه ای اعلام کردند که کمک به جنگزدگان اختیاری است. بخشی از کارگران هم که نسبت به سنی مدر توهم داشتند، تلاش میکردند تا سایر کارگران را وادار کنند که کمکهای خود را بحساب سنی صدر بریزند. اینها که به علییه ک جناح رژیم و به نفع جناح دیگر (لیبرالها) فعالیت میکردند، علاوه بر کارگران و بسفغ سرمایه داران گام برمیداشتند و ذهن کارگران را سیر مغشوش می نمودند. آنها فراموش کرده بودند که چگونه سنی مدر در سرگوب مبارزات کارگران و سایر توده ها شریک دار روسته حزب جمهوری بود و چگونه در جواب خواست کارگران مبتنی بر ایجاد شورا های واقعی شان، میگفت: "شورا بورا مالید با بد تولید کنی جانم!"

در این میان رویزونیستهای اکثریت نیز که همواره وظیفه دفاع از منافع سرمایه داران را بعهده دارند، به تبلیغ شعار افزایش تولید می پرداختند.

ادامه جنگ و افزایش فشار اقتصادی بر کارگران موجب فرو ریختن روزافزون توهمات کارگران گردید. همچنین تعداد زیادی از کارگران دربار یکسک کارخانه ها فروش سگارا، مثال کردن تخم مرغ و... در مدد جبران کمبود درآمد خود و گرانی سرمایه و مواد مورد نیازشان بودند. از

طرف دیگر سندا از آن دردی معروف، یک کمبری سبزا و رقمت خدمات را هم در دیدند. او از هم طبق معمول مسئله ما ستالی شد. انجمن اسلامی که در جریان محاکمه عوامل دردی قبل موفق به بیرون انداختن "مخلص" از کارخانه نمیشود، به بکه تازی در عزم کارخانه بی بردارد. اما از آنجائی که کارگران روز بروز بیشتری به ماهیت ضد کارگری انجمن اسلامی میبزدند انجمن اسلامی برای فریب کارگران بر عوام فریبیهای رنگارنگ خود افزوده و جلسات سخنرانی و نماز وحدت ترتیب میدهد. اما جالب اینجاست که هیچگاه سنی از ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر در این جلسات شرکت نکرده اند. این تعداد در مقابل به تعداد چند هزار نفر کارگر کارخانه میزان نفوذ انجمن اسلامی را نشان میدهد. مضافاً اینکه انجمن اسلامی از طریق سرپرست کارگران را تحت فشار قرار میداد که در جلسات مذکور شرکت کنند و آنها را تهدید می نمود که در صورت عدم شرکت اسمشان را وارد "لیست سیاه" خواهد کرد!

اما موج ناراحتی کارگران چنان است که در رابطه با نظرات ما روزها زنگار نشانی دانشگاه که از جانب دانشجویان کمونیست ترتیب داده شده بود، نشست از ۳۰۰ نفر از کارگران خودشان راه شهران رسانده و برای شرکت در نظرات به مقابل دانشگاه میروند. در این رابطه بعضی از کارگران میگفتند: "چرا دانشگاه راسته اند؟ مگر این دانشجویان نبودند که با رژیم شاه مبارزه کردند؟ مگر خودشان نمی گفتند دانشگاه سگارا زادی است پس چرا حالا میگویند دانشگاه مثل سم خوشه ای است؟" چم اندازه مبارزات کارگران ایران ناسیونال او جگیری بیشتر از نشان میدهد. خواسته های کارگران از قرار زیر است:

- ۱- پرداخت سود ویژه
- ۲- انحلال انجمن اسلامی و ایجاد شورای واقعی
- ۳- محاکمه علنی "مخلص" مزدور و دارودستگاه
- ۴- متوقف شدن حقوق های کلان ۲۲ هزار تومانی
- ۵- باز نمودن درب شماره ۱۴ که بیعت کنترل بیشتر کارگران بسته شده است.

"پیکار فولادگر" منتشر شد

اولسن و دومین شماره نشریه پیکار فولادگر توسط حوزه دوب آهس سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر منتشر شد. با آمیاد بکه انتشار مداوم این نشریه بتواند نقش خود را در ارتقاء آگاهی طبقه کارگران دوب آهس اصفهان ایفا نماید. برای حوزه دوب آهس سازمان آرزوی موفقیت میکنیم.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

اخبار مبارزات توده‌ها



حمایت مردم از دکه‌داران در مقابل سرکوب رژیم

رژیم جمهوری اسلامی، تا توان از اخل معض بیکاری، در سر تا سر ایران به جمع کردن بساط - ها و دکه‌ها اقدام نموده است تا از سوئی منافع تجار گردن کلفت و سرما به داران را که دست فروشان و دکه‌داران با فروش اجناس مختلف به آنها لطمه میزنند، تا مین کند و از سوی دیگر این معضل را از چشمها پنهان سازد. رژیم در پی تحقق این هدف آنجا که از بخشنا مه‌ها و اولتینا تومها به دکه‌داران طرفی نمی بندد، با سوء استفا ده از معتقدات مذهبی مردم اعلام میکند "نصب دکه‌ها عیثا بت خلاف شرع" است (شهردار تهران - کیهان سه شنبه ۳۰ ماه) و چون با زهم نتیجه ای نمی گیرد تفنگچیان مزدور خود را برای حمله به بساطها و دکه‌ها گسیل میدارد :

تهران : ساعت حدود ۴/۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۷ بهمن پاسداران سرما به یک دکه - نوار فروشی در تقاطع دا میزشکی - سلسبیل (رودکی) حمله ور شدند و با جمع آوری کلیه نوارها و بریدن آنها به درون اتومبیل خود، قیدترک محل را داداشتند. یورش وحشیانه تفنگچیان حکومت موجب خشم و اعتراض بساطی - ها و مردم محل شد. مردم ضمن حمایت از دکه‌دار به افشا حکومت پرداختند. یکی میگفت "نه تنها بساطکاران رسیدند و نمیتوانستند جدا قل زندگی ما را تا مین کنند، بلکه میخواهند این کار را هم که در اصل خود نوعی بیکاری است از ما بگیرند" دیگری میگفت "اینها - با بیداران - از ساواکیها بدترند " پاسداران ابتدا خواستند با تهدید و ارباب آنها را متفرق کنند تا به راحتی نوارها را با خود ببرند. ولی چون بساطی مقاومت بیکارها را مواجه شدند، عوام - فریادها میخواستند: "براداران! متفرق شوید" که البته همین جمله خشم مردم را شدیدتر کرد و بساطیها را با اینکه "چطور شما سلاحها را بطرف ما میگیرید، ما را از زنان خوردن می اندازی و بعد هم برادر ما میشوی؟" برده عوام فریبی آنها را دریده و رسوایشان ساختند. پاسداران بساطیها را بین مردم زدند تا بگیرند، اما جمعیت ضمن دادن شعار "مرگ بر پاسدار" به دنبال ماشین دویده و در تقاطع آذربایجان - سلسبیل ماشین را گرفتند. هر لحظه تعداد بیشتری به حمایت از دکه‌داران اعتراض به عمل وحشیانه پاسداران پرداختند. با ارا ن مشت و لگدمالها بشین سرکوبگران رژیم فرود می آمد. مردم ماشین را بنجر کردند تا نگذارند بساطیها

تیراندازی بسوی ۴ پیک انقلاب

کریا فریا درسا به تبلیغ شعارهای سازمان ادا می دهند. رفقا پس از پایان فروش نشریه متوجه میشوند که پاسداران ارتجاع مشغول شناسائی آنها بودند. پیکارگران دلاور وارد خیابان کارگر شده و از کنار یک اتومبیل آهسو (برای پاسدار) و یک موتورسوار (با عینک دودی) میگذرند و برای رفتن به خیابان ۱۶ آذر وارد یک کوچه میشوند. رفقا متوجه میشوند که موتورسوار پشت سر آنها حرکت میکند و چون شک میکنند خود را به کناری میکشند و به عقب بر میگردند. رفقا بهمان همان موتورسوار را میبینند که فرد دیگری بساطی عینک دودی پشت او نشسته است. فرد دوم پس از گذشتن موتورسوار از کنار رفقا دست در حین کرده و یک کلت ۱۴ در آورده و بطرف رفقا تیراندازی مینماید. امار قلابا چا یکی و تیزهوشی به طرف دیواری دویده و خوشبختانه تیر به هیچکدام اصابت نمی کند. در اثر شلیک مردم از خانه ها بیرون میروند و پاسداران موتورسوار فرار میکنند. دور فیک پیکارگر در مورد توطئه ترور و علتان توضیح داده و از حقانیت آلمان طبقه کارگر دفاع میکنند و نشان میدهند که کمونیست - ها به خاطر آگاهی زحمتکشان و بیروزی انقلاب برای هرگونه جانفشانی آماده اند.

درد بر بیکارگران قهرمان، بیکارهای انقلاب و بیام آوران آگاهی که شجاعانه و دلاورانه با طرز آذای طبقه کارگر، از جان خود میگذرند و بساطی ابزارهای سرکوب ارتجاع را در مقابل اراده آهنین و مبارزاتی خویش به اثبات میرسانند!

... و هوزندان، سنگری از مبارزه

وا زوشیکری پاسداران هنگام تفتیش خانه صحبت کرده و از مبارزه فرزندان نشان دفاع میکنند. آنها تصمیم میگیرند متحدانه برای آزادی فرزندان نشان مبارزه کنند (۵۹/۱۱/۱۲)

ساری
در هفته های اخیر زندانیان انقلابی ساری نیرصدای اعتراض خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی بلندتر کرده و دست به اعتصاب غذا زده اند. پیکارشان پرتوان تر باد!

پاسداران ارتجاع ۲ رفیق پیکارگر را بیهوش میزنند

ساعت ۹ شب ۲۹ دیماه ۵۹، دور فیک پیکار - کرد رحین شعار نویسی در خیابان "پیروزی" توسط سر نشینان پاسدار (با لباس شخصی) یک اتومبیل ب - ام - و دستگیر شده و با کتک و شکنجه به بساطیهای شرق تهران (نزدیک رود - هن) برده میشوند و پس از فحاشی و توهین بسیار آنها را تهدید به "اعدام" میکنند. پاسداران مزدور در نقطه ای دور از جاده اصلی توقف کرده و رفقا را بزور از ماشین پیا ده کرده و با تکیه بر "پیکاری" بودن رفقا به شکنجه آنها پرداخته و آنها را مجبور به دوییدن کرده و در همان زمان بر بالای سر رفقا شلیک میکنند پیکارگران قهرمان با استفا ده از تاریکی شب و از طریق "جنگ و گریز" موفق به فرار شده و پس از مدتی خود را به جاده اصلی رسانده و از منطقه فرار می کنند و با هشاری و مقاومت خود توطئه پاسداران ارتجاع را با شکست روبرو میسازند.

توطئه ترور ۲ رفیق پیکارگر در تهران با شکست روبرو شد .

ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه ۵۹/۱۱/۹، دور فیک پیکارگر که در تقاطع بلوار رکشا و رزوخیا بان کارگر به تبلیغ مواضع سازمان و فروش پیکار مشغول بودند با حمله عناصر مرتجع و نا آگاه روبرو میشوند. اما در اثر افشاگریهای رفقا و پشتیبانی مردم فالانزها و پاسداران موفق به دستگیری و از ارتجاع نمیشوند و رفقای پیکار -

از هفته دوم بهمن ماه انقلابیون زندانی در زندان "دادگاه انقلاب" واقع در خیابان "سیاه" اعتصاب غذا کرده اند. در ملاقات ۵ - دقیقه ای که مادران این انقلابیون بساطی فرزندان نشان داشتند با چهره های پریده رنگ مبارزین روبرو میشوند که در اعتراض به رژیم و شرایط وحشیانه زندان روز چهارم اعتصاب غذا را پشت سر میگذارند. مادران مبارز شروع به اعتراض کرده و به افشاگری میپردازند

به استقبال جنبش او جگیر زنده توده‌ها بش تائیم

مزدوران از چنگشان بگریزند، تعقیب پاسداران توسط مردم به سته آمده تا تقاطع آزادی - سلسیل کشیده شد با سدا ران برای اینکه خود را خلاص سازند به اسلحه متوسل شده و شروع به تیراندازی هواشی کردند و سراسر نما مرسوا ترا همیشه فرار را برقرار ترجیح دادند. اما مردمی دانستند که این مزدوران با زبه همان محل با زخوا هندگشت و بخاطر جمع کردن نیروی بیشتر گریخته اند لذا همه به محل قبلی بازگشتند. دقایقی بعد تعداد زیادی پاسدار و کمیته‌چی مسلح برای انتقام - جوشی و جبران شکست فضا تحت بارشان به خیابان سلسیل لشکرکشی کرده، خیابانها را بسته و به ضرب و شتم مردم پرداختند و با استفاده از تازیکی شب ۳۰ الی ۴۰ نفر را دستگیر نموده و با خود بردند درگیری تا ساعت ۸ شب ادامه داشت.

رژیم جمهوری اسلامی بهیچوجه می پندارد که بر سر ترگورستانی آرام میتواند سیاستهای ارتجاعی خود را اعمال نماید، چه نمونه‌ای که ذکر شد خود بسیار نگر مبارزه و مقاومت دکه داران زحمتکش و حمایت بیدریغ مردم ز آنان می - باشد و اینک رژیم با دگی نمیتواند جنبش دکه داران را سرکوب نماید.

زحمتکشان محله ابیوردی، "استاندار" را فراری دادند!

● شیراز.

"ابیوردی" یکی از محلات زحمتکش نشین شیراز است که در شمال شرقی شهر واقع شده است. زحمتکشان این منطقه اجبارا منازل خود را با حداقل امکانات در دروی شبه‌ها ساخته - اند و کاملاً از نظر بهداشتی و رفاه در مضیقسه و نا را حتی بسر میبرند. در روزهای آخردیماه گروهی از زحمتکشان بی مسکن محله - سا مصادره زمینهای دولت و سرما به داران اقدام به ساخت خانه برای خود نمودند که مطابق معمول رژیمهای ارتجاعی با یورش حافظان سیستم روبرو شد. و در ۱۱/۷/۵۹ شهر با نسسی اقدام به دستگیری ۳ نفر از جوانان محله نمودند که هنوز در زندان هستند. استاندار مرتجع شیراز برای منحرف ساختن اذهان مردم زحمتکش و در جهت دفاع از "دوستان" زمیندارش روز جمعه ۱۰ بهمن همراه عده‌ای ای پاسدار و افسر شهر با نی برای سخنرانی به این محله آمد و مردم را در مسجد گرت آوردند تا به سخنان وی گوش دهند. حدود ۷۰۰ نفر در مسجد حضور داشتند حبیبی استاندار مرتجع به تمجید و تحسین جمهوری اسلامی پرداخت و مردم را علیه نیرو - های انقلابی و کمونیست تحریک میکرد. او میخواست به مردم بقبولاند که آنها برخلاف گروه - های "منحرف" که شعار "نان، مسکن، آزادی"

و... میدهند برای "اسلام" مبارزه میکردند. و هنوز سخنرانی وی ادامه داشت که چراغهای مسجد بطور ناگهانی خاموش شد (درواقع سرب مسدود شد!) و مردم حاضر در مسجد با هو کردن مانع از سخنرانی استاندار شده و شروع به دادن شعارهایی چون "مرگ بر جانی"، "مرگ بر بهشتی"، "مرگ بر حبیبی" و... نمودند و آقای استاندار و اطرافیانش وحشت زده با پای برهنه پا به فرار گذاشتند. جمعیت به دنبال فرار استاندار و همراهانش پس از مدتی بحث و گفتگو متفرق شدند. آنچه که در این واقعه اهمیت داشته عدم طرفداری مردم از جناح رقیب یعنی لیبرالها بود و فقط از گوشه‌های شعار "درو برینی صدر" بلند شد که در فریاد مردم خفه شد و این امر نشان دهنده ماهیت مترقیانسه حرکت اکثریت زحمتکشان این منطقه بود که عامل نابسا مانی خود را نه یک جناح از رژیم بلکه کل هیئت حاکمه میدانند، و اگر ایمن حرکت با آگاهی طبقاتی در هم آمیزد، همان سر رژیم جمهوری اسلامی خواهد آمد مژده دو سال پیش برای رژیم شاه تا مذا لسته این بار با یک رهبری آهین و انقلابی! و چنین باد!

در تظاهرات ۷۰ هزار نفری کرمان شعارهای انقلابی و کمونیستی طنین افکن بود

در روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن کرمان شاهد تظاهرات عظیمی بود که بنا به گفته شاهدان عینی حتی در دوران قیام نیز سابقه نداشته است. روز شنبه ۱۶/۱۱/۵۹ یکی از دبیران کرمان بنام "علی فدایی" در ساعت ۱ بعد از ظهر توسط پاسداران جهل و سرما به ترور میشود. در پی این ترور، مردم زحمتکش کرمان با برپایی تظاهرات ۷۰ هزار نفری در روز شنبه اعتراضی و نفرت خود از رژیم جمهوری اسلامی را ابراز داشتند. روز شنبه شهر بحالت تعطیل درآمد و هزاران نفر از مردمی که از ظلم و ستم و گزافی و فقر بیتک آمده‌اند، با در دست داشتن پلاکاردهای با مضامینی همچون "تا رژیم سرما به داری و بسته هست ترور و سرکوب اختناق هم خوا همدود" و "تا اگر بنشینیم، من اگر بنشینیم، چه کسی سر - خیزد" از ساعت ۱۰ صبح از قحلا اداره آموزش و پرورش و خیابانهای اطراف به حرکت در آمدند. علیرغم تلاش لیبرالها برای مهار کردن خشم و نفرت انقلابی توده‌های زحمتکش، تظاهرات آکنده از شور و انقلابی مردم بعلت رهبری نیرو - های انقلابی و کمونیستها بویژه رفقای مسا ادا م یافت شعارهای انقلابی "پاسدار پاسدار حامی سرما به دار" ترور و سرکوب، اختناق، به نفع امیریا لیسیم علیه مردم ما" و "مرگ بر ارتجاع مرگ"

برای مریکا" خیابانها را در بر گرفته بود. مردم به طرف گورستان شهر حرکت کردند. بدتیبال سخنرانی دختر شهید علی فدایی و تبریک گفتن شهادت پدرش به خمینی و بنی صدر با ردیگر لیبرالها تلاش کردند که از ادامه تظاهرات و افشاکری دوستان شهید جلوگیری کنند اما به علت شرکت فعال کمونیستها و نیروهای انقلابی مردم از گورستان بیرون آمده و ضمن حمایت از نیروهای انقلابی با دادن شعارهای "نسه لیبرال، نه حزبی، مرگ بر هردوتا شون"، "اتحاد مبارزه پیروزی" و "جاسوس آزادمیشه معلم کشته می شود" خروش و خشم انقلابی خود را به نمایش گذاشتند. جمعیت پس از رسیدن به مقابل دفتر تبلیغات اسلامی در خیابان زریف با اشاره به آن شاعر می دادند: این لانه جاسوسی کرمان است! نگاه جمعیت در طول مسیر را هیما شسی میدان مشتاق را با فریادهای "زندانی سیاسی به همت توده‌ها آزاد با بدگردد"، "دانشگاه این سنگر آزادی، به همت توده‌ها گشوده با بدگردد" و... بلرزه در آوردند. راهپیمایی انقلابی مردم در مقابل اداره آموزش و پرورش بسیار پیاپی رسید و مردم قرار گذاشتند که روز یکشنبه ۱۹ بهمن تظاهرات مجددی برگزار نمایند.

علاوه بر این دوروز، روز دوشنبه ۲۰ بهمن دانش آموزان، اکثر مدارس شهر تعطیل کردند و با نیروهای ارتجاعی پاسدار و غیره مصاصه مقابل نمودند.

مبارزه زندانیان سیاسی در قزوین

ساعت ۹ شب ۲۸ دیماه ۵۹، پاسداران ارتجاع بطرز متشکوکی قدامتقال ۳ نفر از زندانیان انقلابی زندان "چوبین" در قزوین را دستگیر کردند با مقاومت شدید زندانیان سیاسی انقلابی آن زندان مواجه میشوند. زندانیان آن ارتجاع از مقامات انتظامی رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب زندانیان "کمک" میخواهند و روسای شهر با نی وزندان در زندان حاضر شده ولی موفق به درهم شکستن مقاومت انقلابیون در بند نمی - شوند و در نتیجه پاسداران جهل و سرما به جان زندانیان افتاده و علاوه بر آزار و اذیت و کشتن زندان آن، مبارزین در بند را تهدید به اعدام می نمایند. مقامات مرتجع رژیم، زندانیان انقلابی و کمونیست را دوباره "محا کمه" کرده و به مدت زندانی آنها میافزایند و برخی از انقلابیون در بند را به زندانیهای شهرهای دور نظیر بند عباس، یزد و... تبعید میکنند. خانواده‌های زندانیان سیاسی پس از اطلاع از انتقال فرزندان نشان به نقاط دیگر با خشم و نفرت نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتراض میزنند.

مقدمه:

اخبار رفقای "وحدت انقلابی" در رابطه با بحران درونی تشکلات، مبارزه ایدئولوژیک درونی خود را علنی نموده و با انتشار ضمیمه انقلاب (ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی) آنرا بعنوان راه حل خروج از بحران ارزیابی نموده اند.

طبیعتاً ما بعنوان یک نیروی کمونیستی وظیفه خود را نستیم که در حد داده های موجود بحران درونی این رفقا برخورد نموده و نظرسنجی را بصورت مختصر درباره اینکه هم اکنون طبقه اصلی برخورد به بحران موجود در رفقا از چه کانی میگذرد، ارائه دهیم.

هم اکنون دو سال از مشاجره نسبتاً فعالی که در جنبش کمونیستی میهن ما در باره دیدگاه اشتلاف در مسئله وحدت جنبش کمونیستی جریان دارد، میگذرد. این دیدگاه خوشبختانه به برکت مبارزه ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی، تا حدود زیادی بی اعتبار شده و در عرصه عملی نیز اثرات زیانبار خود را در تمام تشکلاتی که بدام چنین دیدگاهی قدمها رکبستی افتاده اند، نشان داده اما متأسفانه هنوز آنطور که باید، با این انحراف کاملاً خرد نشده و برخی از نیروهای جنبش کمونیستی، دچار این انحراف به اشکال گوناگون آن هستند. ما علیرغم آنکه در دوره کنفرانس وحدت در مقابل این انحراف ایستادگی لازم را نمودیم و مبارزه نسبتاً فعالی را پیش بردیم، اما بعدها مبارزه خویش را با این انحراف که تجسم تمام عیار خود را در تشکلات دوران گذار وحدت انقلابی پیدا کرده بود، ادامه داده و از این بابت خود را مقروض بل انتقاد میدانیم. بخصوص که ما اولین و تنها نیروئی بودیم که در این باره نظرات مشخص و روشن داشته و از ابتدا (علیرغم اینکه یک دوره در جریان کنفرانس با این انحراف مماشات نمودیم) به مقابله با آن برخاسته بودیم.

جوهر دیدگاه اشتلاقی "تشکلات دوران گذار" علیرغم مبارزه ایدئولوژیک که در دوره کنفرانس وحدت با آن شد، خیره سرانه بر انحراف خویش، بافتناری نمود و تشکل "وحدت انقلابی" را پی - ریزی نمود. مدت زیادی از عمر وحدت انقلابی نگذشت که این رفقا دچار بحران و بن بست شده و در جستجوی راه حل بحران هستند.

طبیعتاً ما از اینکه بخش وسیعی از این رفقا توانسته اند به انحراف "تشکلات دوران گذار" بی برند خوشحالیم. نظرات این رفقا که در دیدگاه سوم جلی یافته است، کاملاً مثبتی بوده است که برداشته شده و در صورتیکه با زهم تعمیق باید، میتواند بنیادی فوری و عملی تشکلات دوران گذار، برای همیشه جنبش کمونیستی را از این انحراف شستو دهد.

بحران "وحدت انقلابی" و گسترش یک جریان

تداوم انحلال طلبی در پوشش نوین! نقدی بر مبارزه ایدئولوژیک علنی "وحدت انقلابی"

گاه و طرد انحرافات است که پوپولیسمر را در عرصه های سیاسی و اجتماعی جا نشین می ل می کند. و با دیدگاه های انحلال طلبانه خود در جهت ایجاد حزب راستین طبقه کارگر انحلال بی نماید.

پس از گذشت مدتی که انتشار نشریه وحدت - انقلابی متوقف شد و بحران درونی "وحدت انقلابی"

ما لم که به نفعی تشکلات دوران گذار رسیده است، در عین حال نشان موفقیات جنبش کمونیستی در طرد و افشای انحراف فوق میباشود از این بابت کمونیستها وظیفه دارند در برخورد با بحران و بن بست رفقا، با ریشه یابی عللی که این رفقا را به بن بست انداخته است، برخورد نموده و رفقای "وحدت انقلابی" را در طرد انحراف افشان باری رسانند.

● باید جنبش کمونیستی را از این انحراف که به ایدئولوژی کم بها میدهد، اختلافات ایدئولوژیک و طبقاتی را در پوشش اسبابات و مسائل معرفتی می پوشاند و کوشش دارد تشکلات پوپولیسیتی را جایگزین تشکلات پرولتری نماید و بدین ترتیب پرولتاریا را از تشکلات خویش محروم سازد و بالاخره با توجیهات عوامفریبانه کوشش دارد جنبش کمونیستی و تشکلات آنرا به انحلال بکشاند، شستو داد .

به اوج خود رسید، ضمیمه انقلاب "ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی" انتشار یافت. رفقای وحدت انقلابی در توضیح علت انتشار علنی مبارزه ایدئولوژیک را اختلاف نظر در "ارزیابی از بحران و علل ایجاد دکنده آن و راه حل آن" ذکر نموده و از میان طرح های گوناگون، طرح انتشار علنی مبارزه ایدئولوژیک مورد تمویب اکثریت رفقا قرار گرفته است و قرار شده "مطابق این طرح دیدگاه های موجود در تشکلات (کنه در نشریات داخلی مطرح شده بود) نظریات خود را در باره مسائل برنا می، سیاسی و اجتماعی از طریق نشریه در فن انقلاب و ضمیمه انقلاب (ویژه مبارزه ایدئولوژیک علنی) در معرض برخورد و آوری جنبش قرار دهند و دست آخرفقا انتظار دارند که "این شیوه تنها به حل صحیح و اصولی مشکلات "وحدت انقلابی" کمک کند، بلکه بمنابها می مثبت مورد استقبال جنبش کمونیستی میهن ما نیز قرار گیرد" (ضمیمه انقلاب - شماره ۱)

آنچه در اینجا مورد بررسی ما قرار میگیرد، توضیح تداوم انحلال طلبی در پوشش جدید در طرح کنونی و نگاه هی گونا به درکهای گوناگون موجود در "تشکل" وحدت انقلابی است .

● برای بررسی آنچه اکنون در مورد "وحدت - انقلابی" پیش آمده، ضروری است نگاه گونا به تئوری ضدمارکسیستی "تشکلات دوران گذار" که عامل "وحدت" بخشنده و همچنین عامل ایجاد

ما در عین استقبال از جریانی که به نفعی و طرد انحراف فوق برداخته، تا کید می کنیم که نباید از تاثرات بسیار منفی و مخربی که این انحراف در جنبش کمونیستی، در منحرف و منفعل نمودن بسیاری از کمونیستها ی انقلابی، در لووت کردن وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد تشنگی در جنبش، نسبت به ما مروجت، در فراموش نمودن خوراک تبلیغاتی برای دشمنان جنبش کمونیستی یعنی رویزیونیستها و... بجای گذاشته است، بی تفاوت گذشت .

تاثرات مخرب این انحراف تنها میتواند با انتقاد دیرحمانه و درسی آموزی کمونیستی و بخصوص با بیگیری در مبارزه برای طرد افشا، کامل این انحراف جبران شود. باید جنبش کمونیستی را از این انحراف که به ایدئولوژی کم بها میدهد، اختلافات ایدئولوژیک و طبقاتی را در پوشش اسبابات و مسائل معرفتی می پوشاند و کوشش دارد تشکلات پوپولیسیتی را جایگزین تشکلات پرولتری نماید و بدین ترتیب پرولتاریا را از تشکلات خویش محروم سازد و بالاخره با توجیهات عوامفریبانه کوشش دارد جنبش کمونیستی و تشکلات آن را به انحلال بکشاند، شستو داد .

کوچکترین تزلزلی در برخورد به این انحراف بمنابها جان دادن دوباره بدان میباشود از این نظریات هم تا کید می کنیم در شرایطی که جنبش کمونیستی ما دوره پی ریزی حزب طبقه کارگر را میگذراند، قوام یافتن میانی سیاسی - ایدئولوژیک حزب، مستلزم مبارزه با این دید-

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

بحران در این گروه بوده است، بیایند از بیم و بطور مختصراً نحرفات معوری در طرح "تشکیلات دوران گذار" مورد برخورد قرار دهیم.

۱- تئوری "تشکیلات دوران گذار" اکونومیستی است؛ بر اساس این تئوری، عامل تشکیلات ایدئولوژیک موجود در جنبش کمونیستی، پراکندگی گروهها است که هر یک به تنهایی با پراکتیک محقر خود "فادربه تدوین تئوری انقلاب نیستند و مشکل اصلی جنبش کمونیستی نه شش ایدئولوژیک بلکه پراکندگی سازمانی است. از این رو در راه راه حل، مسئله تشکیلات عمده میشود و طرح پیشنهادی ناظر بر زود بودن پراکندگی تشکیلاتی است و گویا به اعتبار این دو جنبه وحدت تشکیلاتی ای میتوان به وحدت ایدئولوژیک دست یافت!

این نگرش اکونومیستی، پراکندگی تشکیلاتی را معلول شش ایدئولوژیک ندانسته و در ارزیابی ارزیابها ایدئولوژی و تشکیلات، تشکیلات را مقدم بر ایدئولوژی میدانند. چه راه حل پراکندگی محفوف کمونیستها و وحدت تشکیلاتی را در کسب و ايجاد وحدت ایدئولوژیک ندانسته و بالعکس خود این وحدت ایدئولوژیک را ناشی و منتج از وحدت تشکیلاتی میدانند. چنین است که به ایدئولوژی کمبها میدهد و تشکیلات را بر آن مقدم می نماید. بدین ترتیب اکونومیسم را در مروجت تئوریه می نماید. این درک اکونومیستی آنچنان به نقش ایدئولوژی و تئوری کمبها میدهد که میندازد تئوری و ایدئولوژی هر گروه از "پراکتیک محدود و محقر" آن گروه نشأت میگیرد، و از این رو چون بسیاری از گروهها دارای پراکتیک گسترده نبوده و سر تا سر نیستند و از امکانات تشوریک وسیع برخوردار نیستند، نمیتوانند به تئوری انقلاب دست یابند. این درک تحقیرگرانه نسبت به تئوری، تئوری را نه محصول جنبشندی پراکتیک اجتماعی سالیان سال مبارزه طبقاتی که در اندیشه مل متبلور شده است، بلکه نتیجه پراکتیک تک تک افراد و پراکتیک محقر هر گروه میدانند. بر اساسی با چنین دیدی ساده اندیشانه چگونه ممکن است پذیرفت و با ورکرد گروه آزادی کار با آنها همبها پراکتیک محقر و محدود میتوانند است در تدوین و کشف تئوری انقلاب نظرات درست و شگرفی را ارائه داده باشد؟!

چنین است که درک این دیدگاه نسبت به مسئله ایدئولوژی و تشکیلات، تئوری و پراکتیک درکی است اکونومیستی و تقلیل گرایانه. ۲- تئوری "تشکیلات دوران گذار" پوپولیستی است!

تئوری دوران گذار نه تنها از ازیبهای اکونومیستی به نفعی نقش ایدئولوژی و تئوری میبرد از، بلکه از ازیبهای پوپولیستی (تمام خلقی) گرایشات متغیوت ایدئولوژیک موجود در جنبش کمونیستی را که ناشی از گرایشات طبقاتی آنهاست، نفی کرده و آنها را ناشی از

"بها مات" وضع "معرفتی" میخوانند: "اعتقاد ما بر این است که مسائل ایدئولوژیک موجود پیش از آنکه نماینده اختلافات ایدئولوژیک و نماینده سیستمهای فکری متفاوت باشند بیانگر آنهاست و نا روشنیها را در مسائل تئوریک است. از همین رو در اکثر موارد این اختلافات را نه طبقاتی بل معرفتی ارزیابی میکنیم" (صفحه ۱۳) (جزوه وحدت مسئله مرکزی و معوری ...).

بدین ترتیب بر اساس این نگرش، گرایشات اپورتونیستی و رویزیونیستی موجود در جنبش کمونیستی که حتی دیمواری نیروها را به کمب فدا انقلاب رانده است، (مانند اتحادیه، اکثریت و...) نه ناشی از منافع طبقاتی آنها بلکه ناشی از معرفت وضع تئوریک و... است. از این ساد لوحا نه تر نمیتوان مضمون طبقاتی تئوری و ایدئولوژی را مخدوش نموده و آنرا تا

وسیعی از آن، یعنی رفقای مربوط به دیدگاه سوم "بهرد تئوریهی دوران گذار دست زدند. ۳- تئوری تشکیلات دوران گذار را انحلال طلبانه است!

بی شک با درک روشنفکرانه و غیر طبقه بندی که "وحدت انقلابی" از علل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی درون جنبش را شده داده است راه حل مطروحه از جانب آنان نیز از محدوده در کهای آکا دمیستی و غیر طبقه بندی نمیتواند خارج شود. راه حلی که وحدت تشکیلاتی را به منظور انجام یک همکوشی تئوریک برای دستیابی به وحدت ایدئولوژیک تبلیغ میکند، نشان میدهد، تئوری را نه در متن مبارزه طبقاتی، بلکه در گردهماییها نظیر "کنفرانس وحدت" و امثالهم میخواد کشف و تدوین کنند. تشکیلات کمونیستی جزا بزاری در خدمت سازماندهی و هدایت مبارزه طبقاتی پرولتاریا

● راه حلی که وحدت تشکیلاتی را به منظور انجام یک همکوشی تئوریک برای دستیابی به وحدت ایدئولوژیک تبلیغ میکند، نشان میدهد که تئوری را نه در متن مبارزه طبقاتی، بلکه در گردهماییها نظیر "کنفرانس وحدت" و امثالهم میخواد کشف و تدوین کنند.

نیست. و وحدت تشکیلات در گروه و وحدت اندیشه و ایدئولوژی است. اگر تشکیلاتی فاقد وحدت اندیشه و اراده باشد، مدد مدفا قدوحدت عمل بوده و نخواهد توانست اساسا نقش در مبارزه طبقاتی پرولتاریا ایفا نماید. به اعتبار چنین درکی ما معتقدیم "تشکیلات دوران گذار" که فاقد وحدت اراده و اندیشه است، طبعا فاقد وحدت عمل بوده و از آنجا که بعنوان ابزاری کمونیستی و در خدمت مبارزه طبقاتی پرولتاریا قرار ندارد، قادر نخواهد بود تئوری انقلابی و خط مشی پرولتاری را کشف و تدوین نماید. تنها انحلال طلبانی که نقش کمونیستها را به آکا دمیستها اشتباه میگیرند و تئوری انقلاب را نه محصول جمع بندی مبارزه طبقاتی در هر سه شکل خویش (ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی) بلکه امری آکا دمیک و صرفاً تحقیقی دانسته و برای دستیابی به آن گردهماییها همکوشیهای تئوریک را کافی میدانند نمیتوانند چنین ادعاها را بکنند. بر اساسی چنین درک آکا دمیک و انحلال طلبانه ای است که از گروهها دعوت میشود تشکیلات خود را نفی کرده و در حقیقت از شرکت در مبارزه طبقاتی خودداری ورزند و جدا از شرکت در مبارزه طبقاتی، با یک همکوشی تئوریک مکانیکی، به تدوین خط مشی و برنامه بپردازند. جوهر انحلال طلبانه این تزهاننا در جدا کردن مبارزه ایدئولوژیک از مبارزه طبقاتی پرولتاریا است. و بر اساس چنین سیستم فکری است که انحلال تشکیلات، خودداری از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و نفی مبارزه ایدئولوژیک اصولی برای دستیابی به وحدت و جایگزینی اشکاف، تئوریه میگردد. در حالیکه از نظرگاه مارکسیستی تدوین تئوری انقلاب در

سطح "دانشی" که "منحرفین" بدان دست نیافته اند پائین آورد. بر اساسی این رفقا چه درک می از موضع گیریهای سیاسی نیروهای اجتماعی دارند. آیا میندازند ضعف تئوریک، آنها را از یکدیگر متمایز کرده و آنها را از اداریه اتحاد مواضع گوناگون نموده است؟ اگر درست است که این نیروهای نامبرده کمونیست هستند و در مبارزه طبقاتی منافع سیاسی پرولتاریا را نمایندگی میکنند، پس چگونه انعکاس منافع سیاسی طبقه کارگر در این تشکلات انعکاس می یابد؟ یا بجای از طریق موضع گیریهای سیاسی آنها که نمایانگر منافع طبقه کارگر میتوانند باشد؟ و اگر این بدیهیات را بپذیریم، چگونه خطرات گوناگون که انعکاس منافع طبقاتی متمایز از همدیگر است... فاقد هویت طبقاتی معرفی گشته و "معرفتی" خوانده میشود. آیا این جزئی ایدئولوژی پرولتاریا، بجز تبلیغ آشتی ایدئولوژیک، جز رواج تفکر تمام خلقی نسبت به انحرافات غیر پرولتاری و جز "فائشل شدن به خط مرزی بین خط مشی پرولتاری و غیر پرولتاری است؟

لیکن اگر جنبش "وحدت انقلابی" فاقد درک چنین حقیقتی نبود، منطق شوخی ناپذیر مبارزه طبقاتی، این حقایق را بعیان نشان داد. پلازیه شدن جنبش کمونیستی، قطب بندی شدن گرایشات ایدئولوژیک، خارج شدن نیروها از جنبش کمونیستی و پیوستن آنان به رویزیونیسم، انشعابات متعدد در جنبش کمونیستی، همه و همه ناشی از منافع طبقاتی گوناگون بود که هویت ایدئولوژیک - سیاسی متمایز از یکدیگر را بنمایش میگذاشت. و بالاخره این مرز بندیهای طبقاتی - ایدئولوژیک را منکیر خود "وحدت انقلابی" نیز شد و بخواهد

بزرگداشت سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن زیر پرچم سرخ کمونیستها



پرچم سرخ، این نشانه کمونیسم، در مراسم تظاهرات در اهتزاز نمود.

برای بزرگداشت دومین سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن ۵۷، سازمان ما و رفقای "رزمندگان" مشترکاً اقدام به برگزاری تظاهراتی در روز ۲۲ بهمن نمودند، که توسط سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) مورد پشتیبانی قرار گرفت. طبیعی است که نیروهای حق برگزاری تجلیل از قیام بهمن ماه ۵۷ را داشته باشند که قطعاً در راه آزادی زحمتکشان و در کنار آنان با امپریالیسم ورژیم سرما به داری وابسته شاه مبارزه کرده و این مبارزه را تا پیروزی نهائی ادامه میدهند. کمونیستها و نیروهای انقلابی می بایست با برگزاری مراسم مستقل و باشکوه ضمن بزرگداشت دستاوردهای قیام، چهره واقعی رژیم جمهوری اسلامی را با نشان دادن عملکرد سنگین دوساله - اش برای توده های زحمتکش افشا میگردند. کمونیستها وظیفه دارند که نشان دهند بیش از هر نیرویی حق برگزاری چنین مراسمی را دارند چرا که نه تنها در زمان حاکمیت رژیم شاه خلقی شاه پیگیرترین انقلابیون بودند، بلکه این مبارزه را همچنان بر علیه نظام سرمایه داری وابسته ورژیم حافظ و مدافع آن یعنی جمهوری اسلامی نیز ادامه میدهند. آری آنها می بایست به توده ها نشان دهند که رژیم جمهوری اسلامی و هر دو جناح مرتجع آن (لیبرالها و حزب جمهوری) که از اولین روز پس از قیام، کلیه دستاوردهای آنرا لنگدال کرده و به سرکوب زحمتکشان، خلقهای قهرمان کرد، ترکمن، بلوچ، عرب و... پرداخته و مبارزات کارگران و بیکاران را با خون کشیده و در دامن گناهان کشتار کرده و... به هیچوجه حق برگزاری چنین مراسمی را ندارند و بر این اصل بود که سازمان ما روی برگزاری مراسم بزرگداشت به زیر پرچم سرخ کمونیستها با فشاری کرده و همراه با سازمان رزمندگان اقدام به دعوت برای راهپیمایی چهارشنبه ۲۲ بهمن نمود. (ما در این میان مجاهدین خلق ایران در تعمیق تزلزلات لیبرالی شان در دنبال بورژوازی روان شده و با شرکت در مراسم لیبرالها و سخنرانی بنی مدبریکبار دیگر نشان دادند که در برابر بنی لیبرالهای مرتجع دچار نا پیگیری شدید هستند. اما نیروهای رویزیونیستی از جمله حزب خائن توده و مرتدین "اکثریت" چون همیشه به چاکرمنشی خود در قبال ارتجاع حاکم ادامه داده و بویژه به مجیزگویی از "حزب جمهوری اسلامی" پرداختند. این خائنین که زندگی انگلی خود را با افشاکریهای بی امان نیروهای کمونیست در خطر می بینند، در خوش رقصی برای ارتجاع بر علیه نیروهای کمونیست به فحاشی پرداخته و نیروهای سرکوبگر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را برای سرکوب کمونیست ها راهنمایی کرده و در مقابل برای اثبات چاکری خود دیدمان بورژوازی، بسا رویزیونیست های اروپائی کارناوالهای مفتضحانه برپا انداختند.

علیرغم تشبیهات گوناگون ارتجاع حاکم و مدافعین رویزیونیست آن از "توده ای"، "اکثریتی"، کمونیستها موفق شدند با راهپیمایی چند هزار نفره مشت محکمی بر دهان یا وه گویان بکوبند و نشان دهند که در راه رهایی طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم مصممانه به پیش میروند.

از اولین ساعات صبح چهارشنبه ۲۲ بهمن خیابان فخرآزی و محوطه مقابل دانشگاه از اوپا شان حزب جمهوری اسلامی پر بود، ارتجاع که از بیانی واقفیت ها بوسیله کمونیست ها وحشت دارد و میداند که تظاهرات، راهپیماییها و اجتماعات کمونیست ها با استقبال توده های زحمتکش روبرو می شود و در این حمایت توده ای که با رشد آگاهی توده ها همراه است با بان "غم-انگیز" (غم انگیز برای سرمایه داران و حامیان-شان) خود را می بینند، بهر وسیله ممکن دست می زنند تا از تماس نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست های راستین با توده ها جلوگیری نماید. اگر در ۲۳ دیماه (سالگرد روزبا زگشائی دانشگاه) با تبلیغات فریبکارانه و مسمومش نتیجه کاملاً معکوس گرفته و باعث اطلاع توده های بیشتر از برگزاری تظاهرات و روی آوردن آنها بمقابل دانشگاه شد، اینبار کمتر تبلیغات علنی علیه راهپیمایی کمونیستها پرداخته و بجز چند مورد تهدید و ارباب توده ها، عمدتاً به سازماندهی مخفی اوپا شان و چاقادار

برداشت تا بگونه ای دیگر به توطئه سرکوبش علیه فعالیتهای آگاهان کمونیستها ادامه دهد. البته در این مورد رویزیونیست های خائن حزب توده نیز با "هشدارها" و تبلیغات تارتجاعی - اش رژیم جمهوری اسلامی را در سرکوب کمونیستها یاری کرده و به آنها راه نشان میداد. همچنانکه در آغاز راه شد از صبح اوپا شان و چاقاداران منطقه خیابان فخرآزی را "ترق کرده بودند"، حزب جمهوری اسلامی بیشتر دستهای خود را که از مردم نا آگاه و متوهم تشکیل شده بودند با شعار - هائی علیه نیروهای انقلابی (اینهم نوعی بزرگداشت از قیام خونین مردم است!!) و فحاشی به کمونیست ها با طرف دانشگاه و اطراف خیابان فخرآزی به حرکت در آورده بود. اکثر رفقای هوادار میدانستند که راهپیمایی از فخرآزی شروع نخواهد شد و مردم مبارزی که جهت شرکت در راهپیمایی کمونیست ها آمده بودند از طریق آنان با خبر میشدند و در نتیجه رجزخوانی های اوپا شان و عوامل مزدور ارتجاع فقط از دور، گوشه را می آزد و برای آنان نتیجه ای نداشت. دقیقاً از ساعت ۱۱ گذشته بود که در میسان چشمان وحش زده مزدوران ارتجاع، در گوشه شمال شرقی میدان انقلاب، فریادش از هزار نفر از کمونیست ها که با مشت های گره کرده فریاد میزدند: "اتحاد، مبارزه، پیروزی" در میدان نشین انداخت و رهروان راه آزادی طبقه کارگر

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دمکراتیک-ضد امپریالیستی خلقهاست

گروهی از مردم زحمتکش، بطول مسیاریبیاده -
روها و ساختمانهای اطراف با گره کردن مشت و
با ابزار احساسات از راهیماشی کمونیستها



تظاهرات کمونیستها مشت محکمی بود بردهان ارتجاع حاکم و روزیونیهستهای خائن.

کردند ولی موفق نشدند، توده‌های زحمتکش
بچشم‌میدیدند که علیرغم زندان و اعدام و با وجود
بورشیهای مکرر با ساداران مسلح و چاقو ساداران
حزب جمهوری اسلامی، کمونیستها، بدون ذره‌ای
تزلزل و تاپای جان تلاش میکنند تا پیام‌های
و آگاهی را به زحمتکشان برسانند و بهیمن دلیل
است که آنها علیرغم تبلیغات گوش‌کرکن ارتجاع
آرام، آرام‌بسمت کمونیست‌ها که‌هاشی انسان
را فریاد میکشند و آورده‌هاشانان حمایت
میکند، پس از طی مسافتی درخیا بان رودکی
و در حالیکه شعارهای انقلابی نظا هرکنندگان
خیا بان را به لرزه آورده بود و در حالیکه
علیرغم تشبیهات مذبح‌ها و فالانزها پرچم سرخ
رزم کارگران در دست کمونیستهای انقلابی
برافراشته بود و در چاه‌ها می‌زشتی با برخورد
هشیا رانه برگزاردکنندگان، در حالیکه شرکت -
کنندگان شعار میدادند: "به امید پیروزی
انقلاب متغیر می‌شویم" مراسم بزرگداشت سالگرد
قیام شکوهمند بهمن بیابان رسید، دقایقی
بعد چندین اتومبیل پرازبا ساداران مرتجع
مسلح برای سرکوب راهیماشی کمونیستها
سر رسیدند و تعدادی از نظا هرکنندگان را دستگیر
کرده و بردند، ارتجاع مذبح‌ها، می‌پندارد که
این دستگیریها و زندانها میتوا ننداراده‌ها
کمونیستها نسبت به عهد و پیمانی که برای رهائی
طبقه کارگران زحمتکشان بسته اند دخل وارد،
زهی خیال باطل! طبیعی است که این راهیماشی
مشترک که از جانب سازمان ما و رفقای رزمندگان
برگزار شدند کات مثبت و منفی متعددی دربر -
داشت که با دیدا دیدا نقادای و در جهت استفاده
از تجارب آن برای نیالابردن کیفیت مبارزاتی
به آنها برخورد کرد، امری که در فرصت مناسب به
آن خواهیم پرداخت.

حمايت مي‌کردند. صف منجم را هيماشي پس از
طی خیا بان آذربایجان و اردخیا بان رودکی
شد، درخیا بان آذربایجان آمولانسی با دسته
کلی در جلوس که نظا هروا نمود میگردنا زه حمل
میکند به جمعیت زده و دونفر را زخمی کرد ولی در

قطعنامه

مراسم بزرگداشت دومین سالگرد
قیام خونین بهمن

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کارگران، زحمتکشان، خلقهای مبارز ایران!

دو سال از قیام پیرشکوه و حماسه آفرین بهمن
ماه ۵۷ میگذرد.

قیام خونین بهمن ماه در شرایطی صوت
گرفت که رهبران از مسلح کردن توده‌ها و صادر
کردن دستور "جهاد" مسلحانه خودداری کرده
بودند. قیام بهمن ماه در شرایطی صورت گرفت
که توده‌ها فاقد هرگونه شکل سازماندهی و
رهبری واقعی بودند، در شرایطی این قیام
صورت گرفت که نا رهبران، بهشتی‌ها، بازرگانها
با هویت‌رمانی‌پنده امیرالایسم آمریکا مذاکرات
سازش را صورت داده بودند، و قمددا شتند تا ارتش
دست‌پزورده امیرالایسم را حفظ کرده و قدرت را
بصورت مسالمت‌آمیز منتقل کنند، اما توده‌های
که از ظلم و ستم رژیم سرمایه‌داری وابسته -
امیرالایسم به تنگ آمده بودند، توده‌های که
خواهان استقلال، آزادی و برانداختن فقر و
بقیه در صفحه ۱۸

وهوادران نیروهای کمونیست در آنسومجمع
شده و در حالیکه شعار میدادند: "کارگر، کارگر،
پرچم سرخ تو، پرچم رزم ما" با برافراشتن پرچم
سرخ کمونیستی، کینه طبقاتی ارتجاع و
مزدورانش را چند برابر کردند. با ساداران در لباس
شخصی و او با شان که در آن پرچم سرخ، تیله‌ای از
مبارزه طبقاتی زحمتکشان بر علیه حاکمیت
ارتجاع را میدیدند و تماشا را در میانه‌ها رزانیسی
زحمتکشان برای نابودی سرمایه‌داری وابسته
و ایجاد جامعه‌ای سوسیالیستی طبقه کارگر را در آن
منجلی میدیدند و حشیا نه برای بدست آوردن آن
به تنگایوفتاده و پس از کشمکشهای فراوان آنرا
بچنگ آورده و با سوزاندن آن کینه طبقاتی خود
را نسبت به آلمان رها شیش طبقه کارگر -
نمایش گذاشتند. با ساداران با اتومبیل‌های
گشتی برای دستگیری رفقای انقلابی دست
بکار شدند، و چند رفیق مبارز را دستگیر کرده و با
اتومبیل‌های آما ده در میدان به زندانها پشان
بردند، چاقو کشان نیز در همین حین رفیقی را
بشدت از ناحیه سر زخمی کردند که جمعیت آنرا
از دست فالانزها نجات دادند.

رفقای برگزاردکننده تصمیم گرفتند که
راهیماشی از چاه راه خوش - آزادی آغاز
شود و با سازماندهی متناسب تا آنجائی که میسر
بود بخشی از شرکت‌کنندگان در راهیماشی از
این تصمیم مطلع شده و بطرف چاه راه "خوش"
حرکت کردند و لحظاتی پس از ساعت ۱۲ ظهر،
سکوت خیا بان آزادی با شعار "اتحاد، مبارزه،
پیروزی" کمونیست‌ها در هم شکست، شیفته‌گان و
رهبران راه آزادی طبقه کارگر، با برافراشتن
پرچم سرخ رزم کارگران، که آرام "داس و چکش" آن
چون دشمنای در قلب سرمایه‌داران و حامیان نشان
فره میرفت از خیا بان خوش پاشین رفته و بطرف
خیا بان آذربایجان برافراشته شدند، کمونیستها
با فریاد "کارگر، کارگر، پرچم سرخ تو، پرچم
رزم ما"، شعار زحمتکشان، نان، مسکن، آزادی،
"بنی صدر، بهشتی، برای سرکوب خلق متخدد و
برادر" بگوش زحمتکشان میرسانند که فقط با
ادامه مبارزه است که میتوان از قیام بهمن ۵۷
تخلیل کرد، آنها با مقاومتی آهنین در برابر
بورش گروهی چاقو زوا و پاشینی اعتنا به
زوزه آنها، با فریادهای خشم‌آلود خود، با شعار -
های انقلابی خویش به زحمتکشان نشان میدادند
که فقط کسانی میتوانند از قیام بهمن ۵۷
تخلیل کنند که دستاوردهای آن را گرامی بدارند
و به مبارزه علیه امیرالایسم و ارتجاع داخلی
تداوم بخشند. کمونیستها در راهیماشی سیر
شورشان به کارگران و دیگر زحمتکشان اعلام میکنند
که نه بهشتی‌ها و نه بنی صدرها که بروج جنبش
مردم قهرمان سوار شده و تحت پوشش دیگر -
استثمار آنرا ندادا می‌دهند که کوچکترین حقی
در بزرگداشت قیام بهمن ۵۷ که بزرگترین
هدفش سرنگونی کامل سرمایه‌داری بود و این
خیانت پیشگان مانع از آن شدند، ندارند.

باز هم درباره مصاحبه مجاهد با قاسملو

انجام این مصاحبه مرتکب چه انحراف عظیم سیاسی در قبال جنبش مقاومت شده اند. و ایس ارتظر هر کمونیست و دمکرات انقلابی محکوم است.

به مصاحبه بپردازیم: در این مصاحبه آقای قاسملو سعی فراوانی میکند که نشان دهد حزب دمکرات "مخالف هرگونه جدایی خواهی از ایران" است (مجا ۱۰۷ هـ). بخصوص وقتی مدعی میشود "ما نه تنها با هیچ یک از نیروهای ضدانقلاب (؟؟) همکاری نداریم بلکه با آنها مبارزه کرده و میکنیم" (جدا!!) در واقع دروغ آشکاری را تحویل میدهد و جنبش سیدهد، جدا و لا- حزب دمکرات

امکان اجرای این سیاست را باز گذاشت. اعلامیه های متعدد حزب دمکرات در ماه های اخیر که در آن ها خود را تنها "نماینده خلق کرد" و "مشکل امورا جرائی امور منطقه "خوانده است بطرز بارزی این موضوع را تائید میکنند. درست در اجرای چنین سیاست ضد انقلابی است که حزب دمکرات دست به خلع سلاح پیشمرگان کومله، بهیکا رورا، کا رگر در کردستان زده است. زیرا به خوبی میداند که تنها مانع جدی در اجرای اهداف ضد انقلابی این حزب در کردستان نیرو - های کمونیست و پتانسیل جنبش توده های است. به این ترتیب می بینیم، وقتی قاسملو مدعی میشود "حزب ما مخالف هرگونه جدایی خواهی از ایران است" تا چه حد ما هیبت واقعی خود را در نیس الفاظ پنهان میکند، و متاسفانه دوستان مجاهد نیز به این لفاظی یا وردا رند. این همان انحرافی است که مجاهدین در اترسیاست لیبرالی خود بدان دچار می باشند.

● آری دوستان مجاهد با انجام این مصاحبه به تقویت حزب دمکرات پرداختند و این موضوع به پیچیده تصادفی یا اتفاقی نیست. مجاهدین که بنا به حکم ما هیبت خرد و بورژوازی خود بین دو قطب لیبرالیسم ضد انقلابی و دمکراتیسم انقلابی در نوسانند، با این عمل خود بورژوازی را تقویت و آن را بزرگ کرده اند.

واقعیت اینست که حزب دمکرات برای رسیدن به منافع ضد انقلابی خود دفاع از طبقات ضد انقلابی در کردستان از آنها دفاع میکند، به هر وسیله ای متوسل شده و خواهد شد. حزب دمکرات هم بقدر جدایی خواهی مخالف است که به حفظ روابط با سوسیال امپریالیسم شوروی و بعث اظهار علاقه میکند. این حزب به هر قطب ضد انقلابی که بتواند منافع وی را تامین کند، نزدیک میشود و در عین حال سعی خواهد کرد که خود را یک "دمکرات" نشان دهد.

اما یک دمکرات کیست و چه رفتاری در قبال جنبش اتحاد میکند؟ لنین کبیر دمکرات را اینگونه تعریف میکند: "دمکرات کسی است که به مردم ایمان ندارد. به جنبش توده ها ایمان دارد و با اینکه اغلب در مورد اهمیت که این جنبش در قبال رژیم سرمایه داری دارد دارای نظریه اشتباه میزاست... با زیبا تمام و سائل به آن کمک میکند. دمکرات با صداقت بیشتری برای قطع علاقه با کلیه نظم و نسق قرون وسطایی میکوشد." (احزاب سیاسی در روسیه - تاکید از لنین)، و حزب دمکرات درست بر مبنای این تعریف دمکرات نیست زیرا اولاً - به جنبش توده ها و به مردم ایمان ندارد. و این بی ایمانی خود را با سرکوب، تهدید و آزار توده های دهقان در کردستان که خواهان مبارزه زمین های اربابان و ملاکین هستند و با حمایت از اربابان و ملاکین عملاً نشان داده است. (آخر احزاب دمکرات دهقانان روسای تیکان تیره در اطراف بوکان که به مبارزه بر علیه مالک دهبیر - خاسته بودند، به رنگباریست)

نقیه در صفحه ۲

سازمان مجاهدین خلق، اخیراً در مجاهدیه ای را با قاسملو دبیر کل حزب دمکرات درج کرده است. ظاهراً انگیزه مجاهدین از این مصاحبه اینست که "مدتی است شایع کرده اند که حزب دمکرات کردستان قصد دارد تا خود - مختاری کردستان را بطوریکه جا نیها اعلام نماید. این شایعه از طریق مطبوعات داخلی نیز داده شده میشود." (مجا ۱۰۷ هـ) و گویا این مسئله ای است که دوستان مجاهد را "نگران" کرده است. اما در واقع این مجاهدین نیستند که با این نگران شوند، زیرا مجاهدین تا کنون حتی برای یکبار جنابیت و سیاست سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در کردستان را محکوم نکرده اند و به دفاع مستقیم از حقوق خلق کرد و نیروهای انقلابی آن نبرد اخته اند. و این واقعیت تلخ، پیش از همه کمونیستها و نیروهای دمکرات را نگران سیاسی میکند که مجاهدین در قبال جنبش توده ای بطور اعم در قبال جنبش مقاومت بطور خاص اتحاد و اجراء میکنند. این بار نیز آنها نشان دادند که تا چه حد در وفاداری به اصول دمکراسی و منافع توده ها، نابیکر و متزلزلند. آنها به جای تقویت قطب انقلاب و کمونیستها، با انجام مصاحبه با قاسملو تا حدی نظرات وی، از قطب ضد انقلاب و بورژوازی در کردستان دفاع کرده اند.

ما بدوستان مجاهد، اطمینان میدهم که این سیاست لیبرالی، از جانب توده های انقلابی خلق کرد که در زیر باران کلوله و آتش دشمن و موج اختناق و سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قهرمانانه میجنگند و هدفشان نه کسب طرح ماده ای - آتمه با اصلاحات تسمی صدی!! - بلکه کسب خود مختاری در چهار چوب جمهوری دمکراتیک خلق است، بشدت محکوم خواهد شد. توده های انقلابی خلق کرد مدتهاست با گروه ها که میجهد آنها را "چپ رو" و "بی مسئولیت" خوانده است، بییمان مبارزاتی بسته اند و هر روز پیش از روز پیش، بر ما هیبت ضد انقلابی حزب دمکرات آگاه میگردند. در حالیکه مبارزه خلق کرد بوسیله نیروهای کمونیست (کومله و بیکار ...) در کردستان نمابندگی میشود، روزی نیست که سندی در باره ضدیت این حزب با توده های کرد و حمایت از فتوای آنها، قاچاقچیان و عناصر وابسته برای توده ها افشا نشود.

آری! دوستان مجاهد با انجام این مصاحبه به تقویت حزب دمکرات پرداخته اند. و این موضوع به پیچیده تصادفی یا اتفاقی نیست. مجاهدین که بنا به حکم ما هیبت خرد و بورژوازی خود بین دو قطب لیبرالیسم ضد انقلابی و دمکراتیسم انقلابی در نوسانند، با این عمل خود بورژوازی را تقویت و آنرا بزرگ کرده اند. ما قتل مختلف بیکار، کوشیده ایم دمکراتیسم مجاهدین را تقویت و آنرا ارتقاء دهیم تا به این ترتیب قطب انقلاب در برابر ضد انقلاب تقویت کردد. در اینجا نیز با مقایسه آنچه قاسملو در این مصاحبه گفته و آنچه که حزب دمکرات در عمل انجام میدهد، نشان خواهیم داد که مجاهدین با

تا کنون به عنوان نمونه فقط بر علیه سوسیالیزم که مزدور و وابسته به رژیم فاشیستی بعث عراق است، هیچ اقدامی نکرده است بلکه سخما در مناطق جنوبی کردستان (منطقه اورامانات و زارود) حتی دست به همکاری با این عناصر مزدور زده است. در چندین درگیری با نیروهای سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، این دو نیرو با یکدیگر همکاری و مشارکت داشته اند. (درگیری با ستون ارتش ضد خلقی در کامیاران در تابستان امسال، تشکیل ستاد مشترک با سپاه زرکاری بعد از اشغال منطقه دزلی بوسیله مزدوران رژیم) بگذریم از اینکه تعدادی از مسئولین نظامی حزب دمکرات خود افسران فراری ارتش و هوا داران بختیار و شاهن هستند (گوری رش، سیمکو علیار، شیخ هادی و...) تا نیا - اخبار بسیاری از کردستان میرسد که حاکی از روابط نزدیک میان حزب بعث و دمکرات در منطقه است و "تا به" هم نیستند. جالبتر اینکه پیشمرگان و بعضی از مسئولین حزب دمکرات این روابط را نه تنها پنهان نمی کنند بلکه آنرا تائید و حتی تبلیغ هم میکنند. اخیراً نیز بعد از برگزاری پلنوم چهارم حزب دمکرات، این حزب از محکوم کردن جنگ میان دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق خودداری کرد و فقط علت این جنگ ارتجاعی را تحریکات رژیم ایران خواند. ثالثاً با تقویت این شایعه که گویا حزب دمکرات در دوری بندها در کردستان قصد دارد اعلام "حکومت خود مختار" در کردستان کند، این حزب در زادیوی خود نه تنها این مسئله را صریحاً تکذیب نکرد بلکه با بخش اطلاعاتی مبهم و دوپهل

"آوارگان غارت خانه هایشان بوسیله رژیم رافشامی کنند!"

در ۵۹/۱۰/۲۸، پاسداران کمیته مجید سلیمان، وانت باری پرازلحاف وبتک وینو را برای تقسیم به میان آوارگانی کد برای دریا فت آنها ساغها درمف ایسا ده بودند می آورد، بپیرن آواره زحمتکشی با دیدن وانت خود را به روی جندلحاف وبتک انداخته و فریاد میزند که "این رختخوابها مال منه" و در جواب عوامل رژیم که از وی آدرسی و مشخصات می خواستند میگوید که شناسنامه های بچه ها هم را لای رختخوابها گذاشته ام بر اثر فشار دیگر آوارگان مسئولین رژیم مجبور به بازگشتن رختخوابها میشوند و در مقابل چشم های بهت زده و پیرا زلفت مردم، شناسنامه ها بیرون می آیند، معلوم میشود که بخشی از وسایل خانه های غارت شده آوارگان در شهرها بشان بوسیله پاسداران، اکنون به عنوان کمک های رژیم به آوارگان داده میشود. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زحمتکشان را گوشت دم توب سرمایه داران میسازد بلکه با غارت اموال آنها چهره کثیف و ارتجاعی خود را به نمایش میکشاند. به نقل از خبرنامه جنگ - خوزستان شماره ۱۵

حققان و سرکوب سیاست رژیم در قبال آوارگان جنگ

جنگ زدگان خلق عرب هم مانند سایر آوارگان جنگی، در بدترین شرایط زندگی بسر میبرند. اغلب این زحمتکشان در سیاهانه های اطراف پیرهای خوزستان در میان گل ولای در جادر های باره و یا حتی بدون چادر زندگی میکنند. علاوه بر اینها رژیم جمهوری اسلامی، خروریزه بهانه های مختلف آنها را تحت آزار و شکنجه قرار میدهد. خلق عرب به جرم عرب بودن ناچار است که جورجانیات رژیم مزدور عراق را نیز بکشد. عوامل رژیم هر روز عده ای از این زحمتکشان را به جرمهای واهی جاسوس، ستون پنجم و... مورد آزار قرار داده و به زندان می اندازد. در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۶ پاسداران سرمایه اردوگانه آوارگان واقع در پانصد ستگاه اهواز را که محل اسکان آوارگان زحمتکش عرب خوزستان میباشد، محاصره میکنند. پاسداران ارتجاع به رهبری آیت الله طباطبائی حاکم شرع اهواز بهانه دستگیری جاسوسان عراقی به خانه های آوارگان هجوم برده و علاوه بر بازرسی بدنی آوارگان و مسائل مختص آنان را

اخبار جنگ

نیز بازرسی کرده و جرمی را ثابت نمی کند - رساننده مقدار بول بخنجر آوارگان را نیز به غارت میبرند این محاصره و حمله و حینا به رژیم که پیش از کوساعت طول کشید، جدا و زنان را بندت به وحشت انداخته بود در آخر هم مردوران رژیم ۱۵ نفر از آوارگان را دستگیر کرده و همراهِ میبرند و دست هم در اردوگاه حکومت نظامی اعلام میکنند. جنگ ارتجاعی علاوه بر کشتار و آوارگی زحمتکشان، سرکوب و حقیقت را برای آنها به دنبال دارد. به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی تغییر.

بمباران دهکده های عرب نشین بوسیله ارتش های ضد خلقی ایران و عراق!

با پیشروی ارتش مزدور عراق، ارتش ایران دهکده های عرب نشین اطراف "گرخه" را زیر باران توپ و خمپاره میکشد. وسع ارتع شبی عراق و مستقر شدن ارتش ایران، نوبت به عراق میرسد تا همان دهکده ها را به توپ بینند. و در سی حملات دوازده مرتبه ارتش مزدور ایران و عراق حداقل ۹ تن از زحمتکشان عرب ساکن این دهکده ها به شهادت رسیده اند. نمونه ای از بختی نشان میدهد که زحمتکشان ایران و عراق چگونه به خاطر منافع ارتجاعی رژیم های دو کشور، از هر دو طرف سرکوب میشوند و چگونه گوشت دم توب رژیم های سرمایه داری ایران و عراق میباشند. به نقل از خبرنامه جنگ - خوزستان شماره ۱۵

"مرگ دو کودک آواره بدست پاسداران سرمایه!"

کشتار زحمتکشان در زیر توپ و بمباران شهرهای جنگیده، مرگ ندریجی آوارگان جنگ از سرما و گرسنگی و قحطی برای رژیم کافسی نبود، که این بار پاسداران سرمایه اینجنین به کشتار فرزندان زحمتکشان میپردازند، در تاریخ ۵۹/۱۱/۹ یک لودر سیاه پاسداران در منطقه پشت باشگاه کلف اهواز که محل اسکان عده ای از آوارگان میباشد، شروع به خاک بر داری برای ساختن محلی برای پاسداران می کند و آنجا که این تبه محل بازی کودکان

آواره میباشد، رساننده سیاه بدون سوجدها که تبه را بر سر کودکان ریخته و سوغا فرزندان زحمتکشان زبر خاک مدفون میشوند با سوادای بقیه کودکان آوارگان خیر شده و آنها را از سرخا کپا بیرون میآورند که دوش از کودکان به سیادت میرسد و به سن دیگر ستری میشوند این جنایت پاسداران رژیم خشم و انزجار آوارگان را برانگیخته و با نفرت پاسداران را به محاکمه میکشند. اما یکی از پاسداران با وقاحت تمام میگوید: "این جنگ زده ها خانه های مردم را به زور گرفته اند و بچه ها بشان را بی ما حبرها کرده اند" زهی وقاحت و سخرمی! به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی تخیل

"اقدام به خودکشی یکی از زنان زحمتکش آواره"

در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۸ در خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان، یکی از زنان زحمتکش آواره به خاطر مصائب زندگی دست به خودکشی میزند. شوهر وی چند سال پیش در تصادف کشته شده و دخترش که بر سر آسوده و بی سر آسوده هم در جنگ ارتجاعی فعلی کشته شده اند. اما زحمتکشان بین ارتجاعی خواهی خود هندی در کراه زمان بر - داستان فلاکتهای ناشی از رژیم جمهوری اسلامی به در خودکشی بلکه در مبارزه است. مبارزه علیه رژیم برجعی که با عت املی تمام فقر و فلاکت و ناسامانی توده های مردم است.

"وحشت رژیم از تماس انقلابیون با آوارگان"

جندی بیش پاسداران خواگانه ۱۳ شیراز محل اسکان آوارگان را برای دستگیری یکی از هواداران مجاهدین که به کمک آوارگان میشتافته محاصره میکنند. اما زحمتکشان آواره که منافع طبقاتی خود را خوب تشخیص داده و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را میشناختند، فردم زور را مخفی کرده و مانع از دستگیری وی میگرددند. عوامل رژیم از حمایت مردم از نیروهای انقلابی وحشت کرده و یکی از مزدوران به آوارگان میگوید: "شما برای یک شامبو و مقداری روغن خودتان را به ستون پنجم فروخته اید". که با جواب دندان شکن زن زحمتکشی روبرو میشود که: "اگر کسی هدفش کمک به مردم است و به ما کمک کند، ما با کامل میل او را قبول کرده و به شما تحویل نمیدهم". آری یاخ آوارگان زحمتکش آگاه به رژیم ضد خلقی،

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

حمایت از انقلابیون میباشد.
به نقل از فریاد آوارگان شماره ۱۳ با اندکی
تلخیص.

سربازان حاضر نیستند "گوشت دم توپ" سرمایه داران گردند

با دکان قوچان (۲۷ دیماه ۵۹):
فرماندها ن مزدور برای جا بگیری کتسه...
شدگان جنگ سیار به ۲۵۰ سرباز بران اعزام
جبهه ها داشتند اما ۹۵ درصد سربازان نشتی -
خواستند خان خود را بخاطر ما به داران به خطر
اندازند و در بی قرار از با دکان بودند. فرمانده
تیب در گوشه و کنار با دکان بدنیا ل سربازان
می گشت تا آنها را به جبهه بفرستند.
یکی از سربازان میگفت: "مر برای چه
قتلگاه بروم. مگر ما چه داریم که از آن دفاع
کنیم. چرا فرستای ن سرود بچنگد کسه ۲۵۰
میلیون ۱۰۰ میلیون از بیت المال بر میدارند؟
سرباز دیگری میگفت: "آ خرابین جنگ چه نمایی
برای ما دارد؟ نتیجه کشته شدن ما برای خانواده
ما چیست؟" در این میان طرفداران "اکثریت"

دا و طلب شده بودند تا سربازان را برای رفتن
به جبهه جنگ تشویق نمایند. حمایت رویزی -
نست های اکثریت ارتجاع حاکم واقعا
همه جا نته است. سربازان که اکثر آنها فرزند ان
زحمتکشان هستند در می با بند که در جنگ ارتجاعی
کنونی چرا بنگه به "گوشت دم توپ" سرما به داران
تبدیل شوند. هیچ سودی نخواهند برد و از اینرو
آکا ها به زنگ زدند. در این جنگ غیر عا دلانه علیه
حلفهای ایران و عراق خودداری میکنند و لسی
این عدم شرکت در جنگ هنگامی شمر بخش خواهد
بود که با ادا مه مبارزه انقلابی علیه رژیم
جمهوری اسلامی و امپریالیسم همراه باشد.

وضعیت آوارگان مستقر در دانشگاه عالی

عده ای از آوارگان زحمتکشان جنگ ارتجاعی
در دانشگاه عالی تهران واقع در کوی زینبیه
(کار دما بق) مستقر شده اند. مسئولین رژیم نسه
تنها تا کنون هیچ کمک غذای ن، دارو لسی و...
دراختیار آنها ن گذاشته اند، بلکه با بستن
شرفا زها و ندادن وسایل گرم کننده به آوارگان
بکبار دیگر کوشه ای از سیاستهای ضد مردمی خود
را به نمایش گذا رده اند.
با اینکه ما ختمان دانشگاه چندی طبقه است،

مسئولین رژیم تنها بخشی از ساختمان را در -
اختیار آوارگان قرار داده اند که نهم همیشه
با تهدید به اخراج همراه بوده است.
آوارگان زحمتکشان بخشی از نیازهای خود را
با کمک هایی که مردم مستقما در اختیار آنان
میگذا رند، تا مین کرده و در بقیه موارد با کمبود
روبرو هستند. سیاستهای ضد مردمی رژیم حاکم
بیش از پیش توده های مردم را خوشا رتر کرده و
آنها بطور روز افزون درک میکنند که عامل اصلی
فلاکت مردم همین حکومت جمهوری اسلامی است.

کمکهای مردم به آوارگان کجا می رود؟

تا بحال خبرهای بسیاری از غارت خانه های
آوارگان مناطق جنگزده وحیف و میل کمکهای
مردم به آوارگان توسط پاسداران و سایر عوامل
رژیم در "خبرنامه های جنگ و پیکار" آورده ایم.
نمونه زیر گوشه دیگری از این غارت را نشان میدهد:
در مسجد ولیا" واقع در خیابان نا میزشکی
تهران، پاسداران با "نظارت" و "هکساری"
مسئولان که فردی بنام "حاج اسدی" است، پتو
های اهداتی مردم برای آوارگان را بجای
رساندن به آنها به خانه های خود "میرا نند"!

کنفرانس میباید شد. در این کنفرانس از یکسو
کشورهای وابسته و با متقابل به امپریالیسم
امریکا کوشیده اند تا شوروی را در عرصه جهانی
محکوم و منزوی ساخته و از سوی دیگر کشورهای
وابسته و با متقابل به سوسیال امپریالیسم روس
کوشیده اند تا امریکا را مورد تعرض قرار داده و
آنها محکوم نمایند. کوشش در محکوم کردن تجا وز
روسها به افغانستان و تجا وزویتنا می ها به
کامبوج (که مورد حمایت شوروی است) و کوشش
در محکوم نمودن تدارکات نظامی امریکا در
پاکستان به دینه گوگاریا (درا قبا نوس هند) و مداخله
احتفالی بانکی ها در ا لیا لیا دور میبستن
انگلس رقا بت امپریالیستها در کنفرانس
می باشد. و علاوه کوشش کشورهای مانند سوریه
در محکوم کردن و اخراج نمودن ممبر از
کنفرانس و کوشش کشورهای مانند ایران و
پاکستان در محکوم کردن مداخله شوروی در
افغانستان با زتابی از اختلافات ورقا بتهای
کشورهای مرتجع و تضاد منافع بورژوازی این
کشورها بشمار می آید. قطعنا مه های کنفرانس
نیز در انطباق با همین واقعات است. بخصوص
آنکه این بار کنفرانس به نفع امپریالیسم
امریکا عمل کرد. مدور قطعنا مه راجع به خروج
نیروهای شوروی از افغانستان و خروج قسوی
ویتنامی از کامبوج امتیازات برجسته ای بود
که امپریالیسم امریکا در رقابت با سوسیال
امپریالیسم شوروی بدست آورد.

بقیه از صفحه ۲۲ کنفرانس...
هستند و نه غیر میباید امپریالیسم بشمار می -
آیند. این واقعاتیهای عربان ما هیت ارتجاعی
تثوری کشورهای غیر متعهد را بر تالاسا خته و به
وضوح نشان میدهد که این تثوری جز فریب
خلقها و خدمت به سرما به جها نی هدف دیگری
نداشتند و عملا تثوری انقباضا رت بشمار می -
آید. واقعاتیها نشان میدهد که تثوری سوم "راه
سوم" و "جهان سوم" فریبی بیست نبوده و این جهان
جزولایفنگ همان جهان امپریالیستی بشمار
می آید. ما کمونیستها دودنیا بیشتر نمیشناسیم
یکی دنیای امپریالیستی و دیگری دنیای
سوسیالیستی دنیا وارد گاه امپریالیستی قحط
امپریالیسم غرب، قحط سوسیال امپریالیستیهای
شوروی و نمایی کشورهای که در کنفرانس غیر
متعهدها متشکل شده اند را در بر میگیرد.
اهداف دستور کار کنفرانس "غیر متعهدها"
در دهلی با زهم بیشتر ما هیت آرا آشکارا میسازد
ارائه بکسری حرفهای عوامفریبانه در باره
"مبارزه علیه امپریالیسم و محکوم نمودن تجا وز
اشغال، سلطه ذری، مداخله جویی یا توسعه طلبی"
امپریالیسم هرگز نمی تواند ما هیت مترقیانه
ای به کنفرانس بچندد. آنچه خا نزا هیت است
اینست که این کنفرانس انگلسی از رقابتها و
درگیریهای دو قحط جهان امپریالیستی و با ز -
تابی از رقابتیهای کشورهای مرتجع حاضر در

تکمیل خبر

در پیکار ۸۷، خبری داشتیم مبنی بر نسا -
معلوم بودن وضع بیش از ۵ نفر "منقذی خدمت
۵۶" که بخاطر عدم شرکت در جنگ در با دکان "سربل
دها به دستگیر شده بودند (شیمه دوم آذر ماه)
طبق اطلاعاتی که از طریق نیروهای انقلابی
بدست ما رسیده این عده در زندان "دیزل آباد"
کرمانشاه زندانی هستند و به حبسهای طولانی
مدت محکوم شده اند.



مبارزه علیه جنگ وابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بفرا ز صفحه ۱۴ **قطعه‌نامه** ...

فلاکت و نا بودی سلطه امیرالایم بر میهن ما و نا بودی ارتش ضد خلقی و در یک کلام خواهان نا بودی سیستم سرما به داری وابسته به امیرالایم بودند، بی توجه به بند و اندرز "رهبران" که از آنها دعوت میکردند "در خانه ها بنشینند" به خبا با نهار ریخته، به کمک پرسنل انقلابی نیروی هوایی که در محاصره کارگردمرد و آریا میسرری قرار داشتند، شتا فتند و قیام پر شکوه آغا زکنت "رهبران" و حشترده از انفجار خشم توده ها و هراسان از نا بودی ارتش، از آنجا که خود به قدرت رسیده بودند، اعلام داشتند "انقلاب تمام شده، به خانه برگردید!" "ارتش اعلام همسنگی کرده و" خلق سلاح توده ها برداختند. آنها کوشش نمودند با استفاده از نا آگاهی توده ها و فقدان رهبری طبقه کارگر برجسته، با بهای حکومت ضد انقلابی خود را تثبیت کنند ولی مگر می شود توده ها بی را که از رژیم نا زهر سرکار آمده جز سرکوب و اختناق، جز ندامت و فقر و فلاکت، "رفمان" دیگری ندیده بودند همچنان در توبه ننگه داشت؟

جنبش توده ها بعد از قیام همچنان ادامه یافت. و کمونیستها بعنوان نمایندگان سیاسی طبقه کارگر در تمامی مبارزات توده ها، همراه با توده ها و در پیشانی آنها شرکت نمودند. آنجا که کارگران برای تامین خواسته های سیاسی، اقتصاد خود مبارزه میکردند، آنجا که خلقها همچون خلق کرد، ترکمن و... برای حق سرشود خویش و کسب خود مختاری به مبارزه پرداخته خند، آنجا که دهقانان به مبارزه زمینها و کشت شورا می پرداخته خند، آنجا که توده های آگاه خلق به مبارزه برای کسب آزادیهای سیاسی اقدام نمودند و آنجا که... همه و همه جا کمونیستها پیشاپیش این مبارزات بودند. آری کمونیستها به همراه توده های آگاه خلق، ادامه دهندگان واقعی انقلاب و مبارزه بر علیه امیرالایم و ارتجاع هستند و رژیم که جز سرکوب توده ها، جز حفظ و بازسازی ارتش ضد خلقی و سیستم سرما به داری وابسته و جز بازشناسی امیرالایم و جز تشدید فقر و فلاکت، سرکوب و اختناق برای توده ها "رفمان" دیگری به همراه نداشته، نه تنها "صدام میرالایم" و ادامه دهنده مبارزات توده ها نیست بلکه ضد انقلابی است و مبارزات صدام میرالایم نیستی توده ها با مبارزه علیه مرتجعین حاکم کرده است. حال بگذرا نشین رویزونیست توده ای، اکثریتی و سه جبهه ای هر چه میخواهند عوام مغربنی کرده و رژیم چنانیکار را که "خلق" و "صدام" امیرالایم "جلوه دهند، جواب توده های آگاه خلق، جز مشت محکمی بر دهن این با و هکویان نخواهد بود.

کارگران، زحمتکشان، خلقهای مبارز ایران!

ما بعنوان بخشی از توده های آگاه و انقلابی که به کمونیسم و راهپیکار کمونیستهای کبری

جون مارکس، انگلس، لنین و استالین عشق میورزند، در اینجا کرده امدها به ما با بزرگداشت دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه، با ردیگر با کارگران و زحمتکشان خود عهد ببندم که مدتی از مبارزه علیه امیرالایم و ارتجاع باز نخواهیم ایستاد. ما اعلام میکنیم که:

- ۱- قیام خونین خلق که با خون هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و با فداکاری بی نظیر خلقهای تهران ایران صورت گرفت، بدلیل فقدان رهبری طبقه کارگر برجسته و ماهیت سازگاری و ضد انقلابی "رهبران" در نیمه راه متوقف ماند. این قیام با ردیگرشان دادگاه تنها رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست آن است که میتواند انقلاب را به سروری برساند.
- ۲- کار ما مدد و اولاد جمهوری اسلامی به بهترین وجهی نشانداد که در این رژیم نه تنها نمائنده منافع توده ها نبوده بلکه دشمن توده ها، دشمن انقلاب و حافظ سیستم سرما به داری وابسته امیرالایم است.
- ۳- تنها راهی که میتواند آرمانهای و الای قیام بهمن را که تحقق نیافته است، تا میسر نماید، نا بودی سیستم سرما به داری وابسته، قطع سلطه امیرالایم و سرکوب جمهوری دمکراتیک خلق بر هر طبقه کارگر است. تنها در جمهوری دمکراتیک خلق است که میتوان سلطه امیرالایم و ارتجاع داخلی را از میان برداشته و شرایط را برای تحقق آرمانها و خواسته های توده ها و آزادی کارگران و زحمتکشان فراهم سازد.
- ۴- قیام خونین بهمن ماه تنها تجلی حرکت عظیم توده های انقلابی خلق بوده و رژیم جمهوری اسلامی و تمامی مداخلان رویزونیست و خائس آن همچون "توده اها"، "اکثریتی ها" و "سه - جبهه ای ها" دشمن توده ها محسوب شده و در نزد توده ها با بدافشا کردند.
- ۵- ما اعلام میداریم که سنی صدور میسر ضد انقلابیون لیبرال نه تنها "زادبخواه

نبوده، بلکه خود بعنوان حریف از رژیم حاکم، در سرکوب توده ها شریک بوده و مراسم بزرگداشت قیام بهمن را ارتجاعناشان بعنوان عوام - فریبی ضد انقلابیون لیبرال محکوم میکنیم.

۶- در مبارزه قیام، بیکار ردیگر کشتار و حتی نه خلق کرد را که رژیم جمهوری اسلامی به توسط ارتش و پاسداران و با توب، تاشک و فاشتوم به پیش میسر و عملیات سفاکهای از تمیل حمله و کشتار در روستاهای "فلاتان"، "نارنا" و "سندرتاش" و... بر علیه خلق کرد را شدت محکوم کرده و اعلام میداریم جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد همچنان بیروز مندا نه به پیش خواهد رفت.

۷- ما به توسط توده های رژیم جمهوری اسلامی بر علیه مراسم بزرگداشت ما، همدار داده و اجازه نخواهیم داد که رژیم جمهوری اسلامی با سیاست سرکوبگرانه خویش، با ردیگر یا به شوم اختناق را بر سر مردم زحمتکش ما بکسرترا ند. رژیم جمهوری اسلامی حتی با به خون کشیدن این نظام هراسان هرگز نخواهد توانست ما را از مبارزه بر علیه امیرالایم و ارتجاع بازدارد. خون صدها هزار کمونیست ایران و جهان بهترین شاه این سخناست.

۸- طبقه کارگر ایران در انجا دو همبستگی با طبقه کارگر سراسر جهان و خلقهای ستمدیده جهان در راه نا بودی امیرالایم و سرما به داری جهانی مبارزات خویش را قاطعانه و مصممانه ادامه خواهد داد.

کرامی با دومین سالگرد قیام خونین بهمن! جاودان با دخالر شهیدای قیام خونین بهمن! مستحکم با اتحاد کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران!

هرگه امیرالایم و ارتجاع داخلی! برقرار با دمجهوری دمکراتیک خلق! سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر سازمان بیکار زد را آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۱/۲۲



قیام شکوهمند ۲۲ بهمن نشان داد که زرادخانه امیرالایستی هم نمیتواند در مقابل اراده استوار و مصمم توده ها ایستادگی کند!

کارنامه دو ساله حکومت:
سرکوب کارگران، کشتار و بمباران شهرها و روستاهای کردستان، بیکاری،
بسادگی از سرمایه، ترور، زندان شکنجه انقلابیون، تعطیل دانشگاهها، صدور "انقلابی"
ایجاد جنگ ارتجاعی ایران و عراق.
کارگران و زحمتکشان، خلق کرد و دیگر خلقهای ایران، در ادامه قیام ۲۲ بهمن
بر علیه امیرالایم و ارتجاع همچنان مبارزه میکنند.
ما از راهپیکاری روز ۲۲ بهمن که از طرف ما زمانهای بیکار و رزمندگان برگزار
میشود، پشتیبانی میکنیم

هر چه باشکوهتر یاد خاطر ده لاورهای کارگران و زحمتکشان در قیام خونین ۲۲ بهمن ماه ۵۷!

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گروهه) - تهران ۵۹ / ۱۱ / ۲۰

پیرامون جنبش زنان زحمتکش

می نماید (توضیح اینکه دیدگاه فئودالیستی دقیقاً معتقد به تفاوت و نابرابری بین زن و مرد است و قدا در به پذیرش حقوق برابر مردان و زنان در جا مع نیست. این فکر را در غرب المثل‌های مختلف بصورت "تئوریزه شده" میتوان دید فکری که طی قرنهای متمادی بر ذهن توده‌های ناآگاه ما تسلط دارد) دارندگان دیدگاه فئودالیستی با دید "جیب" و تروتسکیستی خویش، عا جز از فهم مساله‌ای بنام "ستم دوگانه به زن" در جوامع طبقاتی میبایستند. در رابطه با روشن شدن بیشتر این مطلب به نقل قولهای زیر توجه کنیم:

"در گفتگویی که کلارا زتکین با لنین در سال ۱۹۲۵ انجام داد آن زمانی بود که انقلاب کمپیر روسیه بوقوع پیوسته ما هنوز در آلمان کمونیست ها در تدارک انقلاب بودند، چنین آمده است: "زتکین: بسیاری از رفقا، رفقای خلیسی

خیر، چنانچه دیدگاه بی بدستی مطرح کنند که نه تنها کار بر روی زنان زحمتکش را از نظر استراتژیکی قبول دارند بلکه از نظر تاکتیکی نیز (یعنی حتی در دوران پراکندگی جنبش) به آن ایمان دارند و به آن میبپردازند اما فقط در حد توانائی در ای رابطه نیرو میگذارد این دیدگاه که ملا درست است و نشا نگر درک صحیح از مسئله زن و بخصوص در شرایط موجودا مع ما میبایستند.

در شماره ۹۲ قسمت اول این مقاله را آوردیم. در آنجا در پاسخ به این سوال که آیا کار بر روی زنان زحمتکش و متشکله نمودن آنان مستلزم مرحله‌ای معین در انقلاب است و آیا برای این کار باید منتظر استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بود یا سخن منفی داده ضمن رد آن نظریا استدلاله نقل - قولهای ازلنن و آلکساندر کولنتای این اعتقاد خود را بیان کردیم که کار مستقیم و مشخص در میان زنان زحمتکش در مرحله انقلاب دمکراتیک - فدا میبایستی امری است درست و اینکه در پرتو همین مبارزه است که میتوان توده‌ها را آموزش داد و آنها را برای برپائی سوسیالیسم آماده نمود.

اینک ادا ما مقاله:

۲- دیدگاه بی بدستی که کار مستقل و خاص بر روی زنان زحمتکش در مرحله فعلی انقلاب دمکراتیک - فدا میبایستی را می پذیرد اما در شرایط فعلی جنبش که هنوز سازمانها و گروهها در حال پراکندگی بسر میبرند معتقد است که نمیتوان بر روی زنان کار مشخص نمود و نتیجتا کار مشخص را بر روی زنان زحمتکش موقوف به ابعاد حزب مینماید.

برای پاسخگویی و برخورد با این دیدگاه با دید و شکل به آن پاسخ گفت:

(الف) چگونه امکان دارد که ما از نظر استراتژیکی مسئله را بپذیریم و بطور کلی و اصولی آنرا قبول داشته باشیم اما بلحاظ پراکندگی و نداشتن نیرو، یک قانون تاکتیکی را بپذیریم که فعلا به دلیل پراکندگی و جدائی نیروها و سازمانها کار بر روی زنان امکان پذیر نیست یعنی کلیه نیروهای جنبش نیایستی بر روی زنان نیروی بگذارند.

این مثل آنست که بگوییم به دلیل پراکندگی نیروها و اینکه هنوز بطور نسبی نتوانسته ایم با جنبش کارگری تماس برقرار کنیم پس بسر روی دهقانان کار نکنیم - اگر دهقانان به عنوان متحدین پرولتاریا در این مرحله از انقلاب فعالیت مشخص را از جانب کمونیستها میطلبند زنان نیز بواسطه اینکه نسبی از نیروی جنبش توده‌ای هستند و بواسطه اینکه بدون حرکت آنها انقلاب بشمر نمیرسد (و این فقط یک جمله بدون پشتوانه عملی نیست که لنین مطرح کرده باشد) پس وضع نمودن چنین قانونی تا کنونی غلط است و در حقیقت چنین دیدگاهی وظایف بلافاصله خود را تسلیم پراکندگی میکند و در مقابل پراکندگی جنبش که دورانی از رشد جنبش کمونیستی است سپرمیاندازد و به آن تن در میدهد.

(ب) آیا ما غیر دیالکتیکی و متافیزیکی به مسئله کمبود نیرو و مینگریم و از راه گریز میگوییم با وجود کمی نیرو بر روی زنان کار بگذاریم؟



زنان زحمتکش معانی و شرکت فعال در تیرید مسلحانه رهایی بخش - آوریل سالهای ۱۹۷۰

خوب، مخالف ایجاد گروههای خاص حزبی برای کار در میان زنان هستند. آنها این عمل را محکوم و به با زکشت به جنبش رسوای "آزادی زنان" (M)، به سنتهای سوسیال دمکراتیک میکنند. آنها مدعی اند که از آنجا شیکه حزب کمونیست به زنان تساری داده است، در نتیجه آنها باید بسودن تمام بزرگترین همکاران پروتور کلی کار کنند برخورد به زنان و مردان با دیدیکسان باشد هر کوششی که (در شرایطی که لنین اشاره کرده) برای تهیج و سازماندهی، در نظر گرفته شود یا تفسیر این دیداداغ اپورتونیسیم و... به آن خواهد خورد...

۳- دیدگاهی که مسئله‌ای بنام "زن" در جوامع طبقاتی را قبول دارد اما معتقد به ایجاد تشکیلات و ریسمانهای تشکیلاتی که این کار ویژه بر روی زنان زحمتکش را انجام میدهد نیست. این حقیقت روی دیگر سکه دیدگاه فئودالیستی است که بخاطر عدم قبول مساله‌ای بنام زن در جامعه، بالطبع تشکیلات را نیز نمی پذیرد. این دیدگاه با دیدی تروتسکیستی از مسئله زن معتقد است که از طریق همان کار عمومی و سوسیال دمکراتیک بر روی کل طبقه کارگر، زنان نیز می توانند بتدریج خود را ساخته و خویش را از قیود جامعه طبقاتی رها کرده و برای انجام انقلاب آماده و بسیج شوند و بخصوص این دیدگاه، جریانهای راکه بکار مستقل و مشخص از طریق ارگانهای خاص بر روی زنان زحمتکش معتقدند به داشتن افکار فئودالیستی محکوم

(M) - منظور جنبش زنان بورژوا که به جنبش فمینیست ها معروف می باشد.

به سوسال امیرالیم بیعت عراق دست
میرند. بنا بر این اگر میبایستیم این حزب خود را
به ما هدین نزدیک نشان میدهد، نه ناشی از
تمايلات دمکراتیک "این حزب، بلکه به لحاظ
ناپیکری مٹی مجا هدین و از جمله سیاست
لیبرالی مجا هدین در برخورد به لیبرالهای خائن
هیئت حاکمه است. آری! حزب دمکرات ربا -
کارانه با مجا هدین نزدیکی نشان میدهد و آنها
بر اساس ناپیکری خود به این حزب، اعتماد
میکند. اما ممکن است این تاکتیک حزب
دمکرات در مورد مجا هدین کار ساز باشد، اما
برای توده های خلق کردی که استوار و یکپارچه
بر علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند و
تا دست یافتن به حقوق خود همچنان جنبش را
تحت رهبری کمونیستها ادامه خواهند داد و حتی
رنگ باخته ای بیش نیست!

خلاصه کنیم: مبارزه خلق کرد در اتحاد
ناکستی با مبارزات سرسری توده های تحت
ستم ایران است، همچنان به پیش خواهد رفت و
با رهبری، فشاگری و سازماندهی نیروهای
کمونیست گرا آینه روشن و ستوار طی خواهد
کرد. در این راه پرمخاطره نه تنها جموحیانه و
سیاست سرکوب رژیم ضد خلق جمهوری اسلامی و نه
سیاست ضد انقلابی حزب دمکرات قادر نخواهد
بود که در ادامه این خلق بیخاسته خلی وارد
سازد، نیروهای دمکرات نیز اگر می خواهند،
به عنوان یک دمکرات وظایف خود را در قبال
جنبش توده ای انجام دهند، می بایست در نزدیکی
و اتحاد با کمونیستها عمل کنند و به انقلاب توده
- ها بیا نندیشند، سیاست مماشات با لیبرالها و
فدا انقلاب، قطب انقلاب را تضعیف میکند.

متاسفانه سازمان مجا هدین سیاستی را که
امروز به پیش میبرد سیاستی است که به انقلاب
ضربه میزند و لیبرالیسم را و آج میدهد، سیاستی
است که به "بالا" نگاه میکند و نه توده ها،
سیاستی است که همکاری با لیبرالهای ضد
انقلابی و حزب دمکرات را نسبت به همکاری با
کمونیستهای راستین ترجیح میدهد. این
سیاست به چه طبقه ای خدمت میکند؟ مسلماً این
سیاست به نفع بورژوازی عمل میکند و بزبان
انقلاب دمکراتیک - خدا میریایستی خلقهای
کبیرا ایران است.

یعنی اولا در میان کدام اقشار زنان باید
فعالیت نمود و ثانیا از طریق چه تشکلاتی
باید کار کرد؟
(ادامه دارد)

(**)- حزب کارگران کمونیست آلمان - از
گروه آنازیست - سندیکا لیست خرده بورژوازی
در ۱۹۱۹ به توسط عناصر "چپ" که از حزب
کمونیست آلمان انشعبا کرده بودند، تشکیل
شد و با عدم حمایت کارگران آلمان مواجه گردید.

بعده از صحنه ۱ باز هم ...

ناشیا - حزب دمکرات نه تنها به قطع علاقه با
"نظم و نسق فزون وسطا"ی "رغبت نشان نمی -
دهد، بلکه با تحمیل انواع مالیاتها و با جهات
برنوده های دهقان و تهدید آنان به برداشت
این مالیاتها و با جلوگیری از مبارزه
دهقانان برای ممانعت از زمین های اربابسی،
دلپستی خود را برای حفظ همین نظام وروابط
پوسیده کهن نشان میدهد. در طرح شش ماده ای
حزب دمکرات که وی حتی حاضر است آن را با
اصلاحات رژیم بپذیرد، کلامی دربارنا میسن
حقوق توده های دهقان و زحمتکشان کردستان
نمیتوان یافت. ثالثاً - آنچه که حزب دمکرات
بعنوان "دمکراسی برای ایران و خودمختاری
در کردستان" تبلیغ میکند، علیرغم ظاهر
فریبنده این شعار، عملاً شکاری است که حزب دمکرات
تحت لوای آن، توده ها را می فرساید، با نیروهای
کمونیست و توده های انقلابی درگیر میشود و
سیاست سازش خویش را با ارتجاع توجیه میکند.
در دوره اول جنبش مقاومت، حزب دمکرات
با رها و بارها به تعهدات خود در هیئت نمایندگان
خلق کرد پشت پا زد و سعی کرد به سازش با رژیم
برسد، ستونهای ارتشی را که برای سرکوب خلق
کردنقل و انتقال میکردند، اسکورت و حمایت
کرد، در برابر طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگان
خلق کرد (علیرغم کلیه نواقصی که این طرح
داشت) به راه طرح شش ماده ای خود پرداخت و
حاضر شد حتی با اصلاحات این طرح از جانب رژیم
که در واقع همان طرح "خودگردانی" فروهر و
دولت موقت بازرگان بود موافقت کند. در
حالی که توده های خلق کرد در مدتی دست یابی
به حقوق ملی و طبقاتی خود که سالهاست
وسيله رژیمهای ارتجاعی حاکم در ایران، لگد
مال شده بود، میسوختند.

در دوره دوم جنبش مقاومت از موضع کاملاً
متزلزل و مماشات حوابع و آتیم تحت فشار
توده ها و از موضعی ضد انقلابی حاضر شد جنگ بر -
علیه تاج و نیروهای سرکوبگر رژیم به خلق کرد
گشت. حزب دمکرات در این دوره همچنان که
تلاش میکند با ارتجاع حاکم در ایران قرارداد
های سنگین و ارتجاعی ببندد، از آنجا که
تفاذهای درونی هیئت حاکمه این امکان را
کمتر محتمل میسازد به تلاش جهت سازش و وابستگی

آکاهی طبقاتی زن کارگر تبدیل شده اند. از
این بحث واضح است که میتوان مغزنی تحرک
جنبش زنی را بسازد و راه را از زنده کرد
ولی تنها از طریق یک برخورد خاص به او و تنها
با استفاده از روشهای مخصوص کار در میان زنان
(نقل از "مبارزه زنان کارگر" کولونتسای
تا کیدازماست)

حال پس از اینکه مطالبی در رابطه با
روشن شدن چرایی کار در میان زنان مطرح شد
مسئله چگونگی کار در میان زنان مطرح میشود

لنین گفت: این چیز تازه و واقعی نیست
اجازه ندهید که شما را منحرف کند، چرا در هیچ
جائزها در زنان در حزب به اندازه مردان است،
حتی در روسیه شوروی؟ چرا مقدار زنان در
اتحادیه های کارگری اینقدر کم است؟! پس
واقعیت به شخص غذای فکری میدهند و در کردن
ضرورت گروههای خاص برای کار در میان توده -
های زنان بخشی از طرز فکر بسیار اصولی و اساسی
و دوستان عزیز حزب کمونیست کارگران (**)

آنها بر این عقیده اند که تنها یک شکل از
تشکلات باید وجود داشته باشد. اتحادیه
کارگران. من راجع به آن میدانم هر زمان که
عدم تفا هم وجود دارد، یعنی هر زمان که فکر از
قبول حقایق واقعی - که باستی مورد توجه
قرار گیرند - آبا میکند، پرنسیپها از طرف
بسیاری از افراد انقلابی فکروالی سردرگم علم
میشوند، یعنی جاشیکه مغز از گرفتن واقعیات
مشخصی که با مورد توجه قرار گیرد متنوع
میوزد، این محافظان "خلوص اصول" چگونه
از عهده ضروریات تاریخ سیاست انقلابی ما بر
میآیند؟ هم این حرفها در مقابل ضروریات
سنگدل فرو میریزند، ما نمیتوانیم دیکتاتوری
برولتا را بدون پشتیبانی میلیونها زن
برقرار کنیم ما باید برای یافتن این راه
مطالعه و تحقیق کنیم.

بنا بر این برای ما کاملاً صحیح است که
خواسته های به نفع زنان را مطرح کنیم.
این یک برنامه حداقلی با برنامه ای فرمیستی
با محتوای سوسیال دمکراتیک - از نوع انتز
- ناسیونال دوم نیست. این نشاندهنده آن
نیست که ما به بورژوازی معتقدیم و دولت آن
برای همیشه حتی برای مدتی طولانی پایدار
خواهد ماند یا این کوششی برای آرام ساختن
توده های زنان با رفورها و منحرف کردن آنها
از راه مبارزه انقلابی نیست این چیزی از
این نوع نبوده و همچنین نوعی لاف فرمیستی
نیست.

همچنین کولنتای رهبر برجسته جنبش
زنان زحمتکش در روسیه چنین میگوید:

"این طبیعی است که حتی روانشناسی زن
در طی قرنها بردگی، از مردم طبقه کارگر متفاوت
باشد. مرد کارگر مستقل تر، مصمم تر و واقعا طعنه
نموده، احساس همدردی بیشتری دارد، آفاق دید
او بدان جهت که منحصر به کار محدود و فانیسی
و روابط خانوادگی نیست، وسیعتر است. برای او
آسانتر است که به منافعه خود آگاه شود و آنها
را به مشکلات طبقه اش ربط دهد. ولی برای زن
کارگر رسیدن به این پختگی دیدمرد کارگر
متوسط، به معنی قطع رابطه با سنن، تصورات
اخلاقیات و روسومی است که از گهواره بخشی از
وجود او شده اند. این رسوم و سنن که سببی در
نگهداشتن زن در مرحله قبلی تکامل اقتصادی
دارند، به موانع صعب العبوری در راه کسب

کنفرانس غیرمتعهدان یا متعهدان به امپریالیسم؟

بدنبال ساختن پیروزمندان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی و بلافاصله پس از پیروزی کشورشورها به رهبری رفیق استالین در جنگ فدفا شستی، امپریالیسم غرب و بخصوص امپریالیسم آمریکا جنگ تبلیغاتی گسترده‌ای را علیه شوروی سوسیالیستی و کمونیسم شروع کرد. امپریالیسم جهانی می‌کوشید تا چهره‌ها بنساک کمونیسم را لجن مال کرده و با "جنگ سرد" و شانتاژ اتمی شوروی سوسیالیستی را بزنند و آورده و کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را نسبت به سوسیالیسم و انقلاب بی اعتماد سازد. اما برخلاف خواست امپریالیسم عشق کارگران و زحمتکشان نسبت به شوروی فروزان‌تر گردیده و مبارزات و انقلابات طبقه کارگر و خلقها بعد از جدیدی بخود می‌گیرد. در همین دوران تیتوئیسم به مثابه نیروی ذخیره امپریالیسم جهانی وارد کارزار علیه سوسیالیسم و انقلاب خلقها میگردد. تیتوئیسم همسوی امپریالیسم از یکسویه تعارض علیه شوروی سرخ و رفیق استالین بلند شده و از سوی دیگر برای نگاه داشتن خلقها و انقیاد دیردگی امپریالیستی به راه یکسری تئوریهای امپریالیستی دست می‌زند که از جمله تئوری ضدانقلابی "کشورهای غیرمتعهد" است. تیتوئیسم به مثابه یک جریان رویزیونیستی می‌کوشد تا با اتکا به این تئوری به طبقه کارگر و خلقها و نمود سازد که میان سوسیالیسم و امپریالیسم "راه سومی" وجود دارد و انقلاب به مثابه یک راه راهائی ضرورت خود را از دست داده است چرا که در کشورهای تحت سلطه رژیمها تحت در حاکمیت میباید شند که نسبت به امپریالیسم "غیرمتعهد" بوده و "فدا امپریالیست" بشمار می‌آیند. رویزیونیستهای یوگوسلاوی معتقدند که امروز کشورها مستقل میباشند و آنها می‌توانند با وارد شدن در دایره یوگوسلاوی "نا تو" و "ورشو" غیرمتعهد "باقی مانده و نشان دهند که می‌توان نیروی جدیدی تشکیل داد که در برابر امپریالیسم و شوروی قرار دارد. آنها بر آنند که در اوضاع کنونی وظیفه اساسی اینست که ثروت جهان بطریقی "عادلانه تر" و "منطقی تر" تقسیم گردد و امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم شوروی به کشورهای عقب مانده "کمک کنند تا آنها توسعه یابند. و به همین خاطر باید تشکیل کنفرانس های بین المللی، سمیناها، مباحثات مذاکرات و امتیازات متقابل با حسن نیت به تغییر جهان و برقراری صلح جهانی کمک نمود رویزیونیستهای یوگوسلاوی بر اساس تئوری امپریالیستی خود میخواهند چنین اشته دهند که می‌توان یک "جنش از کشورهای بیطرف و



مستقل از دایره یوگوسلاوی "برپا ساخته که با اتکا به آن و با افشار آوردن بروی "بزرگها" آنها را وادار به چشم پوشی از سیاست توسعه طلبانه نمود در حقیقت رویزیونیستهای یوگوسلاوی در زمانی که شوروی هنوز یک کشور سوسیالیستی بود در برابر اردوگاه بزرگ سوسیالیسم قرار داشت می‌کوشیدند تا چنین نشان دهند که کشورها می‌توانند با شند که مخالف سرخ است و اردوگاه سوسیالیسم بوده اما کامکان "مترقی" باقی می‌مانند. آنها در پی آن بودند تا چنین وانمود سازند که می‌توان بر ضد شوروی سوسیالیستی بود در عین حال مستقل از جهان امپریالیستی قرار داد و "نیروی سوم" را تشکیل داد. تیتوئیست ها با تئوری ارتجاعی خود بر ما هیست کشورهای تحت سلطه یوگوسلاوی که بطرق مختلف با جهان امپریالیستی پیوند داشته برده می‌انداختند و در حالیکه این کشورها جزو اردوگاه امپریالیسم جهانی بودند آنها را "غیرمتعهد و مستقل" وانمود می‌نمودند. در واقع تیتوئیست چنین شرایطی به مثابه نوکری امپریالیسم جهانی عمل می‌کرد و در شرایطی که سرمایه داری جهانی در بحران قرار گرفته و احتمال ضربه ای جدی شده بود با حمله به اردوگاه سوسیالیستی نشان می‌داد که عملاً با سادار سرمایه جهانی و یوگوسلاوی بین المللی میباید. پس از اینکه شوروی به یک قدرت امپریالیستی تبدیل گردید تیتوئیسم کامکان به مثابه عامل تخریب کننده در انقلابات خلقها و طبقه کارگر عمل کرده و خود را همچنان با سادار نظام کهن نشان داد. این جریان یوگوسلاوی با تئوری نواستعماری "کشورهای غیرمتعهد" در پی تحمیل طبقه کارگر و خلقها بر آمده و می‌کوشید تا از انقلاب توده ها علیه یوگوسلاوی حاکم جلوگیری نماید. تیتوئیسم بر آن بود تا بگوید که کشورها می‌توانند در در پیمن نظامی و روشنا تونشده اند، مستقل از جهان امپریالیستی بوده و این کشورها می‌توانند از طریق فشار، انحصارات امپریالیستی را کاملاً به گام محدود سازند و بنا بر این دگرگونی بنیادی و واژگونی طبقه ارتجاعی حاکم لزومی ندارد. این تئوری می‌کوشد تا طبقه کارگر و خلقها را از مبارزه واقعی علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم منحرف ساخته و رژیمهای مترجع حاکم در کشورهای تحت سلطه را "مترقی"،

"دمکرات"، "فدا امپریالیستی" و حتی "سوسیالیست" وانمود سازد. برپا به این تئوری امپریالیستی بود که تیتوئیستها برخی از شخصیت های کشورهای تحت سلطه را بدنبال خود کشیده و با کسب وجهه، خلقهای جهان را بغیرید و امپریالیسم و یوگوسلاوی را از زیر ضربات مبارزات انقلابی توده ها برها ند. تیتوئیسم همراه نهر و ناهوسوکارانو از جمله بنیان گذاران "جنش کشورهای غیرمتعهد" شدند. اولین کنفرانس "غیرمتعهد" ها در سال ۱۹۵۵ در شهر پانکوف در اندونزی تشکیل شد. در پایان این کنفرانس دو اعلامیه صادر شد که در یکی از آنها امپریالیسم آمریکا و شوروی دعوت شده بود که برای اجتناب از یک برخورد جهانی با هم تماس برقرار کنند و دیگری که "مشاور کشورهای غیرمتعهد" نامیده شد. آموده بود که دولتهای شرکت کننده در این کنفرانس نیز اجتناب از پذیر بودن جنگ و با حتی جن سرد را رد می‌کنند و اصول همزیستی مسالمت آمیز را تنها انتخاب در مقابل جنگ سرد و خطر احتمالی یک فاجعه بزرگ ناشی از جنگ هسته ای بشمار می‌آورد. بدین ترتیب کنفرانس بر ماهیت امپریالیسم برده سازانداخته، جنگ را کذا می‌امپریالیسم است اجتناب پذیر دانسته و بجای مبارزه انقلابی خلقها علیه امپریالیسم "اصول همزیستی مسالمت آمیز را تنها انتخاب" بشمار می‌آورد. حال آنکه از نظر کمونیستها و از نظریه کشورهای سوسیالیستی انترناسیونالیسم پرولتری اساس سیاست خارجی یک قدرت پرولتری را تشکیل میدهد و خلقها هیچ راه دیگری برای نجات ندارند جز مبارزه و انقلاب علیه ارتجاع و امپریالیسم و آنها هرگز فراموش نمی‌کنند که تا زمانی که امپریالیسم هست جنگ وجود دارد و جنگ امپریالیستی فقط با جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و امپریالیسم است. امپریالیسم از بین می‌رود. کنفرانس "غیرمتعهد"ها "در پی آنست تا جنگ را به عنوان معمول تهاذهای طبقاتی نادیده گرفته و از ذهن خلقها آرد و سازد و صلح اجتماعی در شرایط حاکمیت امپریالیسم و یوگوسلاوی را تبلیغ نماید. جالب است که جلسات اقامت دی "غیرمتعهد"ها که در سال ۱۹۶۲ در قاهره تشکیل میشود طبق مدواریک اعلامیه از "کشورهای صنعتی تقاضای کمک اقتصادی می‌نماید. به معنای دیگر اعلامیه همچنان خواستار ادامه نفوذ کشورهای امپریالیستی در کشور های تحت سلطه گردیده و ما هیست تجا و زگران و توسعه طلبانه امپریالیسم را می‌پوشاند. نگاهی به کنفرانس اخیر "کشورهای غیرمتعهد" که با شرکت ۹۶ کشور در هلی نویر گزار شد، یکبار دیگر ما هیست ارتجاعی این کنفرانس را آشکار می‌سازد و نشان میدهد که نه تنها کشور های شرکت کننده در آن متعهد به امپریالیسم جهانی هستند بلکه علاوه بر آن، این کنفرانس نیز برداشتن کوچکترین گام فدا امپریالیستی نیز

قیام ۲۹ بهمن تبریز، پیش درآمد قهر انقلابی زحمتکشان علیه سرمایه داری وابسته

توده به درباری از بارگاه جلاذ خلقهای ایران مشغول بودند. مردم زحمتکش با حمله به مظاهر مملکتی و استعماری بر سر تخت قهرآزمی بودند. مبارزه بر علیه رژیم شاه صدها گدا شدند و جالب اینکه حرکت انقلابی مردم تبریز، اعتراض جزب ورتکسته توده را که سالها خیانت او ما هیتیش را روشن کرده بود، برانگیخت و این حزب ضد خلقی در ورطه پاره های خود، قیام شورا نگیز زحمتکشان تبریز و آتش زدن بانکهای وابسته به امپریالیسم، سینماها و دفاتر حزب رستاخیز شاه را، کار عده ای "ساواکی" و "ماجران" گبه "قصد برهم زدن آراش و ایجاد آتش" دارند. قلمداد نمودن و بار دیگر خیانت خود به خلقهای ایران را به اثبات رسانید.

شکوه و عظمت خیزش انقلابی تبریز در این بود که بعد از سالها خفقان و استعمار سرای اولین بار رژیم ضد خلقی شاه با حرکت عظیم یکپارچه و متحد مردم و پیرو شد، حرکتی که در روند خود، مبارزات عمدتاً مسالمت آمیز توده ها ابعاد قهرآمیز با شکوهی بخشید و آتش انقلاب در سراسر ایران را داغ زده، آری، زحمتکشان ستمدیده تبریز در نبرد رویا روی با رژیم شاه با شهادت قهرمانان خود حمله به آفرینند با این امید که هر آنچه که مظهر استعمار طبقاتی است برانداخته و با سالی تریب خواست خلق که همانا توده بودی سیستم سرمایه داری وابسته بود، دست یابند، اما بعلمت عدم وجود حزب طبقه کارگر و رهبری تا به آخر انقلابی آن، برجست خلقهای ایران، سازشکاران و عوام فریبانی بر مواج انقلاب توده ها سوار شدند که هدفی جز حفظ سیستم ضد خلقی و استعمار - گران سرمایه داری وابسته نداشتند و جز به استعمار زکا رگران و زحمتکشان و خلقها و سر - کوب مبارزات آنها نمی اندیشند.

اکنون سه سال از روز قیام خونین و حماسی مردم تبریز میگذرد. بعد از دو سال که رژیم شاه سرنگون شد و رژیم جمهوری اسلامی جای آنرا گرفته، زحمتکشان تبریز همچون دیگر خلقهای زحمتکش سراسر ایران، در مقابل مبارزات خویش برای تحقق خواسته های انقلابی، ناز و کشتار و خفقان چیزی نصیبشان نشده است. ماضی گرامیداشت این روزها شکوه سرآغاز جنبش حماسه آفرین دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران بود، از تجربیات گرانقدر قیام تبریز و خلقهای سراسر ایران، درس مبارزه و مبارزه برای ایجاد حزب طبقه کارگر و تان مین رهبری این طبقه برانقلاب توده ها، مبارزات خود را بر ضد رجوع حاکم و در جهت خواست انقلابی شهدای قیام تبریز - عمق می بخشیم

سال ۱۳۵۶ اولین جوانه های جنبش انقلابی توده ها در مبارزات خارج از محدوده زحمتکشان بی مسکن در اعتراضات کارگری، مبارزات انقلابی دانشجویی و... شکوفه میزند. تظاهرات انقلابی مردم مبارزه و شهادت عده زیادی از آنان، آغاز انقلابی پرشکوه را نوید میدهد. روز ۲۸ بهمن است. کارگران و زحمتکشان ستمدیده تبریز که قافله نشان از بار سنگین سالها فقر و ستم و استعمار رژیم ضد خلقی شاه خمیده گشته است، همدیگر را به شرکت در تظاهرات ۲۹ بهمن دعوت میکنند. در کارخانه ها، خیابانها، کوچه ها و بازارها فقط یک سخن است: فردا نبردی بی امان با رژیم وابسته - امپریالیسم شاه در پیش است. با یادر و آواز - های انقلاب را گوشید. پیروزی از آن کارگران و توده های زحمتکش خلق است.

روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ آتش قیام از زیر خاکستر خفقان سر برآورد و مردم زحمتکش تبریز - خیابانها ریختند، زن و مرد پیرو جوان همه و همه خیابانها را به عرصه نبرد خود با رژیم ضد خلقی شاه تبدیل کردند. جنبش انقلابی مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۵۶ طلبه ها شکوه طوفان انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران بود. در این روز بعد از شهادت یکی از زحمتکشان تبریز در مراسم بزرگداشت شهدای قم در ۱۹ دی موج خشم و نفرت انقلابی بی - پایا ن خلق سراسر تبریز را فرا گرفت. مردم زحمتکش هر آنچه را که نشان از رژیم وابسته امپریالیسم شاه در آن یافت میشد به آتش کشیدند و هر آنچه را که مظهر سرمایه داری وابسته و منشاء سالها فقر و ستم و گرسنگی بودند با خود کرده و با نیکو، سینماها، مراکز وابسته به رژیم را بدست توانای خود به آتش نفرت انقلابی خود سوزاندند. آنها بی پروا و مصمم متحد و یکپارچه به ارتش ضد خلقی مستقر در خیابانها حمله کردند و توده ها فراز آنها را به هلاکت رساندند. در این روز صدها نفر از زحمتکشان تبریز در خون خویش در غلظیدند. آری، قیام مردم تبریز جرعه - ای بود که مبارزات خلقهای سراسر ایران را به انقلابی قهرآمیز و طوفانی تبدیل کرد که در قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۵۷ طومار عمیق - سنگین ۵۰ سال رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی را درهم پیچید.

حرکت انقلابی و یکپارچه مردم زحمتکش تبریز، پاسخی انقلابی و دست ردی بر سینما سازشکاران و رویزیونیستیهای خاشاک حزب توده بود. جنبش قهرآمیز مردم زحمتکش تبریز بر تمام می توطئه ها و حیلها با سازشکاران غلط بطلان کشید و نشان داد که تنها و تنها در دست قیامی انقلابی قهرآمیز می توان انقلاب را پیش برد. در آن زمان که لیبرالها و حزب خاشاک

ناتوان میباید و عملاً صحنه رقابتی کشورهای وابسته و با متقابل به یکی از دو قدرت امپریالیستی یعنی آمریکا و شوروی بشمار می آید. در حقیقت همگسختیهای شرکت کننده در کنفرانس به طرق مختلف وابسته به سرمایه جهانی بوده و فراتر از آن یکسری از این کشورها سرسپرده به یکی از دو قدرت بزرگ امپریالیستی میباشند. آیا مصر، پاکستان، عربستان سعودی، اندونزی غیر متعهد به امپریالیسم هستند و یا کارگزار مستقیم امپریالیسم جهانی آمریکا بشمار می آید؟

آیا افغانستان، کوبا، اتیوپی، بنگال جنوبی مستقل میباشند و یا هندو و وابسته به امپریالیسم جهانی نغوا شوروی محسوب میشوند؟ این کشورها از نقطه نظر سیاسی، اقتصادی نظامی و دیپلماتی، کاملاً در چهار چوب منافع امپریالیستی حرکت کرده و فاقد هرگونه حرکت مستقل میباشند. آیا کشورهایی مانند یوگوسلاوی، هند، سوریه، ایران، عراق، الجزایر مستقل و غیره ستمدیده هستند؟ نگاهی به مابین طبقات و اقتصادها کم در این کشورها و مناسباتی که میان این کشورها و جهان امپریالیستی وجود دارد، نشان میدهد که این کشورهای نه تنها جزو لاینفک اردوگاه امپریالیسم بوده، بلکه با صدها رشته اقتصادی، سیاسی به جهان امپریالیستی پیوند میخورند. این رژیمهای سرمایه داری که مدافع بورژوازی مرتجع بوده، طبقه کارگر و زحمتکشان را با شدت و بطور مستمر سرکوب کرده و هزاران قرارداد نامی و اقتصادی و فرهنگی با امپریالیستها امضا کرده اند هرگز و هرگز غیر متعهد نمی ترسند با نیکو، رژیمهای مرتجعی که حافظ شرکتها و بانکهای امپریالیستی در کشور خود بوده و مدافع نظامی میباشند که نه تنها تانک مین کننده سودها کثرت نصیارات بلکه سرکوب کننده طبقه کارگر و خلقها میباشند. نه مترقی و مستقل هستند، نه دمکرات و انقلابی بقیه در صفحه ۱۷.

سیل در زاهدان

در روز شنبه ۷ بهمن ۵۹ بدنیا لریل - ش باران مداوم، محله با بلایان را که در دامن کوه قرار دارد سیل فرا گرفت. و بیش از ۵۰ خانه ویران و بدها خانه دیگری آسیب جدی وارد نمود. رژیم جمهوری اسلامی که شب و روز دم از حمایت از "شست و شوی" میزند کتیبی توجه را به سیل زدگان ننموده است. این محله از محلات زحمتکشان زاهدان است. وجاری شدن سیل خسارات جدی بر زندگی آنها وارد نموده است.

بدنیا لریل - ش، سیل رفقای زاهدان بیاری سیل زدگان شتافته و در جدا مکان به آنان کمک رسانند. مختصر شده از خبر دیلوچ شماره ۶۰ (ضمیمه)

هنرمقاومت هنرپرولتری

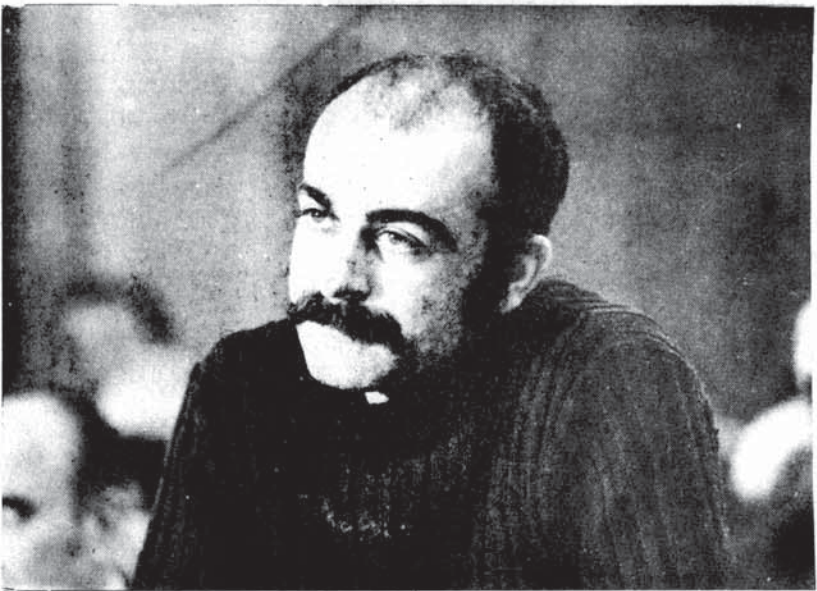


شکسته و سفاکین شمال، در آوازه‌های خاموش ما هیگرا، درون کپره‌های حاشیه‌کویبر، در کارخانه‌ها و کشتزاران از غلنج تا خزر از کناره ارس تا ساحل کارون زنده ماند.

اما زندگی این رفقا نه تنها بمثابه یک انقلابی، بلکه بعنوان یک آفرینشگر هنرمحاور در سبک‌های گوناگونی است که با یدهنرمندان خلق آفرینند و در خدمت انقلاب بیولنا ریابا توده‌های زحمتکش قرار دهند.

ما اکنون قدم‌ها را از راه‌های مختصر میراث گل‌سرخ‌ی در زمینه هنر و یادآوری دست - آوردها و محدودیت‌های هنراست، زیراهنج ستایشی برای یک شاعر کمونیست، عظیم‌ترازان نیست که اجازه ندهیم، زندگی اش به افسانه‌ای

خسرو گل‌سرخ‌ی: سرود خوان انقلاب تا آخرین قطره خون



● هیچ ستایشی برای یک شاعر کمونیست، عظیم‌ترازان نیست که اجازه ندهیم، زندگی اش به افسانه‌ای مرده تبدیل شود و یکوشیم چونا واقعیتی زنده دستاورد ها و معدودیت - هایش را با زشناسیها هرچه استوارتر راه کمونیستی اش راهی گیریم.

مرده تبدیل شود و یکوشیم چونا واقعیتی زنده دستاورد ها و محدودیت‌های اش را با زشنا سیم تا هرچه استوارتر راه کمونیستی اش راهی گیریم. در عرصه هنر، اهمیت رفیق گل‌سرخ‌ی در آفرینش هنری است که در آن عشق به مبارزه، وفاداری به آرمان‌های توده‌های ستمدیده، ستایش انقلاب، برانگیختن احساسات آشتی - ناپذیر، ضدیت با همه‌جوانب هنرا رجاعی و ضد انقلابی، تجلی با رزی یافته است. در واقع رفیق گل‌سرخ‌ی در عرصه هنر، در قالب شاعری ظاهراً که بنحواش ناپذیری با قیدوبندی هنر، با موازین و سبک‌های بورژوازی در هنر، با دیدگاه‌های منحن زبانی - شنا سانه‌ویا هنری که از فرط ملال و سن بیرونی و یاس و ذهنی گراشی به منتهی درجه ورتکسته شده بود به مبارزه برخاست. او در زمینه هنرمحاور همجون زندگی خود، با

آبان در دفاعات رفیق کرامت رای تاریخ را می‌یافتند: "ایمان مایه بیروزی جنبش نویسن ایران و سراسر جوامع طبقاتی جهان عظیم‌ترین قدرت است و این را گویم که ما زکسیم هیچگاه موردخوشایند طبقه‌ها کم‌والبسکان آنها نیست". چگونه میلیون‌ها مردم تحت ستم، کارگران و دهقانان و زحمتکشان، کسانی که هرگناه‌دراهی رفقاقت و فداکاری در فریدی بیابند، بی‌شورترین حق‌شناسی اینا رگرا نه‌شان را نشان می‌کنند میتوانستند در عمیق قلب خود جاشی برای این دوفرزند آگاه خویش با زنگشایند؟ زمانی که جانیان، رسوا شده و شکست خورده از شعبده‌بازی خویش، رفیق کرامت و رفیق خسرو را به رگبارهای کینه‌بستند، نبوده‌ها رگرا نشان را با زگشودند تا خون دلیر و جوشان کمونیستی آنان در دشتان جاری شود، آنگاه میلیون‌ها گل‌سرخ‌ی، میلیون‌ها دانشان، در خانه‌های نمودار دبه، زیر سقفهای

سپیده‌دم ۲۹ بهمن هر سال، خاطره‌ای خوش و پرافتخار برای کارگران و توده‌های زحمتکش ما زنده میشود. ۷۰ سال پیش در چنین صبحگاهی رفقا خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت دانشان، پس از محاکمه‌ای که برای میلیون‌ها تن از مردم ستم - دیده ما، نماینده قهرمانان نه‌جهت رسوا نمودن گنبدی سرمایه‌داری، از سوی دو کمونیست بود، بدست دژخیمان رژیم آمریکا شایه، تیر - باران شدند. چرا تیرباران رفقا گل‌سرخ‌ی و دانشان، آنچنان اشرفرا موش‌شدنی و سرا نگیزا نبوده بر طبقات تحت ستم باقی‌مانده؟ پاسخ روشن است: زمانی که هزاران هزار تن از استعمارشوندگان، در سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، متحمل ددمنشانه‌ترین ستم‌ها می‌گشتند و تا زبانه‌های رژیم جلادانه، دمی پیکر رنج‌دیده‌شان را آتش‌ده می‌نهاد، آنان امکان یافتند با چهره فرزندان دلاوری آشنا شوند که وفادار به آرمان‌های سرخشان کام‌در راه مبارزه‌ای قهرمانانه شده و تا پای جان سازش‌ناپذیر و سرافرازانه از خلعشان دفاع نمودند. زمانی که رژیم‌ها پندار بوج بر راه انداختن نمایش پیروز می‌نمودند نه‌جهت بی‌اعتبار کردن آرمان‌های سرخ انقلاب و قدر قدرتی ستمگران، آن شعبده‌بازی را در دیدگاه خود برآه انداخت، آنان جلالت محاکمه را به دگاه خلق برای درهم‌کوفتن قدرت جنابکارانه سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها تبدیل کردند. توده‌ها بر صفحات تلویزیون، در قامت استوار و کمونیست، زندگی سرفرازان خود را دیدند، زنده بودن آرزوهایشان را دیدند، اجتناب - ناپذیری مرگ ستمگران و نابودی طبقات ارتجاعی را دیدند، عشق و ایثار آتشین در راه انقلاب را دیدند و دفاعیتی را شنودند که چونا آفتابی، تیرگی‌های ناآگاهی را میدریسد و روشنائی حقایقی انکارناپذیر را آشکار می - ساخت. آنان در رویتنا به رفیق خسرو فرساده فروخورده خود را می‌یافتند! اما ایمان دافته با شبکه حکومت غیرقانونی تا... در برابر زود انقلاب قهرآمیز توده‌های ستمکشیده ایران درووا زگون خواهد شد.

بقدا رصفحه ۱۲ **تداوم** ...

متن شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و انجام مبارزه ایدئولوژیک به حول خط منی و برنامه میسر است و هرگز نمیتوان بوسیله یک تشکیلات اشتقاقی از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و بطریق اولی از مبارزه ایدئولوژیک اصولی سخن گفت.

آنچه باید از نتایج عملی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" جمع بندی نمود، تا گزیری بوجود آمدن بحران در این "تشکیلات دوران گذار" است. آنچه که امروز در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، نتایج محتوم تن دادن به این تئوری ضد مارکسیستی است. بحرانی که امروزه در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، بحران یک تشکیلات اشتقاقی، انحلال - طلبانه و بیپولیتی است. اگر رفاخواهند بر بحران کنونی که نتیجه مستقیم ایجاد تشکیلات دوران گذار "وحدت انقلابی" است فائق آیند، راهی جزئی دیدگاههای اشتقاقی موجود در خود، یعنی تئوری "تشکیلات دوران گذار" و به تبع آن، یعنی عملی و تئوریک "تشکیلات وحدت انقلابی" ندارند. هرگز نمیخواهند که بر همان اصل ایجا دکننده بحران در "وحدت انقلابی" برسند و گذاشته و آنرا نادیده بگیرند هرگز نخواهد توانست به راه اصلی اصولی برای برطرف ساختن بحران تا مثل آدوهم از بیروت که می بینیم رفاخواهان هنوز نتوانسته اند به راه حل بحران واقع گشته و بجای نفی شکل خود و تئوریهایی که وجود آنها تئوریزه می نمایند، به انتشار مبارزه ایدئولوژیک لوزیک غلبی بعنوان راه حل پرداخته اند.

نگاهی به محتوای مبارزه ایدئولوژیک غلبی "وحدت انقلابی" بخوبی نشان میدهد که چگونه حتی رفاقی که به نفی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" دست یافته اند (دیدگاه سوم)، هنوز با تفکرات انحلال طلبانه پیشین قطع کامل پیوند نداشته اند و انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی خود بهترین گواه آن است.

انتشار غلبی دیدگاههای موجود در وحدت انقلابی بمثابه سیستم فکری نشان میدهد که اختلافات سیاسی، ایدئولوژیک در دوران این تشکیلات "اشتقاقی" تا چه حد عمیق است و بعد از درک این واقعیت بلافاصله این سوال مطرح میشود که این رفاقی چگونه نتوانسته اند با اینهمه اختلاف، فعالیت واحدی را دنبال نمایند و برآستی این رفاقی حول کدام یک از دیدگاهها به تبلیغ و ترویج و سازماندهی دست زده اند؟ اگر سه دیدگاه موجود را از نظر گرایش سیاسی تقسیم بندی کنیم باید بگوئیم بنظر ما دیدگاه سوم انقلابی ترین و سالمترین نظرات سیاسی، ایدئولوژیک را نمایندگی میکند (علیرغم برخی اشکالاتی که دارد) و دیدگاه دوم پورتونیستی - ترین نظرات را در درون "وحدت انقلابی" نمایندگی میکند و دیدگاه اول مواضعی - سائریستی و بینا بینی دارد.

آنچه از بررسی سدیدگاه در نگاه اول بر می آید سه موضوعی است متفاوت در برخورد با ساختار جامعه، قدرت سیاسی و وجود دارد. دیدگاه سوم رژیم حاکم را از جناح بورژوازی لیبرال و سودا گردانسته، هر دو را ارتجاعی و ضد انقلابی میداند و تا کتیک کمونیستها را بدستی مبارزه علیه هر دو جناح ارزیابی میکند. ساختار جامعه ایران را نیز بدستی سرما به داری ارزیابی نموده و تفکری را که هدف انقلاب را رشد سرما به داری آزاد میداند، به باد انتقاد میگیرد. در برخورد به "وحدت" نیز بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک تاکید کرده و تئوری "تشکیلات دوران گذار" را نفی میکند.

دیدگاه دوم که تئوریزه کننده تشکیلات دوران گذار است، ساختار جامعه را وابسته میداند به

میکند. او... هرکس با خواندن دیدگاهها ویی بردن به عمق اختلاف نظر سه جناح در مورد مسئله وحدت، ساختار جامعه، آرایش طبقات، ماهیت قدرت سیاسی، چشم انداز و... (اگرچه مواضع جناح سائری - دیدگاه اول - همانند جناح دوم و سوم که بشدت با هم مغایر است، روشن نیست (بلافاصله از خودخواهد پرسید علت این عمل (انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی) و حفظ تشکیلات "وحدت انقلابی" چیست؟

برآستی سه جناح جدا هدفی را از این مبارزه ایدئولوژیک غلبی دنبال میکنند که حتی از جنبش کمونیستی انتظار دارند از آن استقبال نماید؟ اولین نکته ای که باید در نظر داشت، این

آنچه باید از نتایج عملی تئوری ضد مارکسیستی "تشکیلات دوران گذار" جمع بندی نمود، تا گزیری بوجود آمدن بحران در این "تشکیلات دوران گذار" است. آنچه که امروز در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، نتایج محتوم تن دادن به این تئوری ضد مارکسیستی است. بحرانی که امروزه در "وحدت انقلابی" بوجود آمده است، بحران یک تشکیلات اشتقاقی، انحلال طلبانه و بیپولیتی است.

سرما به داری بودن مناسبات تولیدی اعتقادی ندارد. (البته آنچنان که در این نوشته خود ادعا میکند، هنوز در مورد ساختار جامعه ایران موضعی ندارد.) او این دیدگاه معتقد است هدف انقلاب دمکراتیک جایگزین نمودن مناسبات تولیدی دیگری (بورژوازی آزاد؟) بجای مناسبات تولیدی حاکم (بورژوازی وابسته؟) است.

این دیدگاه قدرت سیاسی حاکم را آنچنان در لهله با هم فرو برده است که سختی میتوان فهمید چه میگوید. خمینی را نوعی بنا پا رتسیم خوانده و در انتهای نیز همچنان هویت طبقاتی او و حزب را مسکوت میگذازد. چنین بنظر میرسد که جناح حزب را همانند حکومت بعضی های منتظمی مانند نظرات این جناح در این باره روشنتر شود، همچنین در مورد "جریان موسوم به بورژوازی لیبرال"، منتظر روشن شدن نظرات اینان هستیم. این دیدگاه گویا اساسا جناح بورژوازی لیبرال حاکم را لیبرال نمیداند. (شاید آنرا بورژوازی ملی میدانند.) و همواره از جناح بنی صدر بعنوان جناح موسوم به "بورژوازی لیبرال" یاد میکنند و مبارزه با آنرا در این شرایط بصورت مستقیم درست میدانند. این دیدگاه جنبش اعتلائی توده ها را نفی نموده، تنها مل جنبش کمونیستی ایران را شکست خوانده! و با سیفیسویس را تئوریزه می نماید!

دیدگاه اول جناح حزب را نمایندگی مینماید و تا آنجا که در گذشته و معتقد است کل حکومت ارتجاعی است، لیکن در این شرایط نوبت حمله با دید متوجه حزب با شکستهای که هر دو جناح را یکسان میکوبند دچار رجب روی شده و عملا به بورژوازی خدمت

مسئله است که با غلبی شدن مبارزه ایدئولوژیک در "وحدت انقلابی" انحلال تشکیلات علنا رسمیت یافته و شدیدا تر گشته است. چه در حقیقت به حول سه دیدگاه سه فراکسیون شکل گرفته است. و طبیعتا هیچکس حاضر نخواهد بود، نظرات دیگری را تبلیغ و ترویج نمایند، از اینرو انتشار مبارزه ایدئولوژیک درونی بصورت غلبی، امکان تبلیغ و ترویج و سازماندهی بر اساس یک مضمون واحد را از این تشکیلات گرفته و آنرا در مبارزه طبقاتی شدیداً با سوتیر از آنچه هست می نمایند این امر چیزی جز تداوم و تشدید انحلال عملی تشکیلات نبوده و موجودیت آنرا زیر سوال میبرد. با در نظر گرفتن این نکته، اکنون باید پرسید، هدف از انتشار مبارزه ایدئولوژیک غلبی چیست؟ آیا این امر با زهم در خدمت تداوم انحلال طلبی قرار ندارد؟ آیا همچنان که در بالا گفتیم این انحلال طلبی بصورت کاملاً شدیدتر، دنباله عملی نموده؟ آیا این فراکسیون سائری که خود عملی انحلال طلبانه است کمتر شایسته است؟

فرض کنیم که با سخ چنین باشد که ما هنوز مواضعمان را کاملاً تئوریزه ننموده ایم و این مبارزه ایدئولوژیک غلبی در خدمت منجمت تر نمودن نقطه نظرات هر یک به منظور جلب توده های بیشتری از "وحدت انقلابی" بگردان نظرات و در پی آن انشعاب است.

بنظر ما چنین درکی اگر وجود داشته باشد، تداوم همان تفکر آکادمیستی و انحلال طلبانه در برخورد به ارتدوین تئوری انقلاب است چه اولاً زمانی که حیات یک جریان سیاسی از مبارزه طبقاتی قطع گردد و تشکیلات واحدی وجود نداشته باشد که بتواند به حول سیاست واحدی، فعالیت

منتشر شد

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران
کتابخانه تخصصی مبارزات دگوارانه
طبقه کارگر و خلقهای ایران

تظاهرات...

شماره ۳۰ از مجله ۳۰ تظاهرات...
لارم سا دآوری است که زور نسل (شماره ۱۱/۱۱/۵۹)
توزیع راهبیمائی موعی نه همین مناسب در
خسان شریعتی از سوی هواداران سازمان
ترتیب داده شده بود.

کمیته کلان
همزمان با انجام این تظاهرات در محله
صمدبهرنگی یک درگیری بین ساکنان آن جهل
وسرمایه از یکطرف و معاهدین خلق از سوی دیگر
جریان داشت که در آن یک مادر معاهدین سن ارجحی
شدن فرزندی و کلاوز شدن با ساکنان دچار
تا راختن قلمی شده و شهید میگردد. محله مرور تا
امروز ۲۵ بهمن همچنان در محاصره است و تعدادی
در نتیجه نبراداری ساکنان رجمی شده اند.
ضمنا برخی از محلات رشت در معرض محاصره
و خانه گردی است شبها ساکنان مترصدند
امراد جوان عا سزا مشکوک قلمداد کرده دستگیر
نمایند.
عصر غمناورها، زدو خورد ها و شهادتها
سازات خلق طلبانه توده های خلق در جهت ادامه
انقلاب ادامه دارد.

است از اسرودردوران این سکیلات هرگاه دو
نظرینفا و متعاندست به این مسئله وجود
داشته اند که در انعکاس خود را دریا بر موارد
سریان خواهد داد (که همان داده است) لکن
تنها عامل "وحدت" نخشده به اعلی ترین عامل
اجادحران و اختلاف تبدیل شده است و این
خودبه تنهایی کافی است تا ادامه حرکت
"وحدت انقلابی" را بر سر سوال برد.
با توجه آنقدر این محصر گفتم نام نمی -
توانیم مبارزه اندولوزیک علنی به دیدگاه
"وحدت انقلابی" را با سخ مناسبی به حل معضلات
آمان ارزایی نما شیم و آرا هر چند مدتی که به
طول انجامد، خود در حد انحلال طلبی، با سهمیم
آسی طلبی و مبارزه اندولوزیک آکا دمستی
نمندا سم و یوز به رفقای جا حل دیدگا ه سوم
کوسرد منگم که برخلاف نظر شما و برخلاف نسبت
شما ادامه جنبش روندی، همان مطالبات
لسبرالستی (در علنی کردن مبارزه اندولوزیک)
آشتی طلبانه و آکا دمک و انحلال طلبانه ای
است که دیدگا دوم مطالب آن است و بی جهت
نیست که او نیز از مبارزه اندولوزیک علنی
فعالانه دفاع کرده است. با اینهمه برخورد به
پروسه بعدی حرکت "وحدت انقلابی" امری است که
تصمیم آن مربوط به خود "رفقای وحدت انقلابی"
منباند. اما ما می شک خود را موظف به نقویت
ارمقا، مواج دیدگا سوم که ازینا پسبیل
انقلابی سمرات بیشتری بر خورد راست و افشای
نظرات حما جهای دیکرو یوز به دیدگا ه ابوریوستی
دوم میدا سم و در این راه مبارزه اندولوزیک
را سهم خود دامن خواهد سرد در عین حال که ار
کوشش برای توضیح در کهای نادرست و انحرافی
رفقا از انجام این مبارزه اندولوزیک علنی،
کوبای نخوا هم کرد.

ند و موجودیت خود را نوجه می نما شد و آشتی
- طلبی را به شما پس نمیکارد؟ زمانی که مرز -
سندی های موجود در هر جریانی بینک
اختلاف نظراتی سیاسی - اندولوزیک سناحاید
ند و همزیستی و سازش سخت نموان عدم انجام
همه مواج سیاسی، شوریک عملا بیوستی است
برای ند و آشتی طلبی موجود ادر بر خورد به
وحدت انقلابی سمر همچنان که می سبیم اختلافات
پس دیدگا ههای موجود باسی است و ند و ام
موجودیت این شکل، از طرفی مانع حرکت فعال
رفقا در مبارزه طبغایی میشود و از طرف دیگر
آشتی طلبی را مطلق نمودن امر انسجام
سیاسی - اندولوزیک مواج ند و امی بخشد!
از اسر و نظر ما علنی کردن مبارزه اندولوزیک
دروسی، راه بر طرف نمودن حران و وحدت انقلابی
نموده و سبها انحلال طلبی، آکا دمست و آشتی طلبی
را سخت بیوشن نویس ند و امی بخشد.
از اسر و نظر ما رفقای، وحدت انقلابی به
حول مبارزه اندولوزیک دروسی که براه انداخته -
اند، می ناست، از یکدیگر جدا شده، و اگر حفظ
می برولتری در جنبش کمونیستی می ناستند.
و ادر بر یوز مبارزه اندولوزیک دروسی نا
آن سبر و به منظور سیاسی به وحدت شده و در عین
اینصورت می ناستند اعلام موجودیت نموده، ضمن
برکت در مبارزه طبغایی به مبارزه اندولوزیک
با سرحرا بهای حسن کمونیستی بردا خه و
سدریج ضمن مسخر نمودن مواج خود، در امر
ندوسن تئوری انقلاب و ارگانال آن در تحقیق
و جذب حسن کمونیستی نکوسند.
در بیان نایدروی این موضوع بکجه کنیم
که آنچه "وحدت انقلابی" را بهم جوش داده است
توافق دیدگا ههای مربوط به مساله وحدت بوده

واحدی را دنبال نماید، آنگاه ما بیدرسند آن
مبارزه اندولوزیک که صورت نمیکرد، چه چیزی
جز آکا دمست و درک روسفکرا به ارمسار ره
اندولوزیک است؟ وضعیت این است که
"وحدت انقلابی" عملا به سه فراگسبون تبدیل
گشته است و مضمون و سیاست واحدی بر فعال نیست
آنها حکم فرمائی می نماید. اکنون ما بیدرسند
کفن سکیلات نموان ابرار ما دست بخشدن به
سیاست حاکم بر آن چه میشود؟ جریقی و انحلال
آن؟ جز اینکه ما سعی سکیلات و احدها را بر شرکت
در مبارزه طبغایی است، مبارزه اندولوزیک
عملا از مبارزه طبغایی جدا گس و به فعال نیست
آکا دمک و روسفکرا به تبدیل میشود، با این
جزند و ام انحلال طلبی است؟ انسجام مواج سیاسی -
اندولوزیک هر یک از این حما جها، سبها در
پروسه شرکت فعال در مبارزه طبغایی است که
حاصل میشود، نمینوان از شرکت در مبارزه
طبغایی و تبلیغ و ترویج و سازماندهی خود -
داری نمود و عملا مشغول "انسجام بخشدن" به
مواج بود. این درک که انسجام مواج
اندولوزیک - سیاسی را حد از بر و سه طولانی
شرکت فعال در همه ابعاد مبارزه طبغایی
دنبال میکند، به سبها درکی آکا دمستی و
انحلال طلبانه است، بلکه مسئله انسجام مواج
سیاسی - اندولوزیک را مطلق میکند. رفقا
آیا انتساب اقلیت فدائیان از اکثریت می -
بایست موکول به انسجام همه جا به سیاسی -
اندولوزیک کلیه مواج آنان میگفت. آنا
چنین درکی، دید مطلق نگرا نه ای راست به
مسئله انسجام مواج سیاسی - اندولوزیک
نشان میدهد و توسط همین مطلق کردن انسجام
همه جا به مواج سیاسی - اندولوزیک عملا

موضع مادر قبایل "قانون سود ویژه"

طی مبارزات گسترده خود در جهت افزایش میزان سود ویژه - در واقع در جهت افزایش دستمزدها - موفقیت‌های بسیار کسب نموده و توانسته بودند میزان متوسط سود ویژه را به ۴ ماه در سال افزایش دهند.

۶- و از آنجایی که طی حیات رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی دستمزدهای کارگران بطور مطلوب اضافه نگشته و برعکس، بر اثر بحران روز - افزون اقتصادی و فقر و مسکنت فلاکت بار توده - های کارگر و اخیراً مهاجرت خانمان برانداز جنگ، کارگران هر روز خانه خراب تر میشوند و دستمزدها چیز آنان بهیچوجه کفاف حداقل - ما یحتاج زندگی آنان را نمی‌دهد. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد:

۷- در برابر حذف سود ویژه، رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی میباید معادل ۴ ماه دستمزد کارگران یعنی ۲۵٪ به دستمزد کارگران اضافه نماید. و تا قبل از اضافه نمودن ۲۵٪ به دستمزدها باید همان ۴ ماه دستمزد کارگران را بعنوان سود ویژه پرداخت نماید.

"تا قبل از اضافه نمودن ۲۵٪ به دستمزد کارگران، ۴ ماه بعنوان سود ویژه پرداخت باید گردد."

۱۳۵۹/۱۱/۲۵

۱- قانون "سود ویژه" که از طرف رژیم منغور پهلوی و با فشار و دستکاری آمریکایی به تصویب رسیده قانونی صدکارگر بوده و می - بایست با افزایش میزان دستمزدها لغو شود.

۲- سود ویژه در واقع قسمتی از دستمزد کارگران است که با اهداف فکوناکون صدکارگری بصورت جداگانه‌ای پرداخت شده است. کارگران سازماندهی در جهت افزایش میزان سود ویژه در دوره‌ها خاشن وجه دور در رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مبارزات گسترده‌ای را همواره ادامه داده‌اند.

۳- رژیم سرما به داری، صدکارگری جمهوری اسلامی بعد از قیام منصف فقط این قانون ارتجاعی را لغو نمود، بلکه در جهت کسر کردن میزان سود ویژه کارگران کوششهای بسیار کرد و این خود موجب اعتراضات گسترده کارگری در اسفندماه ۵۷ و اسفندماه ۵۸ گردید.

۴- رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی در ادامه نوظنه‌های خاشنا خود بر علیه کارگران در صدد است که قانون سود ویژه بدون افزایش میزان دستمزدها را لغو نموده و بجای آن فقط ۲ ماه بعنوان عیدی و پاداش سالانه پرداخت نماید.

۵- از آنجایی که کارگران سازماندهی

ملاحظات ...

عمل در پیش و ولایت فقیه و سنن قدیمی بصورت "فرستاده مبلغین و داعیان دین" در می‌باید اگر "پیغمبر اسلام" نامه به خروپور و بوزو قیصر و فرستادگان آنها را به اسلام فراخواند البته که آیت الله خمینی با آنکه به همان تصورات و انواهی ها در عصر ام می توان نزدیک به ۳۰ هیئت تبلیغی به "بلاد کفر و دیگر بلاد" فرستاد حالا کدام دیوانه‌ها طریقی مثلا در میدانی حضور خواهد یافت تا حجت الاسلام با هنر برای او از فواید دین داری و اسلام و "انقلاب اسلامی" ایران سخن بگوید معلوم نیست و همینطور در آلمان و فرانسه و یکن و بلنارستان و ایالتی و ...!

برای رژیم هم اطلاق این حرفها مهم نیست قراردادها میمات و تمغیه سفارتخانه‌ها از کسانیکه مکتبی نیستند (دیدید که بنی صدر چگونه در میدان آزادی دادش درآمده بود؟) و خلاصه بر آوردن نیازهای سرما به داری وابسته ایران.

شعار "اسلام را به جهان بیاور" شناسانیم" کیسولی است که مصرف داخلی دارد و هدف اصلی همان بازسازی سرما به داری وابسته است. اختیارانی که به هیئت‌ها داده شده گویای آن است که موضوع از حد دعوت به اسلام بسیار فراتر است و همان دعوت هم در خدمت آن هدف.

فخرالدین حجازی که میباید در بارش جمهوری ایالتی ملاقات خواهد کرد! و حسن غفوری استاندار مشهد با وزیر خارجه انگلستان دیدار میکند. بخوبی معلوم است که هدف "دعوت به اسلام" نیست و بهتراست بگوئیم این شکل جدیدی از نامه نگاری به "خروپور و بوزو" میباشد. ضمناً بر اساس خبری که روز جمعه ۲۴ بهمن از رادیو پخش شد مگر، سفیر ایران در مسکو ضیافتی به افتخار هیات "تبلیغ اسلامی" (بریاست جلال فارسی) ترتیب داده است که در آن سفیرای کشورهای اسلامی، کشورهای آسیا و آفریقا و البته کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی شرکت داشته‌اند. آیا همان مهمانیهای چند صد نفره و بیشتر آن که سفارت‌های ایران در دوره شاه ترتیب میدادند اینبار در پیش "اسلام" خود تکذاب میشود؟ پیشنها دمیشود برای "مکتبی شدن" این ضیافت‌ها نام آنها را به ولیمه تبدیل کنند.

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله ...

بارها برای شده‌های توضیح دهند. توضیح رفا و برخورد با بدولت‌لویزیک با آن در عین حال که میتواند زمینه‌ای برای برخورد با مسائل اساسی تر با وجود آورد، بنویس خود، شرایط مناسبی را برای جمع بندی کاملی از چگونگی اتحاد عمل کمونیست‌ها در اینگونه مراسم و فعالیتها بوجود خواهد آورد و در زمینه راه برای حاکمیت همه جانبه یک نگرش اصولی و انقلابی در این زمینه در جنبش کمونیستی استفاده از آن برای حرکت‌های بعدی فراهم خواهد ساخت.

بقیه از صفحه ۳۲ بنی صدر ...

"آزادی برای محرومان ما از زنان شب واجب تر است" اما کیست که نداند منظور او از آزادی، آزادی برای لیبرالهاست. مگر نظرات نیروهای انقلابی و کمونیست همیشه مورد سرکوب قرار نگرفت؟ مگر نظرات ۲۳ دیماه مورد سرکوب واقع نشد؟ مگر نظرات ۱۹ بهمن بخون کشیده نشد؟ مگر نظرات کمونیست‌ها در ۲۲ بهمن مورد بورش ارتجاع قرار نگرفت؟ چرا بنی صدر به این سرکوبها اعتراض نکرد؟ جواب روشن است چون او موافق سرکوب جنبش و نیروهای کمونیست می - باشد و همیشه با طرفدار مستقیم سرکوب شرکت نکند همیشه با توطئه سکوت و لبخند درضا بت آمیز سرکوب خونین کمونیست‌ها و توده‌ها را تا شنیدم - کند ما نند قذیفه جنایت آمیز ترور رهبران خلق ترکمن، آری بنی صدر در مقابل هزاران جنایت با ساداران و ارتش سکوت میکند، اما در مورد رفتار حزبیهایی برای لیبرالها فریادش به آسمان میرود آری این واقعیت نشان میدهد که بنی صدر نه طرفدار آزادی و دمکراسی برای توده‌ها بلکه طرفدار آزادی برای لیبرالهاست. و اگر امروز به برخی از سرکوبها در مورد مجاهدین بطور ضمنی اعتراض میکند، بخاطر آنستکه مجاهدین سازش با بورژوازی لیبرال را در دستور قرار داده‌اند. و پرواضح است که در برابر قربانی کردن منافع انقلاب توسط مجاهدین یا ایدامتیازات حقیرانه

۱- ای به آنها اهدا نمود! واقعا جلال لیبرالها امتیازات جزئی به مجاهدین ندهند، در زمانه که مجاهدین امتیازات کلان به آنها داده و توده‌ها را در سالگرد قیام ۲۲ بهمن که با خیانت لیبرالها متوقف شد، به حمایت از لیبرالها فرا میخوانند؟ براساسی جلال لیبرالها به مجاهدین امتیازاتی ندهند زمانی که مجاهدین طی اعلامیه‌ای جهت شرکت در سخنرانی بنی صدر این لیبرال خیانت پیشه، لیبرالها را نترووهای مردمی قلمداد می نمایند؟

آلبته بنی صدر در سخنرانی خود حزب خاشن توده را مورد حمله خود قرار داد. اما این حمله از موضع دنیوی مدانقلابی است. همانطور که میدانیم حزب خاشن توده و اکثریتی های مرشد از حزبها حمایت کرده چرا که در آنها "استعداد" مستگیری بسوی سوسیال امیرالیم را می - بینند و بنی صدر قیام به خاطر همین موضوع است که به حزب می تازد. اما اگر همین حزب پس فردا به حمایت از لیبرالها بلند شود (که در شرایطی احتمالی وجود دارد) بنی صدر حملات خود را متوقف خواهد ساخت. اما بنی صدر و همه بورژوازی - داندبا نیروی که نمی تواننده سازش بر سرند کمونیست‌ها و جنبش توده‌ها می است که بر سبستی انقلابی به پیش میبرد و به همین خاطر بنی صدر سرکوب کمونیست‌ها و جنبش توده‌ای مانند جنبش مقاومت خلق کرد و بوجدمی آید و پای میکوبد و با تمام قوا در این سرکوب شرکت میکند.

درباره تظاهرات مشترک

عده‌ای از رفقا پرسیده اند علت آنکه ما با رفقای "نبرد" تظاهرات مشترک ۲۳ دسامبر را نگذاشته ایم چیست؟ رفقا! همانطور که قبلاً نیز توضیح داده‌ام ما تظاهرات مشترک و با هر فعالیت مبارزاتی مشترک دیگر را در رابطه با دعوا عمل یعنی یکی عامل ایدئولوژیک - سیاسی که از اولویت برخوردار است و دیگری عامل مسائل تیئوریتیک و نظریات ما اولویت نخستین به عامل ایدئولوژیک - سیاسی، خود را در برابر خود میبانی سیاسی و شعارهای رزمدهنگ فعالیت مشترک بروردا و به سراسر آن است. که نیروهای سیاسی معین می‌توانند به اتحاد عمل مشخص دست بزنند. بدین ترتیب در تظاهرات اتحاد عمل مشخص عامل سیاسی - ایدئولوژیک جزو لاینفک آن به شمار آمده و کسانی که معنی اساسی این عامل را نمی‌بینند و در آن لحاظ طلبی در مسائل و ایدئولوژی می‌باشند.

اما از نظر ما مسئله به اینجا محدود نمی‌شود. علاوه بر عامل ایدئولوژیک، عامل تناسب نیرو نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ممکنست جریانهایی کمونیستی ای وجود داشته باشد که از نظر گرایش سیاسی - ایدئولوژیک، نسبت به برخی دیگر نزدیکتر است. اما این امر به تنهایی برای ترک آن جریانهای در اتحاد عمل مشخص کافی نیست. اتحاد عمل نیروها را یکدیگر معنی مشخصی دارد. و آن عبارت از اثار کیفیت معینی در بسیج توده‌هاست. و بیرواض است که این امر متناسب با اوضاع جنبش کمونیستی است. پس می‌توان و نباید هرگز با نیرویی که فاقد هویت سیاسی - اجتماعی و با فاقد عناصر مشخصی در حرکتهاست شبيه تظاهرات مشترک ۲۳ دسامبر است. و از اتحاد عمل شد. بگذریم برای روشن شدن مطلب نمونه تظاهرات ۲۳ دی را مورد ارزیابی قرار دهیم آیا مبنای تظاهراتی است که ترک و با عدم شرکت آن در این تظاهرات مشخص جنبش محوسی در کمترش میزان سرد آن است. در کمیته سرکزاری شرکت می‌پسندند؟

از نظر ما چنین درخواستی نوعی تباوه طلبی کاذب و دروغین است چرا که اساساً ما در منطق میتوان پذیرفت که خریانی که نقش محوسی در بسیج و کرد آوری نیرو برای انجام این تظاهرات را ندارد. خود به عنوان یکپایه اصلی آن قلمداد شده. در تصمیم گیریها مربوط به چگونگی هدایت آن شرکت جسته عملاً از همان حقوقی برخوردار گردید که نیروی دیگر؟

کسانی چون رفقای سرد که عامل نیرو و به معنای دیگر تناسب نیرو را در نظر نمی‌گیرند، گرفتار در درکی انحلال طلبانه بوده و دچار تساوی طلبی خرد بورژوازی می‌باشند چگونه ممکن است نیروی که دارای کیفیت معینی از توانایی در بسیج توده‌ها می‌باشد و نیروی که تا شبر معینی در بسیج توده‌ها ندارد. دارای حقوق برابر



با سند و هر دو بعنوان پای اصلی یک اتحاد عمل وارد همکاری کردند. حسن نیروها می‌تواند می‌تواند به طرق گوناگون از جنبش اتحاد عمل‌های معینی حمایت و پشتیبانی نماید. اما فرصت طلبی و ایوریستی خود را به خود اورد و هر اتحاد عمل مبتنی بر مذهب یا دین یا ملیت یا نژاد یا اندیشه عامل تناسب نیرو در نظر گرفته نشود. عاملی که با عامل سیاسی - ایدئولوژیک (که در بالاتر فرم سیاسی مشترک تحمیل می‌شود) رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.

● رفیق ف. م. - این رفیق در مورد خاواده خود که ارنی است و شدت فالانژ و سخت با او مخالفت اند، از شما را همنامی خواسته است. رفیق نوشته است شیوه برخورد به خانواده آن رفیق دختری که در پیکار درج شده بود را خوانده، ولی نتوانسته یکبار گیرد.

رفیق! اگر جسم انداز به نیرو و تحول خاواده راننداری و در عین حال فاصله منافع طبقاتی را حس میکنی و راهی برای همزیستی که به فعالیت تولد به نزد ننداری، باید مستقل شوی و فعالیت را به این ترتیب دنبال کنی. ما هرگز نگفته‌ام همزیستی با خانواده تحت هر شرایطی که باشد، محاز است.

بیروزی باش!

● رفیق کاف: در مورد تظاهرات ۲۳ دی، بعنوان یک شرکت کننده ابتدایی را مطرح نموده است و کلاً خرابی ابتدایی از شرح تظاهرات نوشته و در اینجا پرسیده است اگر این برخوردها فاسل استغاده است، آنرا ذکر کنیم با رفتاری نظیرا و برخورد فعلی نمی‌تواند.

رفیق! نوشته‌ات مورد استغاده قرار گرفت. در ضمن باید گوئیم اصولاً امر جمعیتی از مبارزات، بررسی نقطه ضعفها و... وظیفه هر سازمان کمونیستی است. ما خود سیر در این زمینه رسیده‌ایم. در عین حال این سه تنها وظیفه یک تشکیل کمونیستی، بلکه وظیفه کلیه هواداران و سوده‌های آگاه و انقلابی است که در صفتها و سخالات نیروهای سیاسی استغاده کرده و استغادات خود را برای این نیروها بفرستند. از اینرو ما ضمن سیاستگاری از این حرکت، با هر کلبه‌ها داران، سوده‌های آگاه و انقلابی و نیروهای کمونیستی دیگر هم که اصولاً تمامی فعالیتهای سازمان را مورد برخورد و بررسی قرار دهند. بیروزی باش!

● رفیق منصور: استغاده است که چرا ما سید علی اکبر - پرورش را بدون درج منبع آن ذکر نمودیم و ما که استفاده از اسناد سیر و نیروهای سیاسی را بدون ذکر ما خا بورژوازی می‌دانیم، پس چرا این سند را که گفته رفیق، وحدت انقلابی چند ماه پیش منتشر کرده است، بدون ذکر منبع درج کردیم.

رفیق! ما از این مطلب که رفقای وحدت انقلابی سند را در تاریخ ۵۹/۲/۸ منتشر کرده اند اطلاع نداریم و این سند توسط رفقای هوادار سازمان براساس ارسال شده است. بیروزی باش!

● آرش از سوزوار - طی نامه‌ای ضرورت انتشار لیست کتب کلاسیک در رابطه با تئوریهای روبریونستی را به رشد غیر سرما به داری... همچنین در رابطه با سوسال امیرالیم و ترزه جهان و... را از سازمان خواسته است.

رفیق! ما در اولین فرصت در مورد این پیشنهادها به توافق اقدام خواهیم نمود.

* رفیق احسان - کارگر چاپ در رابطه با مقاله "دمکراسی انقلابی چیست" انتقاداتی مطرح کرده است. از جمله پرسیده است چرا گفته ایم دولت کارگران و زحمتکشان و از خرده بورژوازی متوسط نامی نبرده ایم. همچنین در مورد فرقی بین جمهوری دمکراتیک و سوسیالیسم رفیق انتقاد کرده که توضیح کافی داده نشده است.

رفیق! در مورد اول که از دولت کارگران و زحمتکش نام برده شده، جنبه اصطلاحی و تهبیجی و یاد نگاری مورد توجه قرار گرفته است لیکن همانطور که توارنه کرده‌ای در جمهوری دمکراتیک خلق، خرده بورژوازی، متوسط نیز در قدرت سیاسی سهم است و منظور ما لهذا بدین نبوده است که خرده بورژوازی متوسط را حذف نماید. در مورد فرو جمهوری دمکراتیک خلق و سوسیالیسم از آنجا که محور اصلی مقاله، توضیح دمکراسی انقلابی بورژوازی از بدبگاه کمونیستها و مقایسه آن با بریانه لیبرالها بود، به شرح بررسی اختلاف آن با سوسیالیسم نبرداخته است. موفق باش!

● رفیق AB - در مورد ضرورت دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی مطالبی را ذکر کرده است و پس به عدم استغاریانه "زندانیان سیاسی صدامپریا - لیست - صدا رنجاع" در پیکار را انتقاد کرده است و ذکر کرده که دو بار تا کنون خود این بیانیه‌ها را برای ما نرسانده است.

رفیق! در مورد آنچه که نوکسی ما نرسانده موافقم، لیکن محتاط اطلاع نوسا بدبگوئیم جنبش ساسه‌هایی برای ما ارسال شده است در اسازره حتماً بگیری کن! بیروزی باش!

به روشنی چشم ۵ / ۱ ملین آواره جنگ :

بنیاد مستضعفین : هتل های تهران در اختیار خوشگذرانهای مکتبی

هنگا میکه خانه های زحمتکشان در شهران پارس به دست رژیم خراب میشوند ،
- هنگا میکه آوارگان جنگزده و زحمتکش خوزستان در چاه های سناک بسر میبرند ،
- هنگا میکه ممالک پارتی و پارتیهای سرما به داران فراری از طرف آیت الله خمینی عمل حرام نامیده شده و سرکوب میشود ،
- و بالاخره هنگا میکه مشکل مسکن یکی از مشکلات اساسی توده های زحمتکش ماست ،

بنیاد مستضعفین در روزنا ماه آگهی میکند که هتل های تهران برای استفاده "شما" (منظور سرما به داران و خانواده های پرفه است - پیکار) آماده میباشد و "شما" میتوانید با پرداخت ۲۹۵۰ ریال برای دوشب (برای هرنفر - یک شب حدود ۱۵۰ تومان میشود) پیکار در اتا قهای یک نفره یا دوتنفره ژویدشو، حمام سونا استخر سربوشیده و همچنین برنا مه های سینمایی هتل استفاده کنید ، اما زحمتکشان ما بخوبی میدانند که این هتلها از راه غارت و استثمار آنان ساخته شده و در نتیجه به آنان تعلق دارد ، و با بدبا ممالک انقلابی هتلها خود را سابه حل مشکل مسکن بپردازند .

هتلها و دیگر ماکن سرما به داران با بستنی بوسیله زحمتکشان ممالک انقلابی گردن نه آنکه بصورت اماکن خوشگذرانی طبقات واقشار مرفه در آید .

اطلاعات ۸ بهمن ۱۳۵۹

هتل های تهران تقدیم میکند

بارک وی تلخ بون

مستقر در محله جردن در خیابان صفا در مقابل پارک صفا در نزدیکی هتل صفا

تعداد اتاقها ۱۱۰ اتاق - سرویس بهداشتی ۱۱۰ سرویس - حمام ۱۱۰ حمام - استخر ۱ استخر - سونا ۱ سونا - کافه ۱ کافه - رستوران ۱ رستوران - سالن اجتماعات ۱ سالن اجتماعات

آرامگاه ۲۹ بهمن ۵۹

بقیه از صفحه ۷ از مبارزات...

میلرزدا و راد بر دقه میکنند در این بین نام چندتن از دانش آموزان انقلابی خوانده می - شود می گویند شما هم اخراج هستید (عنفور) اما توده های انقلابی پا به عقب نمی نهیند . مدیر میگوید اگر به تحمن ادا مدهید فردا مدرسه منحل میشود و فریاد : " تعطیلی مدارس ، توطئه ارتجاع و ... از هر سوطین افکن میگردد . در این زمان خبر میرسد که چماقداران به مدرسه شریعتی - پسرانه - حمله برده اند و می خواهند مدرسه ما هم بیا بند . مدیر مدرسه هم اعلام میکنند از فردا مدرسه منحل است ، اما دانش آموزان فرار می گذارند فردا به زور مدرسه را با زنگا هدارند ، البته اکثریت معلمین هم به اخراج دانش آموزان معترض بود و از درس دادن خودداری میکردند . روز بعد ممالک از دانش آموزان ادا مده یافته و آنان با شعار محمل اخراجی حمایت میکنند معلم ، محمل ، بیوندتان مبارک ... به دهان همه مرتجعین میگویند شما دران دانش آموزان انقلابی هم به حمایت از فرزندان نشان آمده و فریاد " درود بر شما در مبارز " من مدرسه را

فرا گرفت . البته قابل توضیح است که این روزها دانش آموزان برای جلوگیری از انحلال مدرسه کلاسها را با زنگها شده و در آن به افشا - گری و دادن آگاهی های انقلابی مشغول بودند ، و مطابق معمول هم ممالک از دانش آموزان انقلابی با اعطای انجمن اسلامی و همدستان رویزیونیست شان ادا مده داشت . از روز بعد با زور ممالک پرازا علامه و اوزالید میشود ، دانش آموزان با نیروی مبارزه حقی فعالیت سیاسی علنی را بدست آورده و انجمن اسلامی و مور تربیتی و ... کاری از دستشان ساخته نبود ، از زشتن دانش آموزی که اعلام کرده بودند اخراجی هستند ، تنها یک نفر اخراج شده بود . کمیته مشترک با صدور قطعنامه به مبارزه - اش ادا مده میدهد . ۱- آزادی فعالیت سیاسی بدون هیچگونه قید و شرط ۲- بازگشت دانش آموزان اخراجی و جلوگیری از هرگونه اخراج دانش آموزان انقلابی ۳- تشکیل شورای واقعی

تظاهرات پیکارگران بمناسبت سالروز قیام در اهواز

در اهواز نیز همچون بسیاری از نقاط دیگر کشور ، رفقای ما به مناسبت بزرگداشت قیام ما - شکه ۲۲ بهمن راه پیمایی انجام دادند ، راه - پیمایی از ساعت ۴ بعد از ظهر زیر باران شدید از محله صمیرا با دیکی از محلات کارگری و فقیر - نشین اهواز آغاز شد ، پیشاپیش راه پیمایان پرچم سرخی که روی آن " برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق " نقش بسته بود ، به هزار در آمده بود ، راه پیمایان در صفوف فشرده ای به طرف فلکه زینت اهواز حرکت کردند در انتهای مسیر راه پیمایی عده ای از جوانان رژیم جمهوری اسلامی به صفوف تظاهرات حمله کردند اما با خشم و نفرت کوبنده راه پیمایان و مردمی

که به حمایت از تظاهرات برخاسته بودند و بر سر شده و عقب نشینی کردند . پیکارگران کمونیت در طول راه هیمایی با دادن شعارهایی از قبیل " ادا مده قیام - سرخ بهمن ، نبرد زحمتکشان - علیه ارتجاع است " و " رژیم ضد خلقی است - سرکوب پیکارگران قتل عام کردستان ، کشتار در خوزستان گواهی است " وحشت بردار ارتجاع افکنده و با تکرار شعار " علیه حزب جمهوری ، علیه لیبرالها ، زنده باد پیکار توده ها " توده های زحمتکش را به ادا مده انقلاب فرامی خواندند . بعد از تمام راه پیمایی با سداران به منطقه حمله کردند اما بعلمت هشیاری رفقا ، کاری از پیش نبردند تظاهرات رفقای ما علاوه بر استقبال مردم جنگزده اهواز از آن جهت اهمیت بسیاری دارد که رفقای ما در شرایط جنگی با دیگر میثاق انقلابی خود توده های زحمتکش در جهت دفاع از دستاوردهای قیام و همدخلیهای ایران را تجدید کردند .

سراوان ، مینا - مازکمیته کوه مبلات جنوب غرب تهران ، AK ، ستار ، د - خ از دانش آموزی غرب م ، م - هواداران زینت هگ ، م - م کارگزاران ما هشر ، ص - ن ، ایوب از تهران ، ن ، صرازا ، هوا ، ز ، ف - الف از لاهیجان ، قره باغ از تبریز ، د ، بهر ریاضی از تبریز ، بهروز ، جمع دانش آموزی از کرمان ، ۲۵ - از تبریز ، ر - ف - الف ، فرزانه از قزوین ، ف - ج - دانش آموز ، دانش آموزان غرب تهران ، ر - ص ، ۱۴ - ف ، رضاد - بهزاد ، ج - ر - ج - ب ، ر - ص ، هوادار ، ماری مهربان با اشعار بی لهجه خراسانی ، مسعود الف (گزارش) ، م - ج ، جنگزده خوزستانی با شعر ۲۵۰۰ ریال ، دانش آموزان یک طرح ابتکاری درباره جمع آوری کمک مالی همراه ۲۰۰۰ ریال با دروهای کمونیستی دست همه رفقا را میفشاریم

س معلم ، رضا از صفهان ، مرتضی از سقز ، فریبا ، معلم هوادار عبدالله ، س - را زروستای اوچ تپه قلعه میان دو آب ، ت - م ، کارگرمبار زحمتعلی از آوارگان سرو جرد ، H ، از تبریز ، رفیق عبدالله ، رفقای ما زندران ، م - ن - کازا ، هوا ، ز ، م - کار از بروجرد ، ا - ج - م عباس از حوزه کارگری قزوین ، م - م ، ن - م ، ۶۰ ، هستم دانش آموزی از آستانه ، ا - ن از صفهان ، د - ش معلم ، ب - د - ف از صفهان ، م - ۲۳ تهران ، ر - ص از لاهیجان ، احمد از تبریز ، B - H - N ، جواد - ج از لاهیجان ، رفیق کارگزاران اهواز ، دلاورا زلالی ، یکی از آوارگان بروجرد ، رفقای ارومیه ، م - ر ، ۴ - ۲۴ رفقای توزیع ، ف - فرشته ، رفقای تداکات ، الف - م - ج از تهران ، H ، یک رفیق معلم از

شماره ۳۲ از صفحه ۳۲

بازگشت...

چرا که امروز رژیم عراق نسبت به رژیم جمهوری اسلامی در موضع برتر قرار دارد و سرزمینهای بسیاری تحت کنترل او میماند اما علیرغم رجزخوانی های بسیار و علیرغم وضعیت فزاینده رژیم در پی آنست تا راه حلی پیدا کرده و حتی با دادن امتیازاتی ارضی مسئله را فاصله دهد. ارسال هیات نمایندگی حزبی جهت شرکت در کنفرانس کشورهای متعدده امیرالایم در چهارچوب همین هدف قرار میگیرد.

البته هم اکنون برای رسیدن به "صلح آبرومندانانه" همه جناحهای رژیم موافق نباشند اما این بار با در دست گرفتن امور وزارت خارجه و دیپلماسی بین المللی توسط حزبها، حزبها در این اقدام پیشقدم میباشند. در حقیقت می توان گفت اصلی ترین مسئله ای که رژیم ایران در کنفرانس تعقیب می نماید. همین مسئله جنگ ایران و عراق است. و مسائلی از قبیل طرح محکوم کردن تجاوز و روسپا به افغانستان و طرح محکومیت رژیم مصر برای رژیم ایران ثانوی و فرعی بشمار می آید و بیشترین جنبه تبلیغاتی دارند. در کنفرانس هیات نمایندگی جمهوری اسلامی کوشید تا رژیم صدام توسط کنفرانس محکوم گشته و در عرصه بین المللی کسب وجه نماید. اما تناسب قوا در کنفرانس اجازت نداد تا رژیم صدام محکوم گردد چرا که اکثر کشورهای شرکت کننده چه طرفدار شوروی و چه متمایل به غرب، خواستار این محکومیت نبودند. همانطور که میدانیم امروز شوروی تا مین کننده اصلی سلاحهای عراق است و آمریکا نیز

ایران دارای "مناسبات کاملاً صمیمانه ای نمی باشد و همین لحاظ عراق مورد محکومیت قرار نگرفت. تنها موضعی که کنفرانس اتخاذ نمود اظهار تاسف از جنگ ایران و عراق بود و بالطبع آن امری نبوده است اهداف رژیم جمهوری اسلامی را پاسخ گوید. البته کنفرانس مقررمودناهایی مشکل از نمایندگان هند، کوبا، زامبیا و سایرین آرا در بحث فلسطین تشکیل کرد و مسئله چگونگی رسیدن به "صلح" و بررسی نماید.

رژیم جمهوری اسلامی که هدف خود را نائل نگردیده در عین حال که این امر را مورد حمایت قرار میدهد، از کنفرانس سخاوتهای موضع صریح تری نسبت به جنگ ایران و عراق اتخاذ نماید و به معنای دیگر از کنفرانس میطلبند تا عراق را محکوم نموده و آنرا وادار به عقب نشینی فوری نماید. اما آنچه روشن است اینست که کنفرانس با توجه به تناسب قوا و غیر متعهد نبودن کشورهای چنین موضعی را اتخاذ نخواهد کرد. کنفرانس با تأکید قدرتی برای بزرگ امیرالایمستی مانعند آمریکا و شوروی و با وساطت برخی کشورها خواهد کوشید تا "صلح آبرومندانانه ای" که برخاسته به خلقهای عراق و ایران نخواهد بود برقرار کند. "صلح" که به نفع بورژوازی نو کشور خواهد بود و جز اعمال ستم طبقه ای بر کارگران و توده ها معنای دیگری نخواهد داشت. از نظر طبقه کارگرها نمکونه که جنگ ایران و عراق یک جنگ ارتجاعی بوده و صلح میان دو رژیم ایران و عراق نیز ارتجاعی و برسان خلقها و پرولتاریا خواهد بود

ملاحظات کوتاه

جمعه (و یا حدودی هم همان) اما بنظر نمی رسد اینها برنده شوند هر چند "امتیاز" هائی کسب کرده اند در واقع عموم "مکتبی" ها و حزب البیسی - ها هم از دور مابقیه خارج نیستند ولی بنظر می رسد که با توجه به معیار اصلی حزب توده یک نفر برنده شود. معیار اصلی راهم میدانند: آنکه به "مسکو" نزدیک شود، آنکه شوروی را "کشوری انقلابی" بداند و اولین مسافرت رسمی را به سوی قزلبکها حزب توده آغاز کند.

برنده مسابقه کسی غیر از جلال الدین - فارسی نیست. او کسی است که اگر نه با حزب توده ولی با ابادین درخا و رمبانه (که با لطیف جاسوس سوسیال امیرالایم شوروی بودند) مثل محمودینا همان در عراق رابطه داشته و با آنها زیستن در سوریه و گیتان "قوانین" روابط با شوروی را از نزدیک لمس کرده است و لذا با اطمینان خاطر در سخنرانی روزاربعی - امسال، از ضرورت خرید سلاحها می گوید که می توان با آنها "ناوگان آمریکا را از منطقه راند" و در اختیار لبیبی و کوبا هم هست (جواب معمارا متوجه شدید؟) صحبت به میان آورد و البته در دل حزب توده یک من قند آب ند. "برادر جلال فارسی" که کیا نوری لایدا و را بزودی به لقب تا واریش (رفیق به روسی) مفتخر خواهد کرد قبل از عزیمت به "شمال" گفت که شوروی "کشوری انقلابی" است و ما هم "انقلابی" هستیم (بیلهدیک بیلهدیک جعفر!) و با یاد ز تجارب انقلاب اکسیرا استفا ده کنیم. آقای فارسی البته در شوروی جزبالاشه آن تجارب رو بیرون نخواهد شد. زیرا اگر در آنجا تجارب انقلاب کبیر سوسیالیستی اکسیر زنده بود آقای فارسی هم از آن شدیداً می ترسید و خیس!

غریبه آنطرفها هم به کلاهش نمی زدند و مگر جلال - الدین فارسی و رژیم جمهوری اسلامی یکی از افتخارات خود را میارزه با کمونیسم نمیدانند؟ بهر حال برای حزب توده همان "تقریب" درگاه ارباب "اهمیت" دارد و لذا برنده حتمی (تاکنون) کسی غیر از جلال الدین فارسی نیست!

نامه به خسرو پرویز!

رژیم سرمایه داری وابسته ایران که قبا "ولایت فقیه" است کرده است بسیاری از نیازها و برنامهای خود را در همین قالب رفع میکند و به عمل در میآورد. مثل دعوت مردم به قبول گذاشتن در بانک به کمک فتوا! رژیم که حزب جمهوری اسلامی در آن غلبه دارد باید به مناسبات خارجی اس را خود - بدون حضور رقیب های لیبرال - روسا مان دهد و با یک نگاه کمتر شده سفارتهای ایران در خارج و فرار دادها و روابط خارجی را سرپا نحت کنترل خود درآورد. این

هشدار به انقلابیون: گشتی های "ساواک" بازگشته اند

هشیاری تمام حرکات خود را تنظیم کرده و توطئه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را با شکست مواجه سازند. مورد دیگری از اعمال سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، بازدید و تفتیش انوسوهای مسافرتی و اتومبیل ها در جاده های خارج شهر است که پس از جنگ تحمیلی شدت پیدا کرده است. با سواران چهل و سرما به مثل دزدان سرگردنه اتومبیل ها را متوقف کرده و اقدا مه تفتیش میکنند و به محض یافتن نشریه یا مدرک انقلابی، ما حسب آنرا دستگیر میسازند، البته در تفتیش اتوبوسهای مسافرتی این ما موری مرتجع با مقاومت و خشم مردم سیدار ما مواجه میشوند و در برخی موارد تا کام میبرند.

نیروهای انقلابی و زحمتکشان ایران جنایات گشتی های کمیته مشترک "شهریانی - ساواک" را با خفا طردا رند. آنان بیاد میآورند که چگونه مزدوران رژیم بنا به در کوجه و خیا بان به شکار انقلابیون میپرداختند و به کوچکترین حرکت مردم مشکوک شده و آنان را مورد تعقیب و آزار قرار میدادند. اکنون رژیم جمهوری اسلامی تجارب جنایتکارانه ساواک را با رگرفته و در خیا بانها به تعقیب و شناسائی انقلابیون میپردازد. گشتی های رژیم که از ۳ الی ۴ نفر تشکیل شده و در میان آنان ما موریین زن نیز دیده شده است، افرادی با تجربه در کار تعقیب و مراقبت مبارزین هستند و صلح در اتومبیلهای سواری در شهر حرکت میکنند. در میان آنسان افراد ارتشی و وزیده نیز به چشم میخورد. این مزدوران که ظاهراً با سارنیز بین آنها وجود دارد به محض دیدن مورد "مشکوک" در محل فرد مورد نظر را شدیداً کتک زده و با خود میبرند. از این نظر مبارزین انقلابی بدون آنکه دره ای از آنها همبازرات انقلابیشان بکا هند. باید با

بازگشت نبوی از هند و دستی که پر نیست!

یادداشت‌های سیاسی هفته

اعتدال در برابر حزب نی صدر سرکوب خلق

بعدا زروی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز به عضویت کنفرانس کشورهای غیر متعهد در آمد. اگر چه رژیم حاکم در پی آن نبود تا چنین وانمودا زده که شرکتش در این کنفرانس نشانه "عدم تعهد و وابستگی نظام جمهوری اسلامی" و بیابانگر "خط مشی سیاسی نه شرقی نه غربی" ایران است اما پرواضح است که این کنفرانس نه تنها نشانه عدم وابستگی کشورها به امپریالیسم نیست بلکه ابزاری است در خدمت امپریالیسم و ارتجاع جهانی جهت به انحراف کشاندن مبارزات خلقهای جهان. و رژیم جمهوری اسلامی اگر چه کارگزار نیست اما نه تنها مستقل و غیر متعهد نمی باشد، بلکه در عین حال از شرکت در این کنفرانس جز فریب دادن توده ها و تحقیر اهداف و انقلابی طبقاتی خویش هدف دیگری را تعقیب نمی کند و جز این هم نمی تواند باشد.

رژیم جمهوری اسلامی در کنفرانس اسلامی طائف که در ماه گذشته در عربستان برگزار شد شرکت ننمود. اگر چه تمایل حقیقی هایت حاکمه ایران در جهت شرکت در کنفرانس طائف بود، اما تضادهای خمینی و حزبها با مدام حسین مانع از آن شد که ایران در کنفرانس شرکت کند اگر چه لیبرالها علیرغم حضور مدام خوان همان شرکت در آن بودند. اما از آنجا که رژیم حاکم از نقطه نظر نظامی در موضع ضعف قرار داشت (و دارد) و از آنجا که در این کنفرانس ایران می -

باست شرکت میکردند و معنای دیگری صدر میبایست حضور می یافت. خمینی و حزبها سه خاطر وجود مدام و متنا دما لیبرالها حاکم بر شرکت در کنفرانس نکشیدند. اما این با رژیم حاکم با توجه به اوضاع و احوال با مدام و معطلات و مشکلات عدیده این در پی پایان دادن به جنگ است و از همین جهت شرکت خود را در کنفرانس توجیه میکنند.

در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی در جنگ با رژیم مرتجع مدام به حالت استعمال افتاده است. اما در جنگ پیش از پیش در هم ریختگی اقتصاد و وابسته و ورشکسته ایران را گسترده تر ساخته، فقر و فلاکت توده ها و در نتیجه مبارزات آنان را دامن زده و خواهد زد. اگر چه رژیم سار این جنگ ارتجاعی را به دوش کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است، اما گسختگی بیشتر افتصاد و وحکری بیشتر مبارزات رژیم را به وحشت انداخته است. اگر چه رژیم در ابتدای جنگ با تبلیغات شوینستی توده های وسیعی را متوجه ساخت و حمایت آنان را نسبت به خود جلب نمود. اما امروز زیر فشار فقر و فلاکت توهومات بیش از پیش فرو ریخته و توده ها از رژیم کنده میشوند. این شرایط رژیم را بر آن میدارد تا بکوشد بنحو "برومندا نه ای" جنگ را خاتمه دهد. البته این خاتمه دادن کار آسانی نیست چرا که تضاد مدام و دوسورژوازی مطرح است.

س از مدتی زور آزمائی میان حزبها و لیبرالها در مورد بدست گرفتن روز ۲۲ بهمن، بالاخره بنی صدر و فرستخانی را کنار زد و سخنرانی ۲۲ بهمن در تهران را به خود اختصاص داد. هر یک از جناحها در پی آن بودند تا با انجام سخنرانی ممدان آزادی به ما نور قدرت در مقابل دیگری بر خاسته و عوا مفرسنا نه چنین وانمودا زده که وارث قیام و دستاوردهای آن است. بنی صدر نمنا به سر کرده لیبرالها اگر چه ما تند حزبها جز خیانت نسبت به قیام کار دیگری نکرده است، اما در این مابقیه بیروز بیرون آمده و موقعیت خود را برای سخنرانی ۲۲ بهمن تثبیت کرد.

خمینی که میدانست این سخنرانی محسه دیگری از تنها حمل لیبرالها به حزبها خواهد بود ما تند همیشه به پشتیبانی از حزبها بلند شده و میگوید بنی بدهم دیگر را بگزید و بپنجه بروی هم بزنید و اگر غیر از این باشد من به هر کس هر چه داده ام پس میگیرم" و به این ترتیب بنی صدر را دعوت به عدم تعرض علیه حزب جمهوری اسلامی می کند و تهدید بدین جهت "عطا شده ها" خمینی بر آنست که همه بخشای، سورژوازی امروز در مقابل جنبش اوج گیرنده با بدمنحدا شد، اما همزبونی از آن حزب با قیام مماند. ولی از آنجا که مسیبد لیبرالها خاموش ننشسته و مدام به تعرض خود ادامه میدهند و خواستار امتیازات بیشتر میباشند خطاب به حزبها میگوید: "بگذار که بدین روحا نبونی است که در دکانها، کهنه ها، جها دسازندگی و دیگر ارگانها اشتغال به خدمت دارند. که اولاد ماموری که ملاحبت آن را ندانند به جوجه دخالت نکنند که دخالت آنان علاوه بر آن که از جهت عدم ملاحبت آنان غیر مشروع است از جهت بدین شدن ملت به روحا نیست و در نتیجه جدا شدن ملت از شما...." خمینی بدین ترتیب به انتقاد از حزبها پرداخته و قول امتیاز تخمی به لیبرالها میدهد.

بر اساس این مقدمات است که بنی صدر به سخنرانی میرد از دو جانب اعتدال را در پیش میگیرد. تهدیدات و قول و قرار خمینی نسبت بر امتیازات بیشتر بنی صدر را در حرکتش محدود ساخت، البته بنی صدر کماکان به حزب حمله نمود اما نه بر اساس طرح اولیه اش و با زهم بطوری عوا مفرسنا نه به استناد از حزبها حمله کرده و خود را طرفدار آزادی بحساب می آورد. و میگوید:

بقیه در صفحه ۳۱

مجموعه سرودهای قیام از انتشارات جدید سازمان

رژیم کارگران و دهقانان و زحمتکشان ما است که ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی را به زبان شعرو موسیقی بیان میدارد و تبلیغ سوسیالیسم را در زمینه هنر و آواچ میدهد. ما تلاش بیرو و وحسکی تا پذیر رفقای کمیته هنری، بویژه رفقای گروه موسیقی را که با آهنگها و کرپور شور و خروش و سرشار از روح مبارزه و کمونیسیم خود، نقش ارزنده در بریدن آزمانها و وابنده های انقلابی و سوسیالیستی به میان کارگران و زحمتکشان و خلقهای فهرمانان بعهده گرفته اند با س میدا ریم و آرزو میکنیم هر چه بیرون ترو مومم ترو با کار کمونیسیتی در عرصه هنر، پیش از پیش وظایف خود را در راه انقلاب، پیروز مندانه به پیش ببرند.



حما سبت دومین سالگرد قیام ۱۲م سرود در یک کاست، از سوی سازمان پیکار در روز آذادی طبقه کارگر، انتشار یافته است. این سرودها، با مضمون کمونیسیتی خود، نغمه های سرخ و خونین

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدانیست